نقد نظریهٔ خشونت در عصر ظهور

مهربان‌ترین حاکم

داوود ملاحسنی

مهربان ترین حاکم: نقد نظریه خشونت در عصر ظهور

مشخصات کتاب

سرشناسه:ملاحسنی، داود، 1367 -

عنوان و نام پدیدآور:مهربان ترین حاکم ((نقد نظریه خشونت در عصر ظهور))/ نویسنده داود ملاحسنی.

مشخصات نشر:قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، 1393.

مشخصات ظاهری:144 ص.؛ 5/21 ×5/14س م.

شابک: 978-600-7120-63-7

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

موضوع:مهدویت

موضوع:مهدویت-- احادیث

رده بندی کنگره: 1393 9م73م/224 BP

رده بندی دیویی:462/297

شماره کتابشناسی ملی: 3725493

ص: 1

اشاره

مهربان ترین حاکم

«نقد نظریه خشونت در عصر ظهور»

نویسنده: داوود ملاحسنی

ص: 2

مهربان ترین حاکم

 مؤلف: داوود ملاحسنی

 ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

ویراستار: فاطمه اکبری

 طراح جلد و صفحه آرا: مسعود سلیمانی

 نوبت چاپ: اول/ زمستان 1393

 شابک: 978-600-7120-63-7

 شمارگان: 1000 نسخه

 قیمت: 6000 تومان

* قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / خیابان شهدا/ کوچه آمار(22)/ بن بست شهید علیان/ پ: 26/ همراه: 09109678911/ تلفن: 37749565 و 37737801(داخلی 117و116)/37841130 (فروش)/ 37841131 (مدیریت)/ فاکس:37737160 و 37744273

* تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)/ تلفن: 88959049/ فاکس: 88981389/ ص.پ:35515655

m www.mahdi313.com

m www.mahdaviat.ir

m info@mahdaviat.ir

m Entesharatbonyad@chmail.ir

تقدیم به:

بسم الله الرحمن الرحیم

یگانه منجی بشریت حضرت صاحب الزمان(عج) همو که؛

اگر چه سینه ها لبریز فریاد است و روح و جان ما آلوده از ظلم و بیداد ولی به امید وی دست دعامان به سمت آسمان رفته و روز جمعه دلهامان به سمت کعبه می چرخد... به این امید که پیش از رفتن خورشید از دروازه های شب طلوع دیگری جان جهان را آذین سازد.

تشکر و قدردانی

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و دورد بر محمّد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز...

براساس وظیفه شایسته است که:

از پدر و مادر عزیزم، این دو معلم بزرگوارم که همواره بر کوتاهی و درشتی من، قلم عفو کشیده؛ کریمانه از کنار غفلت هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی یار و یاوری بی چشم داشت برای من بوده اند؛

و از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر دیاری که در کمال سعه صدر، با خوش خلقی و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نکردند و زحمت راهنمایی این پایان نامه را برعهده گرفتند؛

و

همچنین از جناب حجت الاسلام والمسلمین نصرت الله آیتی (عضو هیئت علمی پژوهشکده آینده روشن) و حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی برای هدایت های علمی ایشان تشکر می کنم.

باشد که این کم ترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

فهرست مطالب

ص: 8

فهرست

مقدمه

مبحث مهدویت، بحثی مشترک میان تمامی ادیان و مذاهب است و همگی منتظر یک منجی هستند که با آمدن وی تمامی جهان پر از عدل و داد شود. باید گفت در این میان دشمنان و فرصت طلبان نیز وارد این بحث مهم شده، هرکدام به فراخور حال خویش به این بحث بسیار مهم آسیب زده، آن را منحرف کرده و چهره قیام و عدالت فراگیر او را مخدوش ساخته اند.

از جمله مباحثی که در این میان بسیار مهم و قابل توجه است، اندیشه و ذهنیت رایج مسلمانان است. آنان بر این باورند که حضرت مهدی(عج) با چهره ای خشن ظهور می کند و با تکیه بر شمشیر و کشتارِ مخالفان خود به تشکیل حکومت و کسب قدرت موفق می شود. این ذهنیت و تصور از چهره امام زمان(عج) در روایاتی ریشه دارد که در این باره در برخی کتابها نوشته می شود و گاه بر روی منبرها برای مردم بازگو می گردد. به موجب پاره ای از این روایات، که از نظر سندی و متنی مشکل جدی دارند، حضرت مهدی(عج) به هنگام ظهور چنان با خشونت و درشتی با مردم رفتار می کند و کشتار و خونریزی به راه می اندازد که بیشتر آنان آرزو می کنند ای کاش هرگز او را نبینند و عده ای دیگر نیز نسبت به ایشان دچار تردید می شوند و او را از آل محمد صلی الله علیه و آله نمی دانند.

در مقابل این دیدگاه برخی دیگر بر این باورند که امام زمان(عج) به هنگام ظهور از راه ولایت و تصرف تکوینی همه خلایق را مطیع و مسخّر خود می کند و کارها را با اعجاز و به صورت غیر عادی انجام می دهد؛ بنابراین اصلاً از کشتار و جنگ با مخالفان هیچ خبری نیست آن چنان که حتی به اندازه خونریزی حجامت هم خونی ریخته نمی شود و تمامی امور به آسانی و بدون هیچ زحمتی پیش می رود.

ما در این نوشتار برآنیم که به نقد و بررسی این دو دیدگاه افراطی و تفریطی بپردازیم و یک دیدگاه میانه و درست از چهره امام زمان(عج) به هنگام ظهور و قیام به نمایش بگذاریم و به این نتیجه برسیم که روایاتی که این دو اندیشه نادرست را بیان می کنند، دچار مشکل سندی و محتوایی هستند؛ همچنین نشان دهیم که ظهور حضرت نه آن قدر با خونریزی و کشتار انجام می شود که از دیدگاه عقل و شرع بعید به نظر می رسد و نه آن چنان از جنگ با دشمنان به دور است که بتوان گفت همه کارها به آسانی و راحتی انجام می پذیرد بلکه از آن جا که امام زمان(عج) مظهر رحمه للعالمین است و خواستار هدایت همه مردم می باشند، آنان را به سوی حق دعوت می کند اما به ناچار با دشمنان حقیقی خداوند که به هیچ وجه حق را نمی پذیرند و همواره خواستار سلطه جویی، قدرت طلبی و ظلم وستم بر مردم هستند، وارد جنگ می شود تا آنها را از بین ببرد و زمین را از آلودگی وجود آنان پاک کند و عدل و عدالت را در همه زمین برقرار نماید.

با توجه به اینکه در برخی روایات مربوط به ویژگی ها و شرایط ظهور حکومت جهانی امام زمان(عج) مطالبی غیر واقعی و برساخته از دروغ به پیشوایان

معصوم دین نسبت داده شده است، زدودن غبار دروغ و افتراء از چهره احادیث مربوط به قیام مصلح کل و موعود آخرالزمان(عج) و پاسخگویی به شبهات و نیز بیان واقعیت های قیام براساس عدالت و معنویت آن حضرت، امری بایسته و ضروری می نماید.

هدف از انجام این تحقیق پاکسازی افکار درباره چهره قیام امام مهدی(عج) از خشونت و کشتار به چهره ای از عدل و داد و رأفت و ایجاد انگیزه و گرایش در مردم برای هرچه نزدیک تر شدن قیام و ظهور امام مهدی(عج) است.

حال با توجه به این توصیفات این پرسش اصلی پیش می آید که:

- چگونه و با چه مبنا و معیاری می توان درستی روایاتی را که بیانگر قیام امام همراه با خشونت و کشتار است را شناسایی کرد؟

- مصادر و سندهای روایاتی که بر قیام امام مهدی(عج) و همراهی آن با شمشیر و خشونت دلالت می کند تا چه حد دارای اعتبار و قابل پذیرش هستند؟

- آیا دیدگاهی که قیام امام مهدی(عج) را بدون هیچگونه درگیری توصیف می کند، پذیرفتنی و قابل اثبات است؟

- امام مهدی(عج) پیش از رویارویی و درگیری چه اقدامات اولیه ای برای هدایت و اصلاح مخالفان انجام می دهد؟

در مقام پاسخ به این پرسش ها می توان چنین فرضیاتی را ارائه و به بررسی آنها پرداخت:

- با معیار بررسی سند روایاتی که بیانگر قیام همراه با درگیری و کشتار افراطی است، مشخص می شود که این روایات دارای مشکل سندی و غیر قابل اعتماد هستند.

- اسناد و بعضی از منابع این روایات که بر قیام امام مهدی(عج) و همراهی آن با شمشیر و خشونت دلالت می کند، دچار تردید و ضعف است.

- روایاتی که بیانگر دیدگاه تفریطی هستند و قیام حضرت را بدون کوچکترین درگیری و کشتار معرفی می کنند، مشکل جدّی سندی و دلالی دارند و بی اعتبار می باشند.

- سیره حضرت مهدی(عج) همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام است؛ بنابراین رفتار حضرت مهدی(عج) به هنگام رویارویی با مخالفان نیز پیرو سیره جد بزرگوارشان خواهد بود. قیام امام مهدی(عج) همراه با جنگ و درگیری هایی است که پیش از آن هدایت و روشنگری انجام شده باشد؛ اما این جنگ ها به صورت افراطی و تفریطی که برخی روایات بیانگر آن است، انجام نمی گیرد.

و همچنین امام زمان(عج) به هنگام قیام با دشمنان حقیقی خدا، با آنان به طور قاطع برخورد می کند و با دوستان خدا رئوف و مهربان است.

فصل اول: روایات بیانگر کشتار و خونریزی در عصر ظهور(دیدگاه افراطی)

اشاره

اخبار و روایاتی که در آنها کشتار و خونریزی در حجم گسترده ای مطرح شده اند، به سه دسته تقسیم می شوند. دسته ای از آنها به ملاحم، فتن و خونریزی های پیش از ظهور مربوط می شود و به دوران ظهور و قیام حضرت مهدی(عج) هیچ ارتباطی ندارد و تنها به اوضاع نابسامان جهان پیش از ظهور اشاره می کند که ممکن است برخی آن را به اشتباه به حضرت مهدی(عج) نسبت داده باشند.

دسته ای دیگر از این روایات به دوران پس از حکومت حضرت مهدی(عج)؛ یعنی دوران رجعت مربوط می باشد که باید گفت این مقوله هم با دوران ظهور و حکومت امام ارتباطی ندارد. در این جا توضیح یک نکته ضروری می نماید و آن این که ما در بیان روایات کشتار به هنگام رجعت در پی بررسی سندی و متنی آنها نیستیم و فقط این حقیقت روشن را بیان می کنیم که برخی از کشتارهایی که ممکن است به حضرت نسبت داده شود، مربوط به دوره رجعت است و هیچ ارتباطی به ایشان ندارد.

دسته آخر این روایات که در آنها کشتار در حجم وسیع مطرح شده است و مهم ترین و گسترده ترین بخش تحقیق ما را دربر می گیرد کشتار ها و خونریزی های وسیع مربوط به هنگام ظهور و حکومت امام زمان(عج) است که باید گفت این روایات از نظر سندی و متنی مشکل جدّی دارند و برخی از آنها

با اغراض گوناگونی به کتاب های روایی وارد شده اند. این روایات نیز در ادامه خواهد آمد و به دقت نقد و بررسی خواهد شد.

پس از مروری کلّی بر این سه دسته از روایات، هر یک از این دسته ها را به طور جداگانه بررسی می نماییم.

1. روایات مربوط به خونریزی ها و کشتارهای پیش از ظهور

اشاره

روایات مربوط به خونریزی ها و کشتارهای پیش از ظهور به دو شکل است: گروهی از آنها به روشنی می گوید که پیش از روی دادن ظهور امام در جهان مرگ و کشتار زیاد است و گروهی دیگر از روایات بیانگر جنگ ها و قتل و غارت ها بین صنوف گوناگون همچون سفیانی و مخالفان وی می باشد که نشانگر کشتار و خونریزی گسترده پیش از ظهور است.

1-1. روایات صریح

ابتدا به بیان روایاتی می پردازیم که به طور صریح به کشتار ها و خونریزی های وسیع پیش از ظهور اشاره می کند:

1-1-1. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْحُسَيْنِ بن سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بن يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بن الْحَجَّاجِ عَنْ سُلَيْمَانَ بن خَالِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: قُدَّامَ الْقَائِمِ مَوْتَتَانِ مَوْتٌ أَحْمَرُ وَ مَوْتٌ أَبْيَضُ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةٍ خَمْسَةٌ الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونُ.(1)

سلیمان بن خالد گوید:

1- محمد بن علی، ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1405ق، ج2، ص655.

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: پیش از قیام قائم(عج) دو مرگ و میر عمومی رخ می دهد، یکی مرگ سرخ و دیگر مرگ سپید، تا به جایی که از هر هفت تن پنج تن برود. مرگ سرخ با شمشیر و مرگ سپید با طاعون است.

1-1-2. وَ قَالَ علی بن موسی الرضا علیه السلام : « قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ قَتْلٌ بَیُوحٌ». قُلْتُ: وَ مَا الْبَیُوحُ؟ قَالَ: «دَائِمٌ لَا یَفْتُرُ».(1)

امام رضا علیه السلام فرموده:

پیش روی این امر (قیام حضرت) کشتاری بیوح می باشد. پرسیدم: بیوح چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: کشتاری وسیع و دائم که قطع نمی شود.

1-1-3. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِی أَیُّوبَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ وَ مُحَمَّدِ بن مُسْلِمٍ قَالا: سَمِعْنَا ابا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: لَا یَکُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّی یَذْهَبَ ثلث [ثُلُثَا] النَّاسِ. فَقِیلَ لَهُ: إِذَا ذَهَبَ ثلث [ثُلُثَا] النَّاسِ فَمَا یَبْقَی؟ فَقَالَ علیه السلام: أَ مَا تَرْضَوْنَ أَنْ تَکُونُوا الثُّلُثَ الْبَاقِیَ.(2)

ابو بصیر و محمّد بن مسلم گویند از امام صادق علیه السلام شنیدیم که می فرمود:

این امیر واقع نشود تا آنکه دوسوم مردم از بین بروند، گفته شد: چون دوسوم مردم از بین بروند پس چه کسی باقی می ماند؟ فرمود: آیا دوست نمی دارید که شما آن ثلث باقی باشید؟!

1-1-4. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِیدٍ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ هِشَامِ بن سَالِمٍ عَنْ زُرَارَهَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: النِّدَاءُ حَقٌّ؟ قَالَ: إِی وَ اللَّهِ حَتَّی یَسْمَعَهُ کُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ وَ قَالَ علیه السلام: لَا یَکُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّی

1- عبدالله بن جعفر، حمیری، قرب الاسناد، تحقیق موسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، 1413ق، ص170.
2- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج2، ص655-656.

يَذْهَبَ تِسْعَةُ أَعْشَارِ النَّاس.(1)

زراره گويد:

به امام صادق عليه السلام عرض كردم كه آن آواز (آسمانى) حقيقت دارد؟ فرمود: آرى به خدا قسم؛ چندان كه هر قومى به زبان خودشان آن را مى شنوند و فرمود: اين امر نخواهد شد تا زمانى كه نه دهم مردم از بين بروند.

5-1-1. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بن الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن حَسَّانَ الرَّازِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بن جَبَلَةَ عَنْ عَلِيِّ بن أَبِى حَمْزَةَ عَنْ أَبِى بَصِيرٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى خُرُوجُ الْقَائِمِ عليه السلام؟ ... ثُمَّ قَالَ: يَا إبا مُحَمَّدٍ إِنَّهُ لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ ذَلِكَ الطَّاعُونَانِ؛ الطَّاعُونُ الْأَبْيَضُ وَ الطَّاعُونُ الْأَحْمَرُ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ أَيُّ شَىْ ءٍ هُمَا؟ فَقَالَ: أَمَّا الطَّاعُونُ الْأَبْيَضُ فَالْمَوْتُ الْجَارِفُ وَ أَمَّا الطَّاعُونُ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْف.(2)

ابو بصير از امام صادق عليه السلام روايت كرده؛ گويد:

به آن حضرت عرض كردم: فدايت گردم خروج قائم(عج) چه زمانى خواهد بود؟... سپس فرمود: اى أبا محمّد ناگزير پيش از وقوع آن، دو طاعون روى خواهد داد: طاعون سفيد و طاعون سرخ، عرض كردم: فدايت گردم آن دو چه هستند؟ فرمود:[امّا] طاعون سفيد مرگ همه گير و عمومى است و امّا طاعون سرخ

1- نعمانى، محمد بن ابراهيم، غيبت نعمانى، تحقيق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوارالهدى، 1422ق، ص282-283، ب14، ح54.
2- نعمانى، محمد بن ابراهيم، غيبت نعمانى، تحقيق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوارالهدى، 1422ق، ص301، ب16، ح 6.

همان شمشیر است.

1-1-6. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ ابن عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنِی أَحْمَدُ بن يُوسُفَ بن يَعْقُوبَ ابو الْحَسَنِ الْجُعْفِیُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بن مِهْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ بن عَلِیِّ بن أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ ابو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ يَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ وَ يُصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ وَ نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ فَإِنَّ ذَلِكَ فِی كِتَابِ اللَّهِ لَبَيِّنٌ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِين.(1)

ابو عبداللَّه عليه السلام فرمود:

ناچار بايد پيش از قيام قائم(عج) سالی باشد كه مردم در آن سال گرسنه بمانند و از دو ناحيه ترس و سختی آنان را فرا گيرد از كشتار و از كم بود ثروتها و جانها و ميوه ها و اين مطلب در كتاب خدا به طور روشن بيان شده است؛ سپس اين آيه را تلاوت فرمود: (وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ)(2)

1-1-7. أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بن الْحُسَيْنِ قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بن يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بن حَسَّانَ الرَّازِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ الْكُوفِیِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بن أَبِی الْبِلَادِ عَنْ عَلِیِّ بن مُحَمَّدِ بن الْأَعْلَمِ الْأَزْدِیِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: بَيْنَ يَدَیِ الْقَائِمِ مَوْتٌ أَحْمَرُ وَ مَوْتٌ أَبْيَضُ وَ جَرَادٌ فِی حِينِهِ وَ جَرَادٌ فِی غَيْرِ حِينِهِ أَحْمَرُ كَالدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ

1- نعمانی، محمد بن ابراهيم، غيبت نعمانی، تحقيق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوارالهدی، 1422ق، ص259، ب14، ح 6.
2- بقره(2)، 155.

الْأَحْمَرُ فَبِالسَّيْفِ وَ أَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُون.(1)

اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود:

پيشاپيش قائم(عج) مرگ سرخ و مرگ سفيد و ملخى فصلى و ملخى غير فصلى كه همچون خون سرخ رنگ است، خواهد بود اما مرگ سرخ به وسيله شمشير است و اما مرگ سفيد يعنى طاعون.

8-1-1. حَدَّثَنَا يَحْيَى بن الْيَمَانِ، عَنْ كَيْسَانَ الرُّوَاسِيِّ الْقَصَّارِ، وَكَانَ ثِقَةً قَالَ: حَدَّثَنِى مَوْلَاىَ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا، رَضِىَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِىُّ حَتَّى يُقْتَلَ ثُلُثٌ، وَيَمُوتُ ثُلُثٌ، وَيَبْقَى ثُلُثٌ.(2)

اميرالمومنين عليه السلام مى فرمايد:

حضرت مهدى(عج) قيام نمى كند مگر اينكه يک سوم مردم كشته شوند و يک سوم ديگر آن بميرند و يک سوم آخر باقى بمانند.

9-1-1. وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بن الْخَصِيبِ عَنْ أَبِى الْمُطَّلِبِ جَعْفَرِ بن مُحَمَّدِ بن الْمُفَضَّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بن سِنَانٍ الزَّاهِرِىِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مَدِيحِ بن هَارُونَ بن سَعْدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ ابا الطُّفَيْلِ عَامِرَ بن وَاثِلَةَ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ لِعُمَر... عُمَرُ وَ قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا تَقُولُ، فَهَلْ لَكَ عَلَامَةٌ؟ قَالَ: نَعَمْ قَتْلٌ فَظِيعٌ، وَ مَوْتٌ سَرِيعٌ، وَ طَاعُونٌ شَنِيعٌ، وَ لَا يَبْقَى مِنَ النَّاسِ فِى ذَلِكَ إِلَّا ثُلُثُهُم. (3)

اميرالمومنين عليه السلام در پاسخ به سوال عمر كه از ايشان پرسيد آيا براى آن (خروج قائم) علامتى است؟ فرمود:

1- نعمانى، محمدبن ابراهيم، الغيبه، تحقيق فارس حسون، چاپ اول، قم، انوارالهدى، ص286، ب14، ح 61.
2- نعيم بن حماد، مروزى، الفتن، تحقيق سهيل زكار، بيروت، دارالفكر، 1414ق، ج1، ص333، ح959.
3- خصيبى، حسين بن حمدان، الهدايه الكبرى، چاپ اول، بيروت، موسسه البلاغ، 1406ق، ص31-32.

بلی، کشتاری وحشتناک و موتی سریع و طاعونی نفرت انگیز؛ و درآن زمان تنها یک سوم مردم باقی می مانند.

10-1-1. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ ابن عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنِی أَحْمَدُ بن يُوسُفَ بن يَعْقُوبَ ابو الْحَسَنِ الْجُعْفِیُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بن مِهْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن عَلِیِّ بن أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَ وُهَيْبِ بن حَفْصٍ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:. . . لَا يَقُومُ الْقَائِمُ عليه السلام إِلَّا عَلَی خَوْفٍ سَدِيدٍ [شَدِيدٍ] مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِلَ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ وَ طَاعُونٍ قَبْلَ ذَلِکَ وَ سَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَب... . (1)

امام باقر علیه السلام فرمودند:

قائم(عج) قیام نمی کند مگر در حال ترس سخت مردم و زلزله ها و گرفتاری و بلایی که مردم را فرا می گیرد و پیش از آن طاعون و شمشیری برنده در میان عرب.

11-1-1. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْمُفَضَّلِ بن إِبْرَاهِيمَ وَ سَعْدَانُ بن إِسْحَاقَ بن سَعِيدٍ وَ أَحْمَدُ بنِ الْحُسَيْنِ بن عَبْدِ الْمَلِکِ وَ مُحَمَّدُ بن أَحْمَدَ بن الْحَسَنِ الْقَطَوَانِیُّ قَالُوا جَمِيعاً: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن مَحْبُوبٍ الزَّرَّادُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بن سِنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: يَشْمَلُ النَّاسَ مَوْتٌ وَ قَتْلٌ حَتَّی يَلْجَأَ النَّاسُ عِنْدَ ذَلِکَ إِلَی الْحَرَمِ فَيُنَادِی مُنَادٍ صَادِقٌ مِنْ شِدَّةِ الْقِتَالِ فِيمَ الْقَتْلُ وَ الْقِتَالُ؟ صَاحِبُكُمْ فُلَانٌ. (2)

عبداللّه بن سنان گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید:

1- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص262، ب14، ح 13.
2- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص262، ب14، ح 13.

مردم را مرگ و کشتاری فرا گیرد تا آن جا که مردم در آن حال به حرم پناه جویند، پس ندا کننده ای صادق از شدّت کشتار آواز دهد: کشت و کشتار برای چیست؟ صاحب شما، فلانی است.

1-1-12. أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ ابن عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْمُفَضَّلِ بن إِبْرَاهِيمَ بن قَيْسٍ وَ سَعْدَانُ بن إِسْحَاقَ بن سَعِيدٍ وَ أَحْمَدُ بن الْحُسَيْنِ بن عَبْدِ الْمَلِكِ وَ مُحَمَّدُ بن أَحْمَدَ بن الْحَسَنِ الْقَطَوَانِيُّ قَالُوا جَمِيعاً: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بن زِيَادٍ الْخَارِقِيِ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام كَانَ ابو جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى فَقَالَ: نَعَمْ وَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى يَخْتَلِفَ سَيْفُ بنی فُلَانٍ وَ تَضِيقَ الْحَلْقَةُ وَ يَظْهَرَ السُّفْيَانِيُّ وَ يَشْتَدَّ الْبَلَاءُ وَ يَشْمَلَ النَّاسَ مَوْتٌ وَ قَتْلٌ يَلْجَئُونَ فِيهِ إِلَى حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِه صلی الله علیه و آله. (1)

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ابو جعفر علیه السلام می فرمود: قائم آل محمّد(عج) را دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی تر است. فرمود: آری و این کار نخواهد شد تا آنکه بنی فلان شمشیر به روی همدیگر بکشند و حلقه جنگ تنگ تر شود و سفیانی ظاهر شود و گرفتاری به شدّت برسد، مردم را مرگی و کشتاری فرا گیرد که به حرم خدا و حرم رسولش صلی الله علیه و آله پناه برند.

1-2. روایات غیر صریح

دسته ای دیگر از احادیث بیانگر جنگ ها و کشتار گروه های مختلف از جمله سفیانی و... می باشد که می توان گفت این روایات به گونه ای کشتار زیاد پیش از

1- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص275، ب14، ح35.

ظهور (به طور غیر صریح) را نشان می دهد.

1-2-1. حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْوَلِيدِ بن هِشَامٍ الْمُعَيْطِيِّ، عَنْ أَبَانَ بن الْوَلِيدِ بن عُقْبَةَ بن أَبِی مُعَيْطٍ، سَمِعَ ابن عَبَّاسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ فَيُقَاتِلُ حَتَّى يَبْقُرَ بُطُونَ النِّسَاءِ، وَيَغْلِی الْأَطْفَالَ فِی الْمَرَاجِلِ.(1)

ابن عباس گوید: سفیانی قیام می کند و چنان می جنگد تا آن جا که شکم زنان را می درد و کودکان را در دیگ ها می جوشاند.

1-2-2. حَدَّثَنَا الْحَكَمُ بن نَافِعٍ، عَنْ جَرَّاحٍ، عَنْ أَرْطَاةَ، قَالَ: يَدْخُلُ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ فَيَسْبِيهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، وَيَقْتُلُ مِنْ أَهْلِهَا سِتِّينَ أَلْفًا.(2)

ارطاه گوید:سفیانی داخل کوفه می شود و سه روز آن جا را به بند می کشد و شش هزار نفر از اهالی آن جا را می کشد.

1-2-3. حَدَّثَنَا الْحَكَمُ بن نَافِعٍ، عَنْ جَرَّاحٍ، عَنْ أَرْطَاةَ، قَالَ: يَقْتُلُ السُّفْيَانِيُّ كُلَّ مَنْ عَصَاهُ، وَيَنْشُرُهُمْ بِالْمَنَاشِيرِ وَيَطْبُخُهُمْ بِالْقُدُورِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ.(3)

نیز ارطاه گوید: سفیانی هرکس را که با او به مخالفت بپردازد می کشد و آن ها را اره کرده و در دیگ هایی می جوشاند به مدت شش ماه.

1-2-4. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن عَبْدِ اللَّهِ التِّيهِرْتِيُّ، عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بن مَسْلَمَةَ، سَمِعَ ابا قَبِيلٍ، يَقُولُ: يَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَأْمُرُ بِقَتْلِ كُلِّ مَنْ كَانَ فِيهَا مِنْ بنی هاشِمٍ حَتَّى الْحُبَالَى.(4)

1- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج1، ص306، ح 889.
2- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج1، ص308، ح 893.
3- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج1، ص94، ح 223.
4- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج1، ص326، ح 931.

روایت است که ابوقبیل گفته: سفیانی سپاهی را به سوی مدینه روانه می کند و به آنها دستور می دهد که هرکس در مدینه است را بکشند، حتی زنان باردار را.

2. روایات مربوط به کشتار و خونریزی پس از ظهور

همانطورکه پیش از این یادآور شدیم، دسته ای از روایات جنگ و کشتار نیز مربوط به دوران پس از ظهور و حکومت حضرت مهدی(عج) و به اصطلاح دوران رجعت مربوط است و به دوران ظهور و حکومت امام زمان(عج) ارتباطی ندارد که عبارتند از:

2-1. عَن رُفاعهَ بن موسی قالَ: قالَ ابو عَبدِ اللهِ علیه السلام: إنّ أَولَ مَن یَکرُّ إلی الدُّنیا الحسینُ بن علیٍّ علیه السلام وَ أَصحابُه وَ یزیدُ بن معاویهَ و أَصحابُه فَیقتُلهم حَذوَ القُذهِ بِالقُذَهِ.(1)

امام صادق علیه السلام فرموده اند: همانا اولین کسی که به دنیا رجعت می کند، امام حسین علیه السلام به همراه یارانشان و یزید بن معاویه نیز به همراه یارانش می باشند، سپس امام علیه السلامآنها را موبه مو می کشد.

2-2. وَ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ سَهْلِ بن زِیَادٍ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن مَحْبُوبٍ حَدَّثَنَا ابن فُضَیْلٍ حَدَّثَنَا سَعْدٌ الْجَلَّابُ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ الْحُسَیْنُ بن عَلِیٍّ علیه السلام لِأَصْحَابِهِ:... إِنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَدْفَعُ إِلَیَّ سَیْفَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَیَبْعَثُنِی إِلَی الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ وَ لَا آتِی عَلَی عَدُوٍّ إِلَّا أَهْرَقْتُ دَمَه...(2)

1- عیاشی سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیرعیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، بی تا، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، ج 2، ص282، ح 23.
2- راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، تصحیح موسسه امام مهدی، چاپ اول، قم، موسسه امام مهدی، 1409 ق، ج2، ص848، ح 63.

امام صادق علیه السلام فرمود که امام حسین علیه السلام به اصحابش فرمودند: همانا امیرالمومنین علیه السلام شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به من می سپرد و مرا به شرق و غرب می فرستد. ومن به دشمنی برنمی خورم تا اینکه خون او را می ریزم.

2-3. قَالَ جَابِرٌ: قَالَ ابو جَعْفَرٍ علیه السلام: قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ صلی الله علیه و آلهِ فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ رُبَما یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ کانُوا مُسْلِمِینَ قَالَ: هُوَ أَنَا إِذَا خَرَجْتُ أَنَا وَ شِیعَتِی، وَ. . . وَ نَقْتُلُ بنی أُمَیَّهَ، فَعِنْدَهَا یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ کانُوا مُسْلِمِینَ.(1)

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: همانا مراد من هستم هنگامی که من و شیعیانم قیام کنیم ... و بنی امیه را می کشیم، آن هنگام کسانی که کفر ورزیده اند، آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند.

نکته

چنانکه آمد، برخی روایات جنگ و کشتار مربوط به زمان پیش و پس از دوران ظهور و حکومت حضرت مهدی(عج) است که برخی به اشتباه این کشتارها را نیز به حضرت نسبت داده، چهره ای خشن تر از ایشان نشان می دهند امّا بررسی این روایات نشان می دهد که نباید این کشتارها را به اشتباه به ایشان نسبت داد.

3. روایات مربوط به کشتار و خونریزی هنگام ظهور

اشاره

در این بخش به بیان روایاتی می پردازیم که به دوران ظهور و حکومت حضرت بقیه الله علیه السلام اشاره دارد و در آنها چهره ای خشن و خونریز از حضرت به

1- حلی، عزالدین حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، چاپ اول، نجف، الحیدریه، 1370ق، ص17.

نمایش گذاشته شده است. البته خواهیم دید که این روایات از نظر سندی مشکل جدّی دارد و در اسناد آنها راویان دروغگو، غالی و ناشناخته وجود دارد که در ادامه به بررسی و نقد آنها خواهیم پرداخت.

3-1. روایات ابو بصیر

3-1-1. أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بن الْحُسَیْنِ بِإِسْنَادِهِ (قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن یَحْیَی الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بن حَسَّانَ الرَّازِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ الْکُوفِی) عَنْ أَحْمَدَ بن مُحَمَّدِ بن أَبِی نَصْرٍ عَنْ عَاصِمِ بن حُمَیْدٍ الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قَالَ ابو جَعْفَرٍ علیه السلام: یَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرٍ جَدِیدٍ وَ کِتَابٍ جَدِیدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِیدٍ عَلَی الْعَرَبِ شَدِیدٌ لَیْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّیْفَ لَا یَسْتَتِیبُ أَحَداً وَ لَا یَأْخُذُهُ فِی اللَّهِ لَوْمَهُ لَائِمٍ.(1)

ابو بصیر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: آن قائم(عج)، به امری نوین و کتابی تازه و قضایی جدید قیام خواهد نمود، بر عرب سخت گران است (یا سخت خواهد گرفت) او را کاری جز با شمشیر نیست، توبه هیچ کس را نمی پذیرد، و در کار خدا از ملامت هیچ شخص خرده گیری باک ندارد.

بررسی روایت

در سند روایت محمد بن علی کوفی وجود دارد که وی فردی بسیار بدنام و دروغگوست و علمای رجال بر بی اعتباری روایات وی حکم کرده اند. این شخص در زمان امام حسن عسکری علیه السلام می زیسته و از معاصران فضل بن شاذان بوده است. فضل بن شاذان از بزرگان رُوات شیعه و مورد توجه امام حسن عسکری علیه السلام می باشد؛ این مرد بزرگوار در وصف محمد بن علی کوفی می گوید:

1- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، صفحه 238، ب13، ح 19.

«رجلٌ کذابٌ: او مردی بسیار دروغگوست. همچنین فضل در مورد وی گفته است:کِدتُ أقنتُ علیه: نزدیک بود در قنوت نماز لعن و نفرینش کنم.»(1)

3-1-2. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِیدٍ ابن عُقْدَهَ قَالَ: حَدَّثَنِی أَحْمَدُ بن یُوسُفَ بن یَعْقُوبَ ابو الْحَسَنِ الْجُعْفِیُّ مِنْ کِتَابِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِیلُ بن مِهْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن عَلِیِّ بن أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِیهِ وَ وُهَیْبِ بن حَفْصٍ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: . . . إِذَا خَرَجَ یَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِیدٍ وَ کِتَابٍ جَدِیدٍ وَ سُنَّهٍ جَدِیدَهٍ وَ قَضَاءٍ جَدِیدٍ عَلَی الْعَرَبِ شَدِیدٌ وَ لَیْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلَ لَا یَسْتَبْقِی أَحَداً وَ لَا تَأْخُذُهُ فِی اللَّهِ لَوْمَهُ لَائِمٍ؛...(2)

هنگامی که آن حضرت خروج کند، با أمری نوین و فرمانی جدید و طریقه ای نو و حکمی تازه قیام خواهد کرد، بر عرب سخت گران است، او را کاری جز کشتار نباشد، و هیچ یک را باقی نگذارد و در راه خدا سرزنش هیچ ملامت کننده ای او را تحت تأثیر قرار نمی دهد...

بررسی روایت

در سند روایت علی بن ابی حمزه بطائنی وجود دارد، این مرد یکی از سران و بزرگان واقفیه است.(3)

شیخ طوسی نیز به واقفی بودن وی اشاره می کند.(4) ابن غضائری نیز او را مورد

1- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، 1348ش، ص546.

2- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص262، ب14، ح13.

3- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، چاپ ششم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، 1365ش، ص250.

4- محمد بن حسن، الفهرست، 1جلد، تصحیح جواد قیومی، قم، موسسه نشرالفقاهه، چاپ اول، 1417ق، ص283.

لعن قرار داده است.(1) بنابر این ویژگی ها، این راوی نمی تواند مورد اعتماد باشد. همچنین حسن بن علی بن ابی حمزه از دیگر راویان این روایت نیز فردی دروغگو و غالی(2) است.(3)

3-1-3. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ ابن عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن يُوسُفَ بن يَعْقُوبَ ابو الْحَسَنِ الْجُعْفِیُّ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بن مِهْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن عَلِیِّ بن أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَ وُهَيْبٍ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ قُرَيْشٍ إِلَّا السَّيْفُ مَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَ مَا يَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ اللَّهِ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الشَّعِيرُ الْجَشِبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ.(4)

ابو بصير از امام صادق عليه السلام روايت كرده كه آن حضرت فرمود: هنگامی كه قائم(عج) قيام كند ميان او و عرب و قريش جز شمشير چيزی نخواهد بود، از آنان چيزی دريافت نخواهد كرد جز شمشير و چرا شما به فرا رسيدن زمان خروج قائم شتاب می كنيد، به خدا قسم لباس او جز جامه درشت و خوراكش جز نان جوين نامطبوع نخواهد بود، و جز شمشير چيزی در كار نيست و مرگ در سايه

1- واسطی بغدادی، احمد بن حسين، رجال ابن غضائری، 1جلد، تحقيق سيدمحمدرضاجلالی، چاپ اول، قم، دارالحديث، 1422ق، ص83.
2- غالی: كسانی هستند كه در مقام ائمه عليه السلام غلو نموده، ايشان را تا سر حد مقام الوهيت رسانده اند (ابوالفتح محمد بن عبدالكريم بن ابی بكر احمد شهرستانی، الملل و النحل، تحقيق محمد سيد كيلانی، بيروت، دارالمعرفه، 1402ق، ج1، ص173)
3- طوسی، محمد بن حسن، اختيار معرفه الرجال، ص443.
4- نعمانی، محمد بن ابراهيم، غيبت نعمانی، ص239، ب13، ح21.

شمشیر است. (جز شمشیر و مرگ در سایه آن چیزی در کار نیست)

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن ابی حمزه وجود دارد که شرح حال وی گذشت. اما دیگر راوی ضعیف این سند حسن بن علی بن ابی حمزه است که وی شخصی بسیار ضعیف، دروغگو و غالی است(1) و علامه حلی در خلاصه الاقول، وی را واقفی می داند.(2)

3-1-4. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن مُوسَى بن الْمُتَوَكِّلِ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِیُّ بن الْحُسَیْنِ السَّعْدَآبَادِیُّ عَنْ أَحْمَدَ بن أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بن أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ عَلِیِّ بن أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قَالَ ابو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ: (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ)(3) فَقَالَ: وَ اللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِیلُهَا بَعْدُ وَ لَا یَنْزِلُ تَأْوِیلُهَا حَتَّی یَخْرُجَ الْقَائِمُ علیه السلام فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ علیه السلام لَمْ یَبْقَ کَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِیمِ وَ لَا مُشْرِکٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا کَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّی أَنْ لَوْ کَانَ کَافِراً أَوْ مُشْرِکاً فِی بَطْنِ صَخْرَهٍ لَقَالَتْ: یَا مُؤْمِنُ! فِی بَطْنِی کَافِرٌ فَاکْسِرْنِی وَ اقْتُلْهُ.(4)

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر این قول خدای تعالی (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی

1- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص443.
2- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، تصحیح سید محمد صادق بحرالعلوم، چاپ دوم، قم، مکتبه الرضی، 1381ق، ص213.
3- توبه(9)، 33.
4- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج2، ص670، ب58، ح16.

الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ) فرمود: به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نازل نشده است و نازل نخواهد شد تا آنکه قائم(عج) خروج کند و چون خروج کرد کافران به خدای عظیم و مشرکان به امام را ناخوش آید و اگر کافر یا مشرکی در دل صخره ای باشد، آن صخره گوید: ای مؤمن! در دل من کافری است آن را بشکن و او را بکش.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن ابی حمزه وجود دارد که ویژگیهایش پیش از این بیان شد.

3-1-5. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بن أَحْمَدَ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بن مُوسَی عَنِ الْحَسَنِ بن عَلِیٍّ عَنِ ابن أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ فِی قَوْلِه(... أَمْهِلْهُمْ رُوَیْداً)(1) لِوَقْتِ بَعْثِ الْقَائِمِ علیه السلام فَیَنْتَقِمُ لِی مِنَ الْجَبَّارِینَ وَ الطَّوَاغِیتِ- مِنْ قُرَیْشٍ وَ بنی أُمَیَّةَ وَ سَائِرِ النَّاسِ.(2)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند که این (مهلت) برای زمان قیام قائم(عج) است؛ پس انتقام مرا از زورگویان و طاغوت قریش و بنی امیه و سائر مردم دیگر می گیرد.

بررسی روایت

در سند روایت علی بن ابی حمزه و حسن بن علی بن ابی حمزه وجود دارد که شرح حال هر دو پیش از این بیان شده.

3-1-6. عَنْهُ (فضل بن شاذان) عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بن أَبِی هاشِمٍ عَنْ

1- طارق(86)، 17.

2- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرقمی، تصحیح سید طیب موسوی جزائری، قم، مکتبه العلامه، 1387ق، ج2، ص416.

عَلِیِّ بن أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ فِی حَدِیثٍ لَهُ اخْتَصَرْنَاهُ قَال: ... ثُمَّ یَتَوَجَّهُ إِلَی الْکُوفَهِ فَیَنْزِلُهَا وَ تَکُونُ دَارُهُ وَ یُبَهْرِجُ سَبْعِینَ قَبِیلَهً مِنْ قَبَائِلِ الْعَرَب؛(1)

... سپس قائم(عج) به سوی کوفه می رود و در آن جا سکنی می گزیند و آن جا منزلش میشود و هفتاد قبیله از قبائل عرب را می کشد.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن ابی حمزه وجود دارد که پیش از این درباره او گفته شد.(2)

3-1-7. وَ حَدَّثَنَا عَلِیُّ بن أَحْمَدَ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بن مُوسَی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن جَبَلَهَ عَنِ الْحَسَنِ بن عَلِیِّ بن أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ علیه السلام یَقُولُ: فِی صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَنٌ مِنْ أَرْبَعَهِ أَنْبِیَاء... قُلْتُ: وَ مَا سُنَّهُ مُحَمَّدٍ صلی اللهِ علیه و آله؟ قَالَ: إِذَا قَامَ سَارَ بِسِیرَهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَّا أَنَّهُ یُبَیِّنُ آثَارَ مُحَمَّدٍ وَ یَضَعُ السَّیْفَ عَلَی عَاتِقِهِ ثَمَانِیَهَ أَشْهُرٍ هَرْجاً هَرْجاً حَتَّی رَضِیَ اللَّهُ قُلْتُ: فَکَیْفَ یَعْلَمُ رِضَا اللَّهِ؟ قَالَ: یُلْقِی اللَّهُ فِی قَلْبِهِ الرَّحْمَه.(3)

ابو بصیر گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: «در صاحب این امر روشها و شیوه هایی از چهار پیامبر است... پس عرض کردم: سنّت محمّد صلی الله علیه و آله کدام است؟ فرمود: چون قیام کند، همچون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار خواهد کرد، جز اینکه او آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله را

1- طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، چاپ اول، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، 1411ق، ص475.
2- رک: ص17.
3- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص168، ب10، ح5.

روشن می سازد و شمشیر برگردن خویش حمایل ساخته، هشت ماه به شدّت کُشت و کُشتار می کند تا اینکه خدا راضی شود، پرسیدم: چگونه از رضایت خاطر خداوند آگاه می گردد؟ فرمود: خداوند به دل او رحمت می اندازد».

بررسی روایت

در سند روایت حسن بن علی بن ابی حمزه وجود دارد که پیش از این توصیف شد. این روایت افزون بر مشکل سندی از نظر متنی نیز مشکل دارد؛ زیرا مضمون آن با روایات درستی که سیره حضرت مهدی(عج) را همان سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می دهد و ایشان را همچون پیامبر صلی الله علیه و آله مظهر رحمت معرفی می کند، مخالف است.

8-1-3. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا ابو عَبْدِ اللَّهِ يَحْيَى بن زَكَرِيَّا بن شَيْبَانَ عَنْ يُونُسَ بن كُلَيْبٍ عَنِ الْحَسَنِ بن عَلِيِّ بن أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ ابو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ... يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ يَقْتُلُ هَرْجاً فَأَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِبَنِي شَيْبَةَ فَيَقْطَعُ أَيْدِيَهُمْ وَ يُعَلِّقُهَا فِي الْكَعْبَةِ وَ يُنَادِي مُنَادِيهِ هَؤُلَاءِ سُرَّاقُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَنَاوَلُ قُرَيْشاً فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْف.(1)

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ... و هشت ماه شمشیر برهنه بر دوش دارد و بی باکانه می کشد، نخستین مرحله شروعش با بنی شبیه است (پرده داران خانه کعبه) پس دستهای ایشان را می برد و آنها را در کعبه می آویزد و منادی آن حضرت اعلام می کند: اینان دزدان خدایند، سپس به قریش می پردازد، از ایشان جز شمشیر دریافت نمی کند و به ایشان جز شمشیر ارزانی نمی دارد.

1- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص319-321، ب19، ح21.

(فقط شمشیر ردّ و بدل می کند)

بررسی روایت

در سند روایت یونس کلیب وجود دارد که وی فردی ناشناخته است، همچنین حسن بن علی و پدرش دو تن از روات بسیار ضعیف و واقفی مذهب هستند که ویژگی هایشان بیان شد.

3-2. روایات ابو هریره

تعداد دیگری از این روایات ضعیف از فردی به نام ابوهریره نقل شده است. یکی از مسائلی که بسیاری از علمای رجال اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند، این است که ابوهریره مدلِّس(1) بود و سخنی که از دیگران می شنید را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می داد. ذهبی از بزرگترین رجالیون اهل سنت در شرح حال ابوهریره می نویسد:

قالَ یزیدُ بن هارونَ: «سَمِعتُ شُعبةَ یقولُ: کانَ أبوهُریره یدلِّسُ(2)». ابوهریره تدلیس می کرد.

همچنین ابن ابی الحدید به نقل از استادش ابوجعفر اسکافی می نویسد: «عَن علی أنّه قالَ: ألا إنّ أکذَبَ النّاسِ – أو قالَ: أکذبَ الأحیاءِ- عَلی رسولِ الله أبوهریرةُ الدّوسی». از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود: آگاه باشید

1- تدلیس: عملی که راوی خواسته است با دست بردن در حدیث عیبی که در سند حدیث است را مخفی کند (محمدرضا، جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، 1جلد، قم، دارالحدیث، چاپ اول، 1422ق، ص38).

2- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، چاپ سوم، بیروت، موسسه الرساله، 1405ق، ج2، ص608.

که دروغگوترین مردم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله ابو هریره می باشد.(1)

اکنون به ذکر روایاتی که از این شخص نقل شده، می پردازیم:

3-2-1. حَدَّثَنَا ابو بَكْرِ بن أَبِی النَّضْرِ، حَدَّثَنَا ابو النَّضْرِ قَالَ: حَدَّثَنِی الْمُرَجَّی بن رَجَاءٍ الْيَشْكُرِیُّ، حَدَّثَنَا عِيسَى بن هِلَالٍ، عَنْ بَشِيرِ بن نَهِيكٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابا هُرَيْرَةَ، يَقُولُ: حَدَّثَنِی خَلِيلِی ابا الْقَاسِمِ صلی الله علیه و آله قَالَ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ عَلَيْهِمْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِی، فَيَضْرِبَهُمْ حَتَّى يَرْجِعُوا إِلَى الْحَقِّ». قَالَ: قُلْتُ: وَكَمْ يَكُونُ؟ قَالَ: «خَمْسٌ، وَاثْنَانِ». قَالَ: قُلْتُ: مَا خَمْسٌ وَاثْنَانِ؟ قَالَ: لَا أَدْرِی.(2)

ابوهریره می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قیامت برپا نمی شود تا اینکه مردی از اهلبیت من به سوی آنها قیام می کند، سپس آن قدر آنها را می زند تا اینکه به سوی حق بازگردند. می گوید که گفتم: که چه قدر می باشد؟ فرمود: پنج ودو. گفتم: پنج و دو چیست؟ فرمود: نمی دانم.

3-2-2. غُنْدَرٌ، عَنْ شُعْبَةَ، عَنْ سِمَاكٍ، عَنْ أَبِی الرَّبِيعِ، عَنْ أَبِی هُرَيْرَةَ، قَالَ: وَيْلٌ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرٍّ قَدِ اقْتَرَبَ: إِمَارَةُ الصِّبْيَانِ ؛ إِنْ أَطَاعُوهُمْ أَدْخَلُوهُمُ النَّارَ , وَإِنْ عَصَوْهُمْ ضَرَبُوا أَعْنَاقَهُمْ؛(3)

وای بر حال عرب از بدی و شری که نزدیک شده است: زمامداری کودکان؛ اگر آنها را اطاعت کنند، ایشان آنها را به

1- عبدالحمید بن هبهالله، ابن أبی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، 1404ق، ج4، ص68.
2- تمیمی، ابی یعلی موصل احمد بن علی، مسند ابی یعلی، تحقیق حسین سلیم اسد، چاپ اول، دمشق، دارالمامون للتراث، 1404 ق، ج12، ص19، ح6665.
3- ابو بکر عبدالله بن محمد، ابن ابی شیبه، المصنف فی الأحادیث والآثار، تحقیق کمال یوسف الحوت، چاپ اول، الریاض، مکتبه الرشد، 1409ق، ج7، ص461، ح37236.

آتش وارد می کنند و اگر عصیان و نافرمانی کنند، گردن آنها را می زنند.

3-2-3. حَدَّثَنَا ابن نُمَيْرٍ عَنْ حَنْظَلَةَ قَالَ: سَمِعْتُ سَالِمًا قَالَ سَمِعْتُ ابا هُرَيْرَةَ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: يُقْبَضُ الْعِلْمُ وَ يَظْهَرُ الْفِتَنُ وَ يَكْثُرُ الْهَرْجُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ! وَمَا الْهَرْجُ؟ قَالَ: الْقَتْلُ.(1)

ابوهریره می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وای بر حال عرب از بدی و شری که نزدیک شده است، علم کم میشود و هرج زیاد می شود. گفتم: ای رسول خدا هرج چیست؟ فرمود: همان قتل و کشتار است.

3-2-4. عَنْ أَبِی هُرَيْرَةَ أن رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ فَيَقْتُلَهُمْ الْمُسْلِمُونَ حَتَّى يَخْتَبِئَ الْيَهُودِیُّ وَرَاءَ الْحَجَرِ أَوْ الشَّجَرَهِ فَيَقُولُ الْحَجَرُ أَوْ الشَّجَرُ: يَا مُسْلِمُ ! يَا عَبْدَ اللَّهِ ! هَذَا يَهُودِیٌّ خَلْفِی فَتَعَالَ فَاقْتُلْهُ إِلَّا الْغَرْقَدَ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرِ الْيَهُودِ؛(2)

قیامت برپا نمی شود تا اینکه مسلمانان با یهودیان به جنگ بپردازند، سپس مسلمانان به کشتار آنها می پردازند به طوریکه یهودیان پشت سنگ یا درخت پنهان می شوند، سپس آن سنگ یا درخت می گوید: ای مسلمان ای بنده خدا، همانا این یهودی است که پشت من پنهان است؛ پس بیا و او را بکش به جز غرقد(3) ، زیرا که آن درخت از یهودیان است.

1- شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دارالفکر، بیتا، ج3، ص536.
2- شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دارالفکر، بیتا، ج2، ص417.
3- غرقد: درخت بزرگی است که از خانواده بوته های خاردار است. (محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع- دار صادر، 1414ق، ج3، ص335).

3-2-5. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الصَّبَّاحِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ يَعْنِى ابن زَكَرِيَّا عَنْ سُهَيْلٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله علیه و آله: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَعُودَ أَرْضُ الْعَرَبِ مُرُوجًا وَأَنْهَارًا وَحَتَّى يَسِيرَ الرَّاكِبُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَمَكَّةَ لَا يَخَافُ إِلَّا ضَلَالَ الطَّرِيقِ وَحَتَّى يَكْثُرَ الْهَرْجُ. قَالُوا: وَمَا الْهَرْجُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟قَالَ: الْقَتْلُ.(1)

ابوهریره گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قیامت برپا نمی شود تا اینکه زمین عرب به مرغزارها و رودها تبدیل شود و تا اینکه سواره ای بین عراق و مکه سیر نمیکند و از چیزی نمیترسد مگر از گم شدن در راه و تا اینکه هرج زیاد شود. گفتند: ای رسول خدا هرج چیست؟ فرمود که قتل است.

یک اشکال و پاسخ:

ممکن است اشکال شود که با توجه به وجود کلمه «الساعه» در روایات پیشین، این روایات به قیامت مربوط است و به دوران ظهور امام ربطی ندارد؛ اما در پاسخ می گوییم که در متن روایت آمده است که این قتل و کشتار پیش از برپایی قیامت است و مسلماً دوران ظهور حضرت نیز از مصداق های آشکار پیش از قیامت می باشد. همچنین عنوان این روایات در کتاب های حدیثی (بلاد العرب فی عصر ظهور الامام مهدی(عج)) آمده است.

3-3. روایات مفضل بن عمر

مفضل بن عمر کسی است که هم مدح او را گفته اند و هم مورد طعن و سرزنش قرار گرفته؛ شیخ مفید درباره وی می گوید: او از شیوخ اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهای صالح می باشد ولی نجاشی درباره او می گوید: او

1- شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، ج2، ص370.

فردی فاسد المذهب و مضطرب الروایه است؛[(1)] اما بنابر قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم می باشد.[(2)] بنابراین وی فردی غیر قابل قبول است.

3-3-1. وَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ قَالَ: حَدَّثَنَا یُونُسُ بن یَعْقُوبَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بن عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَا عَلَامَهُ الْقَائِمِ؟ قَالَ: إِذَا اسْتَدَارَ الْفَلَکُ فَقِیل: مَاتَ أَوْ هَلَکَ؟ فِی أَیِّ وَادٍ سَلَکَ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ، ثُمَّ یَکُونُ مَا ذَا؟ قَالَ: لَا یَظْهَرُ إِلَّا بِالسَّیْفِ....[(3)]

مفضّل بن عمر گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نشانه قائم(عج) چیست؟ فرمود: آنگاه روزگار گردش کند و گویند: او مرده یا هلاک شده؟ در کدامین سرزمین می گردد (به سر می برد)؟ عرض کردم: فدایت شوم سپس چه خواهد شد؟ فرمود: ظهور نمی کند مگر با شمشیر».

بررسی روایت

در سند این روایت افزون بر مفضل بن عمر، محمد بن علی کوفی وجود دارد که وی نیز شخصی ضعیف است و شرح حالش پیش از این بیان شده است.

3-3-2. أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بن عَبْدِاللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن رَبَاحٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْعَبَّاسِ بن عِیسَی قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن عَلِیٍّ الْبَطَائِنِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ: سَمِعْتُ ابا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَیْتاً یُقَالُ لَهُ بَیْتُ الْحَمْدِ

1- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص416.
2- رک: کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص117-118.
3- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص159، ب10، ح19.

فِيهِ سِرَاجٌ يَزْهَرُ مُنْذُ يَوْمَ وُلِدَ إِلَى يَوْمٍ يَقُومُ بِالسَّيْفِ لَا يُطْفَأُ.(1)

مفضّل گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: «همانا صاحب این امر را خانه ای است که بدان «خانه حمد» گویند، در آن جا چراغی است که روشنی می بخشد و از آن هنگام که (صاحب امر) زاده شده تا روزی که با شمشیر قیام کند، خاموش نخواهد شد».

بررسی روایت

در سند روایت افزون بر مفضل، راویان ضعیف دیگری همچون ابن ابی حمزه و حسن بن علی بن ابی حمزه هستند که درباره آنها پیش از این سخن به میان آمد.

3-3-3. حمدویه قالَ: حَدَّثَنَا محمدٌ بن عیسی عن یونسِ بن عَبْدِ الرَّحْمَنِ عن یحیی الحلبی عَنِ الْمُفَضَّلِ بن عُمَرَ قال: سمعتُ ابا عبدِ الله علیه السلام یقولُ: لو قامَ قائِمُنا بَدأَ بِکَذّابی الشّیعه فَقَتلَهُم؛(2)

چنانچه قائم(عج) قیام کند، ابتدا به دروغگویان شیعه می پردازد و آنها را به قتل می رساند.

نکته

آنچه با عقل به نظر می رسد این است که کشتن هر دروغگویی درست به نظر نمی رسد و با سیره حضرت سازگاری ندارد، زیرا امام مظهر رحمت است؛ بنابراین ابتدا روشنگری کرده، سپس وارد جنگ می شود و نااهلان را از بین می برد.

3-3-4. حَدَّثَنَا علیٌ بن حاتَم، عَن حَسنِ بن محمَّد بن عبدِ الواحِد، عَن حَفصِ بن عُمرِ بن سالِم، عَن محمّدِ بن حُسینِ بن عجلان، عَن مُفضَّلِ بن عُمَر قالَ:سألتُ ابا عَبدِ اللهِ علیه السلام عَن قَولِ اللهِ عزَّ وجلَّ:

1- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص245، ب13، ح31.
2- محمد بن حسن، طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص299، ش 533.

(وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ العَذَابِ الاَدنَى دُونَ العَذَابِ الاكبرِ)(1) قالَ: «الاَدنى غِلاءُ السِّعر، والاَكبَرُ المَهدیُّ بِالسِّيفِ».(2)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: عذاب ناچیزتر گرانی و بالارفتن قیمت هاست و امّا عذاب بزرگتر (قیام) مهدی(عج) با شمشیر.

3-4. روایات ابوجارود

دیگر راوی ضعیفی که در اسناد این روایات ضعیف وجود دارد، فردی به نام أبوجارود است، که مذهب زیدیه دارد.(3) امام باقر علیه السلام به این فرد نسبت سرحوب را داده است. سرحوب نام شیطانی کور است که در دریا زندگی می کند.(4)

3-4-1. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بن مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ ابن حُمْرَانَ الْمَدَائِنِیُ، عَنْ عَلِیِّ بن أَسْبَاطٍ، عَنِ الْحَسَنِ بن بَشِيرٍ، عَنْ أَبِی الْجَارُودِ، عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام، قَال: فَيَضَعُ السَّيْفَ فِيهِمْ عَلَی ظَهْرِ النَّجَفِ عَشِيَّةَ الْإِثْنَيْنِ مِنَ الْعَصْرِ إِلَی الْعِشَاءِ، فَيَقْتُلُهُمْ أَسْرَعَ مِنْ جَزْرِ جَزُورٍ، فَلَا يَفُوتُ مِنْهُمْ رَجُلٌ، وَ لَا يُصَابُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَحَدٌ، دِمَاؤُهُمْ قُرْبَانٌ إِلَی اللَّهِ. ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَيَقْتُلُ مُقَاتِلِيهَا حَتَّی يَرْضَى اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ)... وَ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا، يُقْتَلُ النَّاسُ حَتَّی لَا يُرَی إِلَّا دَيْنُ مُحَمَّدٍ (صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ).(5)

1- سجده(32)، 21.
2- ابن جحام، محمد بن عباس بزاز، تاویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی وآله، تحقیق فارس تبریزیان، چاپ اول، قم، الهادی، 1420ق، ص242، ح225.
3- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص204.
4- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص229.
5- طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، چاپ سوم، قم، مکتبه الرضی، 1363ش، ص241، ح435.

ابو جارود به نقل از امام صادق علیه السلام می گوید: سپس شمشیر را بر روی آنها می کشد تا پشت کوفه از عصرگاه دوشنبه تا شامگاه، سپس آنها را سریع تر از ذبح کردن حیوان قربانی می کشد، سپس هیچ یک از مردان ایشان طوری نمی شود، همانا خونهای آنها قربانی برای خداست. سپس به کوفه داخل می شود و آن قدر از سپاه آن جا را می کشد تا خدا راضی شود... و خداوند شرق و غرب زمین را برای او می گشاید و آن قدر از مردم می کشد که جز دین محمد باقی نمی ماند.

بررسی روایت

در سند روایت افزون بر ابوجارود، علی بن اسباط کوفی نیز وجود دارد که وی درآغاز فردی فطحی بوده است.(1) اما در اینکه آیا او از مذهب فطحی به سوی حق بازگشته یا خیر اختلاف است.

3-4-2. (مرسلاً) وَ رَوَی ابو الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ أَنَّهُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام سَارَ إِلَی الْکُوفَهِ فَیَخْرُجُ مِنْهَا بِضْعَهَ عَشَرَ أَلْفَ نَفْسٍ یُدْعَوْنَ الْبُتْرِیَّهَ عَلَیْهِمُ السِّلَاحُ فَیَقُولُونَ لَهُ ارْجِعْ مِنْ حَیْثُ جِئْتَ فَلَا حَاجَهَ لَنَا فِی بنی فَاطِمَهَ فَیَضَعُ فِیهِمُ السَّیْفَ حَتَّی یَأْتِیَ عَلَی آخِرِهِمْ ثُمَّ یَدْخُلُ الْکُوفَهَ فَیَقْتُلُ بِهَا کُلَّ مُنَافِقٍ مُرْتَابٍ وَ یَهْدِمُ قُصُورَهَا وَ یَقْتُلُ مُقَاتِلَتَهَا حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ عَزَّ وَ عَلا.(2)

ابو الجارود از امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی روایت کند که فرمود: چون قائم(عج) قیام کند بسوی کوفه رهسپار شود، پس

1- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص562.
2- محمد بن نعمان، مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص364.

متجاوز از ده هزار نفر از آن جا بیرون آیند که آنها را بتریه(1) گویند و همگی سلاح جنگ بر تن دارند، و گویند: از همان جا که آمده ای بازگرد که ما نیازی به اولاد فاطمه نداریم، آن جناب شمشیر در ایشان نهد تا همه آنان را نابود سازد، سپس داخل کوفه شود و هر منافق دو دلی را بکشد، و قصرهای آن جا را ویران کند و جنگجویانش را بکشد تا خدای عزوجلّ خوشنود گردد.

بررسی روایت

علاوه بر وجود ابوجارود در سند، این روایت مرسل نیز می باشد.

3-4-3. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن هَمَّامٍ وَ مُحَمَّدُ بن الْحَسَنِ بن جُمْهُورٍ جَمِیعاً عَنِ الْحَسَنِ بن مُحَمَّدِ بن جُمْهُورٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ سُلَیْمَانَ بن سَمَاعَةَ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنِ الْقَاسِمِ بن الْوَلِیدِ الْهَمْدَانِیِ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ الْهَمْدَانِیِّ قَالَ: قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: بِأَبِی ابن خِیَرَهِ الْإِمَاءِ یَعْنِی الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِهِ علیه السلام یَسُومُهُمْ خَسْفاً وَ یَسْقِیهِمْ بِکَأْسٍ مُصَبَّرَهٍوَ لَا یُعْطِیهِمْ إِلَّا السَّیْفَ هَرْجاً فَعِنْدَ ذَلِکَ تَتَمَنَّی فَجَرَهُ قُرَیْشٍ لَوْ أَنَّ لَهَا مُفَادَاهً مِنَ الدُّنْیَا وَ مَا فِیهَا لِیُغْفَرَ لَهَا لَا نَکُفُّ عَنْهُمْ حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ.(2)

حارث بن عبد اللَّه أعور همدانی گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «پدرم فدای فرزند برگزیده کنیزان- یعنی قائم فرزندانش(عج) - که آنان را خوار می سازد و جام شرنگ به ایشان می نوشاند و به آنان جز شمشیر خونریز مرگ آفرین نخواهد داد، پس در این هنگام زشتکاران قریش آرزو می کنند که ای کاش دنیا و هر آنچه در آن است، از آن ایشان بود و آن را فدا می دادند تا گناهانشان

1- بتریه: یک دسته از زیدیه هستند که به کثیرالنواء منسوبند و او معروف به أبتر بوده است (ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر احمد شهرستانی، الملل و النحل، ج1، ص161).
2- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص234-235، ب13، ح11.

بخشوده شود ولی دست از ایشان برنخواهیم داشت تا آنکه خداوند راضی شود».

بررسی روایت

این روایت مهمل(1) نیز می باشد، زیرا یکی از روات سند به نام قاسم بن ولید همدانی نه اسمش در کتب رجالی موجود است و نه ویژگی های وی، همچنین محمد بن حسن بن جمهور که بنابر نظر آیت الله خویی همان محمد بن جمهور است(2)، شخصی فاسدالمذهب و ضعیف است.(3)

3-5. روایات مرفوعه، مرسل و غیر مسند

دسته دیگری از این روایات ضعیف از احادیث مرفوع(4)، مرسل(5) و غیر مسند است که در اصطلاح برخی از این دسته احادیث، روایاتی هستند که از وسط یا آخر سلسله سند آن یک یا چند نفر از راویان افتاده باشند، ولی راوی تصریح به رفع نماید و برخی دیگر روایاتی هستند که در سند آنها الفاظ مبهمی چون عن رجل و ... به کار رفته است که اینها باعث ضعف این روایات گردیده و آنها را غیر قابل اعتماد می کند. اکنون به بیان و بررسی این روایات می پردازیم:

1- مهمل: حدیثی است که در سلسله سند آن، نام برخی از راویان در کتب رجالی ذکر نشده باشند(کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص88).

2- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، چاپ سوم، قم، مدینه العلم، 1403 ق، ج15، ص178

3- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص337 .

4- مرفوع: حدیثی که از وسط یا آخر سلسله سند آن یک یا چند نفر از راویان افتاده باشند لکن راوی تصریح به رفع نماید. (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص58).

5- مرسل:روایتی که در سند آن افتادگی بیش از یک نفر رخ داده باشد (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص80).

3-5-1. عَن أَميرِ المُؤمنينَ على بن أَبی طالبٍ علیه السلام: ... فَیُکَبِّرُ المُسلمونَ ثَلاثَ تَکبیراتٍ، فَتکونُ کَالرَّملَهِ عَلی نَشَزٍ فَیَدخُلونَها، فَیقتُلونَ بِها خَمسَ مِائهِ أَلفِ مُقاتِلٍ، ویَقتَسِمونَ الأَموالَ، حتّی یَکونَ النّاسُ فی الفَیء شَیئاً واحِداً، لِکُلِ إنسانٍ مِنهم مِائهُ ألفِ دینارٍ، ومائهُ رأسٍ، ما بَینَ جاریهٍ وغلامٍ؛ (1)

...پس مسلمانان، سه تکبیر می گویند و مانند ریگ و شن های روانی که از بلندی ها فرو می ریزند، داخل [روم] می شوند و در آن جا، پانصد هزار جنگجو را می کشند و غنائم و اموال را به طور مساوی تقسیم می کنند، و به هر یک از آنان، صد هزار دینار و صد کنیز و یا غلام می رسد.

بررسی روایت

این روایت مرسل است. افزون بر مشکل سندی از نظر محتوا و مضمون نیز قابل اعتماد نیست. آشکار است که جاعلان اینگونه احادیث در خدمت حکومت های جائر بوده اند و برای توجیه پاره ای جنگ های پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قتل عام ها و کشتار های زیادی که انجام شد، این چنین مجعولاتی را به کتاب های روایی وارد کرده اند.

3-5-2. وَ فِی حَدِیثِ مُقَاتِلٍ عَنْ زَیْنِ الْعَابِدِینَ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ علیه السلام: ... یَا وَلَدِی، یَا عَلِیُّ! وَ اللَّهِ لَا یَسْکُنُ دَمِی حَتَّی یَبْعَثَ اللَّهُ الْمَهْدِیَّ فَیَقْتُلَ عَلَی دَمِی مِنَ الْمُنَافِقِینَ الْکَفَرَهِ الْفَسَقَهِ سَبْعِینَ أَلْفا.(2)

1- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، چاپ اول، قم، مسجد مقدس جمکران - نصایح، 1416ق، ص 189-191 ب9، ف1.

2- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب علیه السلام، چاپ اول، قم، علامه، 1379ق، ج4، ص85.

امام حسین علیه السلام به امام سجاد علیه السلام فرمودند: ای فرزندم ای علی جان! به خدا سوگند همانا خون من آرام نمی گیرد (همواره می جوشد) تا اینکه خدا مهدی(عج) را برانگیزد و به انتقام خون من هفت هزار نفر از منافقان کافر فاسق را بکشد.

بررسی روایت

این روایت نیز مرسل بوده و قابل اعتماد نیست.

3-5-3. عَن ابی جَعفرٍ: لَو قَد قامَ قائِمُنا بَدَأَ بِالَّذینَ یَنتَحِلونَ حُبُّنا، فَیَضرِبُ أَعناقَهم. (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر قائم علیه السلام قیام کند، ابتدا از کسانی شروع می کند که به دروغ ادعای محبت ما را دارند، پس گردن آنها را می زند.

بررسی روایت

این روایت نیز مرسل بوده و قابل اعتماد نیست.

3-5-4. مَا رَوَیْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَی جَدِّی أَبِی جَعْفَرٍ الطُّوسِیِّ عَنْ جَمَاعَةٍ عَنْ هَارُونَ بن مُوسَی التَّلَّعُکْبَرِیِّ عَنِ ابن هَمَّامٍ عَنْ جَمِیلٍ عَنِ الْقَاسِمِ بن إِسْمَاعِیلَ عَنْ أَحْمَدَ بن رِیَاحٍ عَنْ أَبِی الْفَرَجِ أَبَانِ بن مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفِ بِالسِّنْدِی نَقَلْنَاهُ مِنْ أَصْلِهِ قَالَ. . . قال (ابا عبدالله): ... کَأَنِّی وَ اللَّهِ صُفْرُ الْقَدَمَیْنِ خَمْشُ السَّاقَیْنِ ضَخْمُ الْبَطْنِ رَقِیقُ الْعُنُقِ ضَخْمُ الرَّأْسِ عَلَی هَذَا الرُّکْنِ وَ أَشَارَ بِیَدِهِ إِلَی الرُّکْنِ الْیَمَانِیِّ یَمْنَعُ النَّاسَ مِنَ الطَّوَافِ حَتَّی یَتَذَعَّرُوا مِنْهُ قَال ثُمَّ یَبْعَثُ اللَّهُ لَهُ رَجُلًا مِنِّی وَ أَشَارَ

1- ازدی نیشابوری، ابو محمد فضل بن شاذان، الایضاح، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی، 1402ق، ص208-209.

بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ فَيَقْتُلُهُ قَتْلَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ فِرْعَوْنَ ذِى الْأَوْتَاد. (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: پس خداوند مردی را از خاندان من بر می انگیزد (و با دستانش به سینه اش اشاره کرد) پس او را همچون کشتن قوم عاد و ثمود و فرعون دارنده میخ ها می کشد.

بررسی روایت

در سند این روایت لفظ مبهم «جماعه» وجود دارد که باعث ارسال و ضعف آن گردیده است، افزون بر آن احمد بن رباح در کتب رجال توصیف و توثیق نشده است؛ بنابراین این حدیث مجهول نیز می باشد.

3-5-5. وَ بِهِ (حَدَّثَنَا ابو سُلَيْمَانَ أَحْمَدُ بن هَوْذَةَ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بن إِسْحَاقَ النَّهَاوَنْدِى) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن حَمَّادٍ عَنِ ابن أَبِى حَمْزَةَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِيهِ؛ (2)

هنگامی که حضرت قائم(عج) قیام می کند، شمشیرهای جنگی فرود می آید که بر هر شمشیر نام مردی معین و نام پدرش نوشته شده است.

بررسی روایت

این روایت افزون بر وجود علی بن ابی حمزه که ویژگی آن پیش از این آمده است، مرسل نیز می باشد؛ زیرا علی بن ابی حمزه بدون واسطه و به صورت مستقیم از امام صادق علیه السلام نقل روایت می کند در صورتیکه باید بین وی و امام صادق علیه السّلام واسطه وجود داشته باشد.

1- ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تعلیق شیخ حسین اعلمی، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی، 1417ق، ص582.
2- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص251-252، ب13، ح45.

3-5-6. ابو الْقَاسِمِ الشَّعْرَانِیُّ یَرْفَعُهُ عَنْ یُونُسَ بن ظَبْیَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بن الْحَجَّاجِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَتَی رَحْبَهَ الْکُوفَهِ فَقَالَ بِرِجْلِهِ هَکَذَا وَ أَوْمَأَ بِیَدِهِ إِلَی مَوْضِعٍ ثُمَّ قَالَ: احْفِرُوا هَاهُنَا فَیَحْفِرُونَ فَیَسْتَخْرِجُونَ اثْنَیْ عَشَرَ أَلْفَ دِرْعٍ وَ اثْنَیْ عَشَرَ أَلْفَ سَیْفٍ وَ اثْنَیْ عَشَرَ أَلْفَ بَیْضَهٍ لِکُلِّ بَیْضَهٍ وَجْهَیْنِ ثُمَّ یَدْعُو اثْنَیْ عَشَرَ أَلْفَ رَجُلٍ مِنَ الْمَوَالِی مِنَ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ فَیُلْبِسُهُمْ ذَلِکَ ثُمَّ یَقُولُ مَنْ لَمْ یَکُنْ عَلَیْهِ مِثْلُ مَا عَلَیْکُمْ فَاقْتُلُوه.(1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: قائم(عج) هنگام قیام به محلی در کوفه به نام «رحبه» وارد می شود، با پا و دست خود به مکانی اشاره می کند و دستور می دهد آن جا را حفر نمایند. سپس از آن محل دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاهخود که هر کلاهخودی دو رو دارد، بیرون می آورند، سپس دوازده هزار نفر از دوستان خود از عرب و عجم را فراخوانده و آن سلاحها را برای پوشیدن و حمل کردن به آنان تحویل می دهد؛ سپس می گوید: هرکس چنین پوششی نداشته باشد را، بکشید.

بررسی روایت

افزون بر اضطراب موجود در متن روایت و نامفهوم بودن آن، سند آن نیز از چند جهت ضعیف است؛ یکی اینکه ابوالقاسم شعرانی فردی ناشناخته است و نامی از وی در کتابهای رجالی نیامده است و دیگری یونس بن ظبیان است که فردی ضعیف، غالی(2) و شخصی است که نجاشی در مورد وی گفته است: کل

1- مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا، ص334.
2- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص363.

آنچه که وی نوشته مختلط(1) است.(2) علاوه بر اینها ابوالقاسم شعرانی نیز بدون ذکر طریق، این روایت را از ابن ظبیان نقل کرده است و به اصطلاح حدیث مرفوعه یا منقطع می باشد.

3-5-7. وَمِنها (عَن علی علیه السلام): ... بِأَبی ابنِ خَیرهِ الإِماءِ لا یُعطیهِم إلا السَّیفَ هَرجاً هَرجاً مَوضوعاً عَلی عاتِقِه ثَمانِیهَ أَشهُرٍ حَتّی تَقولَ قُریشُ: لَو کانَ هذا مِن وُلدِ فاطمهَ لَرَحِمنا.(3)

امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: پدرم به فدای فرزند برگزیده از کنیزان،به آنها جز شمشیر خونریز و با شدت نمی دهد، درحالی که شمشیرش را هشت ماه بر دوش می کشد تا اینکه قریش می گوید: اگر این شخص از فرزندان فاطمه بود قطعا بر ما رحم می کرد.

بررسی روایت

این روایت مرسل و غیر معتمَد است.

3-5-8. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن عَلِیٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَیْنُ بن عَبْدِ اللَّهِ السَّعْدِیُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بن مُوسَی الْخَشَّابُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن الْحُسَیْنِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ فُلَانٍ الْکَرْخِیِّ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ... قال(ابی عبد الله علیه السلام): وَ کَذَلِکَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ لَمْ یَظْهَرْ أَبَداً حَتَّی تَخْرُجَ وَدَائِعُ اللَّهِ؛ فَإِذَا خَرَجَتْ یَظْهَرُ عَلَی مَنْ یَظْهَرُ فَیَقْتُلُه.(4)

امام صادق علیه السلام فرمودند: و همچنین است قائم ما اهل بیت، ظهور

1- تخلیط: آمیختن یک حدیث با حدیث دیگر. (محمدرضا، جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص151).

2- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص448.

3- ابن أبی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج7، ص58.

4- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرقمی، ج2، ص316.

نمی کند مگر اینکه امانت های الهی هویدا شوند؛ چنانچه این امانات آشکار شوند قائم(عج) ظهور کرده و بر هرکس که پیروز شود او را می کشد.

بررسی روایت

در سند این روایت چندین لفظ و عبارت مبهم وجود دارد که عبارتند از: «عن بعض اصحابه»، «فلان الکرخی»، «رجل»، که این عبارت های مبهم باعث ارسال سند و ضعف آن گشته است.

9-5-3. جَاءَ مَرْفُوعاً عَنْ عَمْرِو بن شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بن یَزِیدَ عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام: ... وَ إِنَّ لَنا لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولی فَأَنْذَرْتُکُمْ ناراً تَلَظَّی (1) قَالَ: هُوَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ وَ یَقْتُلُ مِنْ کُلِّ أَلْفٍ تِسْعَ مِائَهٍ وَ تِسْعَهً وَ تِسْعِینَ؛ (2)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده اند: او همان قائم(عج) است و هنگامی که با غضب و نارحتی قیام کند، از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفر را می کشد.

بررسی روایت

این روایت هم مرفوع و بی اعتبار است و هم راویان آن افراد ضعیفی هستند. یکی از راویان آن عمرو بن شمر است که بنابر گفته نجاشی بسیار ضعیف است.(3) و راوی دیگر، جابر بن یزید است که او هم بنابر سخن نجاشی فردی مختلط بوده است.(4)

1- لیل(92)، 14.
2- استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، جلد، چاپ اول، قم، مدرسه امام مهدی، 1407ق، ج2، ص807، ح1.
3- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص287.
4- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص 129.

3-5-10. وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بن الْحَسَنِ بن أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بن الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بن مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بن سِنَانٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: سَأَلْتُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً(اسرا:33) قَالَ: ذَلِکَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ یَخْرُجُ فَیَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَیْنِ علیه السلام فَلَوْ قَتَلَ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمْ یَکُنْ مُسْرِفاً وَ قَوْلُهُ فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ لَمْ یَکُنْ لِیَصْنَعَ شَیْئاً یَکُونُ سَرَفاً ثُمَّ قَالَ ابو عَبْدِ اللَّهِ: علیه السلام یَقْتُلُ وَ اللَّهِ ذَرَارِیَّ قَتَلَهِ الْحُسَیْنِ علیه السلام بِفَعَالِ آبَائِهَا.(1)

محمّد بن سنان، از شخصی نقل نموده که وی گفت:از حضرت ابی عبداللّه علیه السلام از تفسیر آیه شریفه: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً». پرسیدم، حضرت فرمودند: مقصود از «ولی» قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله بوده که خروج نموده پس به خون خواهی حضرت سیّد الشهداء علیه السلام شروع به کشتن می نماید به طوری که اگر همه اهل زمین را بکشد، اسراف نکرده است. و در ذیل این فقره از آیه «فلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ» می فرماید: حضرت قائم(عج) اقدام به چیزی که اسراف محسوب شود، نمی کنند. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم حضرت قائم(عج) اعقاب کشندگان سیّد الشّهداء علیه السلام را به واسطه عمل آباء و اجدادشان خواهد کشت.

بررسی روایت

در سند روایت لفظ مبهم «عن رجل» وجود دارد که باعث ارسال سند شده

1- ابن قولویه، جعفربن محمد، کامل الزیارات، تحقیق جواد قیومی، چاپ اول، قم، موسسه نشر اسلامی، 1417ق، ص63، ب18، ح5.

است، افزون بر آن محمد بن سنان کسی است که هم مدح آن آمده است و هم ضعیف شمرده شده است(1) که بنابر قواعد رجالی و تعارض بین مدح و ذم، ضعف بر مدح مقدَّم می باشد.

11-5-3. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن زِيَادِ بن جَعْفَرٍ الْهَمَدَانِیُّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِیُّ بن إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بن صَالِحٍ الْهَرَوِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ عَلِیِّ بن مُوسَی الرِّضَا علیه السلام یَا ابن رَسُولِ اللَّهِ ! مَا تَقُولُ فِی حَدِیثٍ رُوِیَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ قَتَلَ ذَرَارِیَّ قَتَلَهِ الْحُسَیْنِ علیه السلام بِفِعَالِ آبَائِهَا؟ فَقَالَ علیه السلام: هُوَ کَذَلِکَ. فَقُلْتُ: فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَ وَ لا تَزِرُ وازِرَهٌ وِزْرَ أُخْری مَا مَعْنَاهُ؟ فَقَالَ: صَدَقَ اللَّهُ فِی جَمِیعِ أَقْوَالِهِ لَکِنَّ ذَرَارِیَّ قَتَلَهِ الْحُسَیْنِ یَرْضَوْنَ أَفْعَالَ آبَائِهِمْ وَ یَفْتَخِرُونَ بِهَا وَ مَنْ رَضِیَ شَیْئاً کَانَ کَمَنْ أَتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِی الْمَشْرِقِ فَرَضِیَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِی الْمَغْرِبِ لَکَانَ الرَّاضِی عِنْدَ اللَّهِ شَرِیکَ الْقَاتِلِ وَ إِنَّمَا یَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِ آبَائِهِمْ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: بِأَیِّ شَیْ ءٍ یَبْدَأُ الْقَائِمُ فِیهِمْ إِذَا قَامَ؟ قَالَ: یَبْدَأُ بِبَنِی شَیْبَهَ وَ یَقْطَعُ أَیْدِیَهُمْ لِأَنَّهُمْ سُرَّاقُ بَیْتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَل.(2)

احمد بن زیاد بن جعفر همدانی رضی الله عنها از علی بن ابراهیم، از پدرش، از عبدالسلام ابن صالح هروی، نقل می کند که وی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا ! درباره روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده و آن حضرت فرمودند: هر گاه حضرت قائم(عج) خروج

1- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص328.
2- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، تحقیق سید محمد صادق بحرالعلوم، نجف، مکتبه الحیدریه، 1385ق، ج1، ص229، 164، ح1.

کنند فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام را به دلیل کردار پدرانشان می کشد، چه می فرمایید؟حضرت فرمودند: واقع همین است. عرض کردم: پس فرموده حقّ تعالی در قرآن: «وَ لا تَزِرُ وازِرَهٌ وِزْرَ أُخْری؛ هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد» معنایش چیست؟حضرت فرمودند: خداوند در تمام اقوالش صادق است ولی با وجود این باید توجّه داشته باشی که فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام به افعال و کردار پدرانشان راضی بوده و به آنها افتخار می کردند و به مقتضای «کسی که به چیزی راضی باشد، همچون شخصی است که آن چیز را انجام داده» آنها نیز همچون قاتلان سیّدالشهداء می باشند. و اگر شخص در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب راضی و خوشنود باشد راضی با قاتل نزد خدا شریک در قتل می باشد و چون این فرزندان به کردار پدرانشان راضی می باشند لاجرم حضرت قائم(عج) وقتی خروج نمودند، ایشان را می کشند. راوی می گوید محضرش عرضه داشتم: چرا وقتی حضرت قیام فرمودند، اوّل ایشان را می کشد؟ حضرت فرمودند: حضرت قائم(عج) ابتدا بنی شیبه را می کشند به این روش که دستهایشان را قطع می فرماید، زیرا آنها سارقان بیت اللَّه عزّ و جلّ می باشند.

بررسی روایت

گرچه این حدیث در پی توضیح روایت و علت آن می باشد؛ اما از چند جهت مشکل دارد: اولاً: سند این روایت منقطع و ناشناخته است، زیرا احمد بن زیاد همدانی آن را از علی بن ابراهیم و او از پدرش (ابراهیم بن هاشم)و ابراهیم از عبدالسلام بن صالح هروی نقل نموده است درحالی که روایت باید بیش از چهار راوی داشته باشد تا به امام علیه السلام برسد، قطعاً افراد دیگری در زنجیره

سلسله سند بوده اند که اکنون معلوم نیست چه کسانی هستند. ثانیاً: مضمون روایت با محکمات قرآن، فقه اسلامی و عقل منافات دارد، زیرا مجازات یک شخص راضی به قتل، شرعاً و عقلاً قصاص وی نیست.

3-5-12. قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْقَاسِمِ بن عُبَيْدٍ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: ... فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَفُوا كُلَّ نَاصِبٍ [نَصَبَ] عَلَيْهِ فَإِنْ أَقَرَّ بِالْإِسْلَامِ وَ هُوَ [وَ هِیَ] الْوَلَايَهُ وَ إِلَّا ضُرِبَتْ عُنُقُهُ أَوْ أَقَرَّ بِالْجِزْيَهِ فَأَدَّاهَا كَمَا يُؤَدِّی [يُؤَدُّونَ] أَهْلُ الذِّمَّه.(1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: پس هنگامی که قائم(عج) قیام کند، افراد ناصبی را به حضور قائم(عج) می آورند؛ پس اگر به اسلام اقرار کند که همان ولایت ائمه است؛ رهایش می کند وگرنه گردنش زده می شود و یا از او مانند اهل ذمّه جزیه می گیرد.

بررسی روایت

این روایت مرسل است زیرا راوی با حذف واسطه که معلوم نیست چه کسانی بوده اند، روایت را به امام صادق علیه السلام نسبت داده است.

3-5-13. وَ بِإِسْنَادِهِ(السَّید عَلی بن عَبدالحَمید فی کتابِ الغَیبه) إِلَی كِتَابِ الْفَضْلِ بن شَاذَانَ رَفَعَهُ إِلَی عَبْدِ اللَّهِ بن سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: يَقْتُلُ الْقَائِمُ علیه السلامحَتَّى يَبْلُغَ السُّوقَ. قَالَ: فَيَقُولُ لَهُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ أَبِيهِ إِنَّكَ لَتُجْفِلُ النَّاسَ إِجْفَالَ النَّعَمِ فَبِعَهْدٍ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَوْ بِمَا ذَا قَالَ وَ لَيْسَ فِی النَّاسِ رَجُلٌ أَشَدَّ مِنْهُ بَأْساً فَيَقُومُ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْمَوَالِی فَيَقُولُ لَهُ لَتَسْكُتَنَّ أَوْ لَأَضْرِبن عُنُقَكَ فَعِنْدَ ذَلِكَ

1- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، قم، داوری، بی تا، ص292-293، ح395.

يُخْرِجُ الْقَائِمُ علیه السلام عَهْداً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.(1)

امام صادق علیه السلام فرمود: قائم(عج) می کشد تا می رسد به بازار؛ سپس مردی از اولاد پدرش به او می گوید: تو با مردم مثل چهارپایان رفتار می کنی، آیا این برخورد به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد یا چیز دیگر؟ و در میان مردم مردی شدیدتر از او نیست، سپس مردی از موالی به سمت وی بلند می شود، پس به وی می گوید: ساکت می شوی یا گردنت را بزنم؛ سپس قائم(عج) در آن هنگام دستوری از پیامبر صلی الله علیه و آله را ارائه می دهد.

بررسی روایت

درباره سند این روایت نه از سند سید علی بن عبدالحمید(صاحب کتاب الغیبه) به کتاب فضل بن شاذان اطلاع درستی در دست است و نه از سند فضل بن شاذان به عبدالله بن سنان، بنابراین،این حدیث، مرسل و غیر قابل اعتماد است.

14-5-3. وَ بِإِسْنَادِهِ(السَّید عَلی بن عَبدالحَمید فی کتابِ الغَیبه)عَنِ الْکَابُلِیِّ عَنْ عَلِیِّ بن الْحُسَیْنِ علیه السلام قَالَ: یَقْتُلُ الْقَائِمُ علیه السلام مِنْ أَهْلِ الْمَدِینَهِ حَتَّی یَنْتَهِیَ إِلَی الْأَجْفَر.(2)

امام سجاد علیه السلام فرمودند: قائم(عج) آن قدر از اهل مدینه می کشد تا به محلی به نام اجفر می رسد.

1- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، 1403ق، ج 52، ص387 ب27، ح203.
2- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، 1403ق، ج 52، ص387، ب27، ح204.

بررسی روایت

از سند الغیبه سید علی بن عبدالحمید به کابلی اطلاعی در دست نیست و نمی توان به آن اعتماد کرد.

3-5-15. وَ بِإِسْنَادِهِ(السَّید عَلی بن عَبدالحَمید فی کتابِ الغَیبه)رَفَعَهُ إِلَی أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی خَبَرٍ طَوِیلٍ إِلَی أَنْ قَالَ: وَ یَنْهَزِمُ قَوْمٌ کَثِیرٌ مِنْ بنی أُمَیَّهَ حَتَّی یَلْحَقُوا بِأَرْضِ الرُّومِ. . . فَیَبْعَثُ إِلَیْهِمُ الْقَائِمُ علیه السلام أَنْ أَخْرِجُوا هَؤُلَاءِ الَّذِینَ أَدْخَلْتُمُوهُم. . . فَإِذَا قَرَأَ عَلَیْهِمُ الْکِتَابَ وَ رَأَوْا هَذَا الشَّرْطَ لَازِماً لَهُمْ أَخْرَجُوهُمْ إِلَیْهِ فَیَقْتُلُ الرِّجَالَ وَ یَبْقُرُ بُطُونَ الْحَبَالَی. (1)

امام باقر علیه السلام می فرماید: هنگام قیام قائم(عج) عده زیادی از بنی امیه فرار می کنند و به کشور روم پناه می برند... سپس قائم(عج) عده ای را همراه با دستور کتبی برای تحویل گرفتن آنها به آن کشور می فرستد که این کسانی را که به کشور خود راه داده اید، اخراج کنید... پس هنگامی که دستور را بر حاکم می خوانند، آن پناهندگان را اخراج می کنند، سپس قائم(عج) مردهای آنان را می کشد و شکم زنان آبستن را می درد.

بررسی روایت

از سند الغیبه به ابوبصیر اطلاعی در دست نیست، همچنین این روایت مرفوعه و ضعیف است، افزون بر ضعف سند متنی کاملاً مضطرب دارد، زیرا شکافتن و پاره کردن شکم زنان آبستن در هیچ حالتی حتی در حال جنگ جایز نیست.

1- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، 1303ق، ج 52، ص387، ب27، ح204.

3-5-16. وَ بِإِسْنَادِهِ (السَّید عَلی بن عَبدالحَمید فی کتابِ الغَیبه) رَفَعَهُ إِلَی عَبْدِاللَّهِ بن سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ علیه السلام لَمْ یَکُنْ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْعَرَبِ وَ الْفُرْسِ إِلَّا السَّیْفُ لَا یَأْخُذُهَا إِلَّا بِالسَّیْفِ وَ لَا یُعْطِیهَا إِلَّا بِهِ. (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگامی که قائم(عج) قیام کند، بین او وعرب و عجم جز شمشیر نخواهد بود، جز شمشیر از آنها نمی گیرد و جز شمشیر به آنها نمی دهد.

بررسی روایت

علامه مجلسی رحمه الله این روایت را از کتاب الغیبه بدون ذکر سند از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که از سند کامل آن اطلاعی در دست نیست. همچنین متن روایت نیز دارای ضعف و اضطراب است، زیرا قرار دادن شمشیر یعنی زور و قدرت سلاح به عنوان ملاک حاکم نیز خلاف ضرورت دین و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

3-5-17. وَ بِإِسْنَادِهِ(السَّید عَلی بن عَبدالحَمید فی کتابِ الغَیبه)رَفَعَهُ إِلَی جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:... وَ یَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّی لَا یَبْقَی إِلَّا دِینُ مُحَمَّدٍ؛(2)

... قائم(عج) آن قدر از مردم می کشد تا اینکه جز دین محمد باقی نماند.

بررسی روایت

سند این روایت نیز از الغیبه سید علی بن عبدالحمید می باشد که از سند آن تا

1- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، 1303ق، ج 52، ص387، ب27، ح204.

2- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت،

دارإحياء التراث العربى، 1303ق، ج 52، ص387، ب27، ح204.

امام باقر علیه السلام اطلاعی در دست نیست و همچنین روایت مرفوعه نیز می باشد، بنابراین قابل اعتماد نیست.

3-5-18. وَ رَوَی عَبْدُ اللَّهِ بن الْمُغِيرَهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام أَقَامَ خَمْسَمِائَهٍ مِنْ قُرَيْشٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ أَقَامَ خَمْسَمِائَهٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ أَقَامَ خَمْسَمِائَهٍ أُخْرَى حَتَّى يَفْعَلَ ذَلِکَ سِتَّ مَرَّات. قُلْتُ: وَ يَبْلُغُ عَدَدُ هَؤُلَاءِ هَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ مَوَالِيهِم؛(1)

آنگاه که قائم آل محمد(عج) قیام کند، پانصد تن از قریش را به پا دارد و گردنشان را بزند، سپس پانصد تن دیگر را به پا دارد و گردن زند، آنگاه پانصد تن دیگر تا شش بار (که روی هم سه هزار نفر شوند) گوید: من گفتم: شماره آنان به این حد رسد؟ فرمود: آری؛ خودشان و دوستدارانشان.

بررسی روایت

شیخ مفید نیز این روایت را بدون ذکر سند کامل بیان می کند و از سند آن اطلاعی در دست نیست و افزون بر مشکل سندی، متن روایت نیز دچار اضطراب است، بنابراین قابل اعتماد نیست.

3-5-19. وَذَکَرَ الإمامُ ابو الحَسنِ مُحمَّدٌ بن عبید الکَسائی، فی قِصَصِ الأنبیاء، قالَ: قالَ کَعبُ الأحبارِ: یَخرجُ المَهدیُّ إلی بِلادِ الرّومِ، وَجَیشُه مائهُ ألفٍ، فَیدعُو مَلکَ الرّومَ إلی الإیمانِ فَیَأبی، فَیقتَتِلانِ شَهرَینِ، فَیَنصُرَ اللهُ تَعالی المهدیَّ، وَیَقتُلَ مِن أصحابِه خَلقاً کَثیراً، ویَنهَزمُ، وَیَدخُل إلی القُسطَنطینیهِ فَینزل المهدیُّ علی بابِها، ولَها یَومئذٍ سَبعهُ أسوارٍ، فَیُکَبِّرُ المهدیُّ سَبعَ تکبیراتٍ، فَیَخِرُّ کلُ سورٍ

1- مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص364.

مِنها، فَعِندَ ذلکَ یَأخذُها المهدیُّ، وَیَقتُلُ مِن الرّومِ خَلقاً کَثیراً، ویُسلِمُ عَلی یَدیهِ خلقٌ کثیرٌ؛(1)

مهدی(عج) به سوی سرزمین روم یورش می برد در حالی که سربازان وی صد هزار نفر می باشد، سپس پادشاه روم را به ایمان فرا می خواند ولی او سر باز می زند، سپس به مدت دو ماه با هم می جنگند و خداوند مهدی(عج) را یاری می کند و مهدی تعداد زیادی از اصحاب و یاران پادشاه روم را به قتل می رساند و به قسطنطنیه داخل می شود، پس مهدی(عج) به دروازه شهر وارد می شود در حالیکه دارای هفت دیوار است سپس مهدی(عج) هفت مرتبه تکبیر گفته، پس از آن همه دیوارهای شهر فرو می ریزد، سپس در آن هنگام مهدی(عج) شهر را در دست گرفته، تعداد زیادی از مردم آن جا را به قتل می رساند و به دست وی مردم زیادی به اسلام روی می آورند.

بررسی روایت

این حدیث از زبان کعب الاحبار است و چون به پیامبر(عج) اسناد داده نشده، موقوف(2) است و اعتباری ندارد، افزون بر این کعب الاحبار شخصیت قابل قبولی نیست، بنابراین نمی توان به این روایت اعتماد کرد.

3-5-20. قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْقَاسِمِ بن عُبَیْدٍ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی... وَ إِنَّ لَنا [لَهُ] لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولی فَأَنْذَرْتُکُمْ ناراً تَلَظَّی الْقَائِمُ صلی الله علیه و آله إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ فَقَتَلَ مِنْ کُلِّ أَلْفٍ

1- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقدالدرر، ص273.
2- موقوف: حدیثی است که توسط صحابی معصوم نقل شده بدون اینکه آن را به معصوم اسناد دهد. (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص79).

تِسْعَمِائَهٍ وَ تِسْعَهً وَ تِسْعِین؛[(1)]

... قائم(عج) هنگامی که با غضب قیام کند، از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفررا می کشد.

بررسی روایت

این روایت مرسل می باشد، زیرا راوی با حذف واسطه که معلوم نیست چه کسانی بوده اند، روایت را به امام صادق علیه السلام نسبت داده است. افزون بر این محمد بن قاسم بن عبید فردی ناشناخته است.

3-5-21. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِیدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِیُّ بن الْحَسَنِ التَّیْمُلِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بن عَلِیِّ بن یُوسُفَ وَ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ الْکُوفِیِ عَنْ سَعْدَانَ بنِ مُسْلِمٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: بَیْنَا الرَّجُلُ عَلَی رَأْسِ الْقَائِمِ یَأْمُرُهُ وَ یَنْهَاهُ إِذْ قَالَ أَدِیرُوهُ فَیُدِیرُونَهُ إِلَی قُدَّامِهِ فَیَأْمُرُ بِضَرْبِ عُنُقِهِ فَلَا یَبْقَی فِی الْخَافِقَیْنِ شَیْ ءٌ إِلَّا خَافَهُ؛[(2)]

... در آن میان که مردی بر بالین قائم(عج) ایستاده و امر و نهیش می کند، ناگاه حضرت می فرماید: او را برگردانید، پس او را به پیش روی آن حضرت باز می گردانند و آن حضرت دستور می دهد گردن او زده شود، پس در خاور و باختر چیزی باقی نمی ماند مگر اینکه از او می ترسد.

بررسی روایت

در سند روایت افزون بر محمد بن علی کوفی که شرح حال او پیش از این بیان شد، همچنین علی بن حسن تیملی که طبق گفته آیت الله خویی همان

1- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ص214.
2- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص245-246، ب13، ح32.

علی بن حسن بن علی بن فضال است[1] شخصی فطحی[2] مذهب می باشد.[3] همچنین این روایت با توجه به عبارت مبهم (عن بعض رجاله) موجود در سند آن، مرسل است.

3-6. روایات متفرقه

اشاره

3-6-1. أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بن الْحُسَیْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن یَحْیَی الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بن حَسَّانَ الرَّازِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بن مُحَمَّدِ بن أَبِی نَصْرٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بن مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ: لَوْ یَعْلَمُ النَّاسُ مَا یَصْنَعُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لَأَحَبَّ أَکْثَرُهُمْ أَلَّا یَرَوْهُ مِمَّا یَقْتُلُ مِنَ النَّاسِ أَمَا إِنَّهُ لَا یَبْدَأُ إِلَّا بِقُرَیْشٍ فَلَا یَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّیْفَ وَ لَا یُعْطِیهَا إِلَّا السَّیْفَ حَتَّی یَقُولَ کَثِیرٌ مِنَ النَّاسِ لَیْسَ هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ کَانَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَرَحِمَ؛[4]

اگر مردم می دانستند هنگامی که قائم(عج) خروج کند چه خواهد کرد، بیشتر آنان دوست می داشتند او را ملاقات نکنند؛ بس که خواهد کشت، بدانید که او شروع نخواهد کرد مگر با قریش، و از آنان جز شمشیر دریافت نمی کند و به قریش جز شمشیر ارزانی نمی دارد (معامله او با قریش تنها با شمشیر است) تا آن جا که بیشتر مردمان گویند: این مرد از تبار محمّد نیست که اگر از آل محمّد بود، حتماً رحمت و دلسوزی می داشت.

1- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج11، ص345.
2- فطحیه: این گروه قائل به امامت دوازده امام همراه با عبدالله افطح پسر امام صادق علیه السلام هستند که او را میان امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام قرار می دهند(محمدرضا، جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص114).
3- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص258.
4- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص238، ب13، ح18.

بررسی روایت

در سند این روایت محمدبن علی کوفی وجود دارد که وی فرد بسیار ضعیفی است و شرح حال او پیش از این بیان شد.

3-6-2. أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بن الْحُسَیْنِ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بن أَبِی هَاشِمٍ عَنْ أَبِی خَدِیجَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ عَلِیّاً علیه السلام قَالَ: کَانَ لِی أَنْ أَقْتُلَ الْمُوَلِّیَ وَ أُجْهِزَ عَلَی الْجَرِیحِ وَ لَکِنِّی تَرَکْت ذَلِکَ لِلْعَاقِبَهِ مِنْ أَصْحَابِی إِنْ جُرِحُوا لَمْ یُقْتَلُوا وَ الْقَائِمُ لَهُ أَنْ یَقْتُلَ الْمُوَلِّیَ وَ یُجْهِزَ عَلَی الْجَرِیحِ؛ (1)

ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: همانا علی علیه السلام فرمود: مرا چنین اختیاری بود که فراریان از جبهه جنگ را بکشم و کار مجروحان را یکسره سازم ولی من به ملاحظه آینده نگری برای یاران خود این کار را نکردم که چون مجروح شدند، کشته نشوند ولی برای امام قائم(عج) مقرّر است که آنان را که از جنگ می گریزند، بکشد و کار زخمی ها را یکسره سازد.

بررسی روایت

این روایت نیز مانند سند پیشین است و در سند آن نیز محمد بن علی کوفی وجود دارد.

3-6-3. أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بن الْحُسَیْنِ قَالَ: حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بن یَحْیَی الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بن حَسَّانَ الرَّازِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بن مُحَمَّدِ بن أَبِی نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن بُکَیْرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ زُرَارَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ صَالِحٌ مِنَ الصَّالِحِینَ سَمِّهِ لِی أُرِیدُ

1- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص236، ب13، ح15.

الْقَائِمَ علیه السلام . فَقَالَ: اسْمُهُ اسْمِی. قُلْتُ: أَ یَسِیرُ بِسِیرَهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ؟ قَالَ: هَیْهَاتَ هَیْهَاتَ یَا زُرَارَهُ، مَا یَسِیرُ بِسِیرَتِهِ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ لِمَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله سَارَ فِی أُمَّتِهِ بِالْمَنِ،کَانَ یَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَ الْقَائِمُ یَسِیرُ بِالْقَتْلِ بِذَاکَ أُمِرَ فِی الْکِتَابِ الَّذِی مَعَهُ أَنْ یَسِیرَ بِالْقَتْلِ وَ لَا یَسْتَتِیبَ أَحَداً؛ وَیْلٌ لِمَنْ نَاوَاه ...؛(1)

به آن حضرت عرض کردم: صالحی از صالحان را برایم نام ببر و منظورم حضرت قائم(عج) بود، پس فرمود: اسم او اسم من است، عرض کردم: آیا همچون رفتار محمّد صلی الله علیه و آله رفتار می کند؟ فرمود: هرگز هرگز ای زراره؛ رفتار او را پیش نمی گیرد. عرض کردم: فدایت شوم برای چه؟ فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در امّت خود چنان رفتار می کرد که همراه با بخشش بود (مردم را عفو و مرهون منّت خود می ساخت) و دلهای مردم را به خود جذب می نمود؛ یعنی با مهر رفتار می کرد ولی رفتار قائم(عج) با خشونت و کشتار است، زیرا در کتابی که به همراه دارد مأمور شده است که با کشتار رفتار کند و از کسی توبه نپذیرد، وای بر کسی که با او دشمنی کند و به ستیز برخیزد.

بررسی روایت

در سند این نیز روایت محمد بن علی کوفی وجود دارد که فردی ضعیف است و توصیف آن قبلاً بیان شده، مضمون روایت نیز با روایات درستی که سیره حضرت مهدی(عج) را همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند، مخالفت دارد.

3-6-4. أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بن الْحُسَیْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن یَحْیَی الْعَطَّارُ بِقُمَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن حَسَّانَ الرَّازِیُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن عَلِیٍّ

1- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص236، ب13، ح14.

الْكُوفِیُ عَنْ مُعَمَّرِ بن خَلَّادٍ قَالَ: ذُکِرَ الْقَائِمُ عِنْدَ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام فَقَالَ: أَنْتُمُ الْیَوْمَ أَرْخَی بَالاً مِنْکُمْ یَوْمَئِذٍ. قَالُوا: وَ کَیْفَ؟ قَالَ: لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا علیه السلام لَمْ یَکُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَ الْعَرَقُ وَ النَّوْمُ عَلَی السُّرُوجِ وَ مَا لِبَاسُ الْقَائِمِ علیه السلام إِلَّا الْغَلِیظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ؛(1)

معمّر بن خلّاد گوید: نزد امام ابی الحسن الرّضا علیه السلام از قائم(عج) یاد شد، پس فرمود: شما امروز آسوده تر از آن روز هستید، عرض کردند: چگونه؟ فرمود: اگر قائم ما علیه السلام خروج کند جز خون بسته شده و عرق و بر روی زین های اسبان خفتن چیزی در کار نخواهد بود و لباس قائم(عج) جز جامه خشن و خوراک او جز غذای ناگوار و نامطبوع نخواهد بود.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز محمد بن علی کوفی وجود دارد که شرح حالش بیان شد.

3-6-5. عَنْهُ عَنْ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَبْدِ اللَّهِ بن مِهْرَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِکِ بن بَشِیرٍ عَنْ عُثَیْمِ بن سُلَیْمَانَ عَنْ مُعَاوِیَهَ بن عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا تَمَنَّی أَحَدُکُمُ الْقَائِمَ فَلْیَتَمَنَّهُ فِی عَافِیَهٍ فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله رَحْمَهً وَ یَبْعَثُ الْقَائِمَ نَقِمَه؛(2)

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کند که آن حضرت فرمود: هرگاه یکی از شما آرزوی دیدار حضرت قائم(عج) را کند، باید آرزو کند که این دیدار در تندرستی و عافیت باشد (و

1- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص295-296، ب15، ح5.
2- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، تحقیق غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1407ق، ج8، ص233، ح306.

مشمول اصلاحات آن بزرگوار نگردد) زیرا خداوند محمد صلی الله علیه و آله را به مهر و عطوفت مبعوث فرمود، و حضرت قائم(عج) را برای انتقام برانگیزد.

بررسی روایت

در سند روایت محمد بن عبدالله بن مهران وجود دارد که این شخص فردی متهم به غلو و ضعیف است(1)، همچنین این روایت مهمل نیز می باشد؛ زیرا در مورد دو تن از روات این سند اطلاعی در کتاب های رجالی وجود ندارد، یکی عبدالملک بن بشیر و دیگری عیثم بن سلیمان.

3-6-6. عَلِیُّ بن مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بن الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بن عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَاصِمِ بن حُمَیْدٍ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فی حدیث إلی أن قال: قُلْتُ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ(هَلْ تَرَبَّصُونَ بنا إِلَّا إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ)(2) قَالَ: إِمَّا مَوْتٌ فِی طَاعَةِ اللَّهِ أَوْ إِدْرَاکُ ظُهُورِ إِمَامٍ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِهِمْ مَعَ مَا نَحْنُ فِیهِ مِنَ الشِّدَّةِ أَنْ یُصِیبَهُمُ اللَّهُ بِعَذابٍ مِنْ عِنْدِهِ. قَالَ: هُوَ الْمَسْخُ أَوْ بِأَیْدِینَا وَ هُوَ الْقَتْلُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَل لِنَبِیِّهِ صلی اللهِ علیه و آله : قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنَّا مَعَکُمْ مُتَرَبِّصُونَ وَ التَّرَبُّصُ انْتِظَارُ وُقُوعِ الْبَلَاءِ بِأَعْدَائِهِمْ؛(3)

(آن دو سرانجام نیک)یا مرگ در راه اطاعت خداست و یا درک ظهور امام، ولی ما در مورد آنها انتظار می بریم با این وضع سخت و ناهنجاری که داریم که خداوند از نزد خود عذابی بدانها بفرستد. فرمود که آن عذاب یا مسخ است یا به دست ما (آنها را عذاب

1- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، 1373ش، ص391.
2- توبه(9)، 52.
3- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج8، ص285ه، ح431.

کند)که آن کشتن آنها است. خدای جلّ حلاله به پیامبرش فرمود: بگو منتظر باشید که ما نیز با شما از منتظران هستیم و مقصود انتظار وقوع بلا به دشمنان است.

بررسی روایت

در سند روایت علی بن عباس وجود دارد که وی به غلو و ضعف شخصیّت متهم است.(1) همچنین این روایت مهمل نیز می باشد؛ زیرا از حسن بن عبدالرحمن(حمانی) اطّلاعاتی در کتابهای رجالی وجود ندارد.

3-6-7. بِهَذَا الْإِسْنَادِ(عَلِیُّ بن مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بن الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بن عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَاصِمِ بن حُمَیْدٍ عَنْ أَبِی حَمْزَه) عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ(قُلْ ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفِینَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرٌ لِلْعالَمِینَ)... قال:ِ وَ سَیَخْتَلِفُونَ فِی الْکِتَابِ الَّذِی مَعَ الْقَائِمِ الَّذِی یَأْتِیهِمْ بِهِ حَتَّی یُنْکِرُهُ نَاسٌ کَثِیرٌ فَیُقَدِّمُهُمْ فَیَضْرِبُ أَعْنَاقَهُم؛(2)

محققاً درکتابی که با قائم(عج) است و برای آنها خواهد آورد، اختلاف خواهند کرد تا بدان حد که جمع زیادی آن را انکار می کنند، سپس قائم(عج) آنها را پیش آورده و گردن آنها را می زند.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز علی بن عباس و حسن بن عبدالرحمن(حمانی) وجود دارد که شرح حالشان پیش از این بیان شد.

3-6-8. حَدَّثَنَا رِشْدِینُ، عَنِ ابن لَهِیعَهَ، عَنْ عَیَّاشِ بن عَبَّاسٍ الزُّرَقِیِّ،

1- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص255.
2- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج8، ص287، ح432.

عَنِ ابن زُرَیْرٍ، عَنْ عَلِیٍّ، رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: یُرْسِلُ اللَّهُ عَلَی أَهْلِ الشَّامِ مَنْ یُفَرِّقُ جَمَاعَتَهُمْ، حَتَّی لَوْ قَاتَلَتْهُمُ الثَّعَالِبُ غَلَبَتْهُمْ، وَعِنْدَ ذَلِکَ یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی فِی ثَلَاثِ رَایَاتٍ،. . .، أَمَارَتُهُمْ: أَمِتْ أَمِتْ...؛(1)

خداوند کسی را به سوی شام می فرستد که جماعت آنان را متفرق می سازد به طوریکه اگر گرگ ها به مقابله با آنان بیایند، آنها را شکست می دهند. در آن هنگام است مردی از خاندان من قیام می کند در قالب سه پرچم... شعار آنها بکُش بکُش است.

بررسی روایت

در سند روایت ابن لهیعه وجود دارد که وی فردی ضعیف است چنان که ابن معین در توصیف وی گفته است: «ضعیفٌ لا یحتجُ به».(2)

3-6-9. حَدَّثَنَا ابن وَهْبٍ، عَنِ ابنِ لَهِیعَةَ، عَنِ الْحَارِثِ بن یَزِیدَ، سَمِعَ ابن زُرَیْرٍ الْغَافِقِیَّ، سَمِعَ عَلِیًّا، یَقُولُ:... لَا یَلْقَاهُ عَدُوٌّ إِلَّا هَزَمَهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ، شِعَارُهُمْ: أَمِتْ أَمِتْ؛(3)

... قائم به دشمنی برنمی خورد مگر اینکه به اذن خداوند او را شکست می دهد؛ شعار قائم(عج) و اصحابش بکُش بکُش است.

بررسی روایت

در سند این روایت نیز ابن لهیعه وجود دارد که شرح حال وی گذشت.

3-6-10. حَدَّثَنَا سُوَیْدُ بن عَبْدِ الْعَزِیزِ، عَنْ إِسْحَاقَ بن أَبِی فَرْوَةَ، وَابن شَابُورَ، جَمِیعًا عَنْ مَکْحُولٍ، عَنْ حُذَیْفَةَ بن الْیَمَانِ، رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ

1- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج1، ص349، ح1007.
2- ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1995م، ج4، ص167.
3- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج1، ص348، ح1005.

قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: ... ثُمَّ يَفْتَرِقُونَ وَيَخْتَبِئُونَ تَحْتَ كُلِّ شَجَرٍ وَحَجَرٍ، حَتَّی يَقُولَ الشَّجَرُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ يَا مُسْلِمُ! تَعَالَ، هَذَا يَهُودِیٌّ وَرَائِی فَاقْتُلْهُ؛(1)

سپس پراکنده می شوند و زیر هر درخت و سنگی پنهان می گردند تا اینکه درخت می گوید: ای بنده خدا، ای مسلمان! بیا این جا، این یک یهودی است که پشت سر من است، پس او را بکش.

بررسی روایت

در سند روایت سوید بن عبد العزیز وجود دارد که نسائی در مورد وی گفته است او ثقه نیست و ضعیف است.(2)

3-6-11 عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بن زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بنِ الْحَسَنِ بن شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مَالِكِ بن عَطِيَّةَ عَنْ أَبَانِ بن تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ لِی ابو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام :دَمَانِ فِی الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ لَا يَقْضِی فِيهِمَا أَحَدٌ حَتَّی يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَكَمَ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ لَا يُرِيدُ عَلَيْهِمَا بَيِّنَةً الزَّانِی الْمُحْصَنُ يَرْجُمُهُ وَ مَانِعُ الزَّكَاهِ يَضْرِبُ عُنُقَه؛(3)

ابن شمّون گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: دو خون است که ریختن آنها از طرف خداوند حلال است، ولی تا قبل از قیام قائم(عج) اجازه آنها داده نشده است، پس هرگاه خداوند او را برانگیزد، بدون بینه قضاوت کرده (و اجازه ریختن آنها را خواهد

1- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج2، ص568، ح1591.
2- عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابو الفضل، تهذیب التهذیب، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، 1404ق، ج4، ص242.
3- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج3، ص503، ح5.

داد) یکی خون زناکاری است که دارای همسر است و او را سنگسار می کند و دیگری خون مانع الزّکات است که حضرت گردن وی را می زند.

بررسی روایت

در سند این روایت افراد بسیار ضعیفی وجود دارد؛ یکی محمدبن حسن شمون که وی فردی غالی(1)، واقفی مذهب، ضعیف و فاسد المذهب است(2). دیگری عبدالله بن عبدالرحمن الاصمّ فردی ضعیف و غالی که از دروغسازان بصره بوده است.(3)

نکته

همین روایت در کمال الدین نیز با سندی متفاوت نقل شده است که سند آن عبارت است از:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْحَسَنِ بن أَحْمَدَ بن الْوَلِیدِ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ یَعْقُوبَ بن یَزِیدَ عَنْ مُحَمَّدِ بن أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبَانِ بن عُثْمَانَ عَنْ أَبَانِ بن تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ أَبو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:... .(4)

3-6-12. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِیدٍ ابن عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِیُّ بن الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بن خَالِدٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بن مَیْمُونٍ عَنِ الْحَسَنِ بن هَارُونَ بَیَّاعِ الْأَنْمَاطِ قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جَالِساً فَسَأَلَهُ الْمُعَلَّی بن خُنَیْسٍ أَیَسِیرُ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِخِلَافِ سِیرَهِ عَلِیٍّ علیه السلام فَقَالَ نَعَمْ وَ ذَاکَ أَنَّ عَلِیّاً سَارَ بِالْمَنِّ وَ الْکَفِّ لِأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّ شِیعَتَهُ

1- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص402.
2- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص335.
3- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص238.
4- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج2، ص671، ح21.

سَيُظْهَرُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ سَارَ فِيهِمْ بِالسَّيْفِ وَ السَّبْيِ وَ ذَلِکَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شِيعَتَهُ لَمْ يُظْهَرْ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدا؛(1)

حسن بن هارون نمدفروش گوید: نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که معلّی بن خنیس از آن حضرت پرسید: آیا وقتی امام قائم علیه السلام قیام نمود بر خلاف روش علی علیه السلام رفتار خواهد کرد؟ فرمود: آری، بدان جهت که علی با منّت گذاشتن و دست برداشتن (از مردم و مخالفین) رفتار می نمود برای اینکه می دانست پس از او پیروانش به زودی مغلوب دشمنان خواهند شد و اینکه قائم(عج) چون قیام کند در میان ایشان با شمشیر و اسیر ساختن رفتار خواهد کرد، زیرا او می داند که شیعه او پس از او هرگز مغلوب دشمنان نمی شوند.

بررسی روایت

در سند این روایت محمد بن خالد وجود دارد که مرحوم آیت الله خویی وی را به نظر نجاشی مهمل دانسته است(2)، همچنین حسن بن هارون نیز ناشناخته است. افزون بر اینها مضمون روایت نیز با روایتهای دیگری که سیره حضرت مهدی(عج) را همان سیره امیرالمومنین علیه السلام می داند، مخالف است؛ بنابراین نمی توان به آن اعتماد کرد.

3-6-13. أَحْمَدُ بن إِدْرِيسَ عَنْ عَلِيِّ بن الْفَضْلِ عَنْ أَحْمَدَ بن عُثْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بن رِزْقٍ عَنْ يَحْيَى بن الْعَلَاءِ الرَّازِيِ قَالَ: سَمِعْتُ ابا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: يُنْتِجُ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلًا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ يَسُوقُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ بَرَکَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَيُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ يُخْرِجُ

1- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص237، ب13، ح16.
2- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج 16، ص62.

الْأَرْضُ بَذْرَهَا وَ تَأْمَنُ وُحُوشُهَا وَ سِبَاعُهَا وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً وَ يَقْتُلُ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ: لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ ذُرِّيَّهِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله لَرَحِمَ؛(1)

خداوند متعال در این امت مردی را به وجود می آورد که او از من است و من از او می باشم. خداوند به سبب وی برکات آسمانها و زمین را به پیش می راند، سپس آسمان باران خود را فرو می فرستد و زمین ثمره خود را آشکار می کند و حیوانات نا اهلی و وحشی قابل اعتماد می شوند، وی زمین را پر از عدل و داد می کند همانطورکه از ظلم و جور پر شده است، وچنان می کشد که فرد جاهل می گوید: اگر این مرد از ذریه محمد بود قطعا رحم می کرد.

بررسی روایت

در سند روایت احمد بن عثمان وجود دارد که وی فردی ناشناخته است، خود این روایت نیز مجهول است زیرا یکی از روات آن(علی بن فضل) مجهول الحال(2) می باشد.

3-6-14 حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بن مُحَمَّدِ بن الْحَسَنِ بن حَازِمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَيْسُ بن هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن جَبَلَهَ عَنْ عَلِیِّ بن أَبِی الْمُغِيرَهِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بن شَرِيکٍ الْعَامِرِیُ عَنْ بِشْرِ بن غَالِبٍ الْأَسَدِیِّ قَالَ: قَالَ لِیَ الْحُسَيْنُ بن عَلِیٍّ علیه السلام يَا بِشْرُ مَا بَقَاءُ قُرَيْشٍ إِذَا قَدَّمَ الْقَائِمُ الْمَهْدِیُّ مِنْهُمْ خَمْسَمِائَهِ رَجُلٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْراً ثُمَّ قَدَّمَ خَمْسَمِائَهٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْراً ثُمَّ

1- طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، ص188، ح 149.
2- مجهول الحال: راوی که توثیق نشده است (محمدرضا، جدیدی نژاد معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص147).

خَمْسَمِائَهٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْراً. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: أَصْلَحَکَ اللَّهُ أَ يُبْلَغُونَ ذَلِکَ؟ فَقَالَ الْحُسَیْنُ بن عَلِیٍّ علیه السلام: إِنَّ مَوْلَی الْقَوْمِ مِنْهُمْ قَالَ فَقَالَ لِی بَشِیرُ بن غَالِبٍ أَخُو بِشْرِ بن غَالِبٍ: أَشْهَد أَنَّ الْحُسَیْنَ بن عَلِیٍّ علیه السلام عَدَّ عَلَی أَخِی سِتَّ عَدَّاتٍ أَوْ قَالَ سِتَّ عَدَدَاتٍ عَلَی اخْتِلَافِ الرِّوَایَهِ؛ (1)

بشر بن غالب اسدی گوید: حسین بن علی علیهما السلام به من فرمود: ای بشر، قریش را چه به جای می ماند هنگامی که قائم مهدی(عج) پانصد نفر از ایشان را پیش کشد و دست بسته گردن آنها را بزند، سپس پانصد نفر دیگر از ایشان را جملگی دست بسته گردنهایشان را بزند و دیگر بار پانصد نفر از آنان را دست بسته گردن بزند. راوی گوید: به آن حضرت عرض کردم: خداوند حال شما را اصلاح فرماید، آیا آنان بدان مقدار می رسند؟ پس حسین بن علی علیهما السلام فرمود: همانا هم پیمان و هم عقیده هر قوم جزئی از آنان محسوب می شود. راوی گوید: بشیر بن غالب برادر بشر بن غالب به من گفت: من گواهم که حسین بن علی علیهما السلام شش مرتبه برای برادرم بر شمرد- یا شش بار گفت- بر اساس اختلاف روایات.

بررسی روایت

در سند روایت قاسم بن محمد بن حسن بن حازم وجود دارد که وی فردی ناشناخته است و بشر بن غالب اسدی فردی است که ویژگی وی در کتب رجالی بیان نشده است و به اصطلاح حدیثی مجهول می باشد، مضمون روایات نیز با محکمات دینی و عقلی تطبیق نمی کند، به ویژه کشتن به شکل «صبراً» یعنی کشتن با بستن و در تنگنا قرار دادن مقتول.

1- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص240-241، ب13، ح23.

3-6-15. حَدَّثَنَا حَمْزَةُ بن يَعْلَى عَنْ مُحَمَّدِ بن الْفُضَيْلِ عَنِ الرِّبْعِيِّ عَنْ رُفَيْدٍ مَوْلَى أَبِي هُبَيْرَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام :جُعِلْتُ فِدَاکَ يَا ابن رَسُولِ اللَّهِ ! يَسِيرُ الْقَائِمُ بِسِيرَهِ عَلِيٍّ بن أَبِي طَالِبٍ فِي أَهْلِ السَّوَادِ؟ فَقَالَ: لَا، يَا رُفَيْدُ ! إِنَّ عَلِيَّ بن أَبِي طَالِبٍ سَارَ فِي أَهْلِ السَّوَادِ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَبْيَضِ وَ إِنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ فِي الْعَرَبِ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ مَا الْجَفْرُ الْأَحْمَرُ؟ قَالَ: فَأَمَرَّ إِصْبَعَهُ إِلَى حَلْقِهِ فَقَالَ: هَكَذَا، يَعْنِي الذَّبْحَ...؛(1)

رفید گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:یابن رسول الله، آیا قائم(عج) مطابق سیره علی بن ابی طالب علیه السلام با مردم سواد (عراق) عمل می کند؟ فرمود: نه ای رفید! همانا علی بن ابی طالب با اهل سواد مطابق آنچه در جفر ابیض بود عمل می نمود، ولی قائم(عج) با اعراب مطابق آنچه در جفر احمر هست عمل خواهد کرد. پرسیدم: فدایت شوم جفر احمر چیست؟ رفید گفت: حضرت انگشت خود را به حلق خود کشید و فرمود: این چنین، یعنی ذبح.

بررسی روایت

جناب رفید در کتاب های رجالی توثیق نشده است، همچنین محمد بن فضیل فردی ضعیف(2)و متهم به غلو است.(3)

در توضیح جفر ابیض و جفر احمر از امام صادق علیه السلام روایتی وارد شده است که بدان اشاره می کنیم:

1- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد صلی الله علیه و آله، تصحیح محسن بن عباسعلی کوچه باغی، چاپ دوم، قم، مکتبه آیهالله المرعشی النجفی، 1404ق، ص152، ب14، ح4.
2- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص343.
3- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج17، ص145، ش11546.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بن مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بن الْحَکَمِ عَنِ الْحُسَیْنِ بن أَبِی الْعَلَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ ابا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: إِنَّ عِنْدِی الْجَفْرَ الْأَبْیَضَ. قَالَ: قُلْتُ: فَأَیُّ شَیْ ءٍ فِیهِ؟ قَالَ: زَبُورُ دَاوُدَ وَ تَوْرَاهُ مُوسَی وَ إِنْجِیلُ عِیسَی وَ صُحُفُ إِبْرَاهِیمَ علیه السلام وَ الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ وَ مُصْحَفُ فَاطِمَهَ مَا أَزْعُمُ أَنَّ فِیهِ قُرْآناً وَ فِیهِ مَا یَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَیْنَا وَ لَا نَحْتَاجُ إِلَی أَحَدٍ حَتَّی فِیهِ الْجَلْدَهُ وَ نِصْفُ الْجَلْدَهِ وَ رُبُعُ الْجَلْدَهِ وَ أَرْشُ الْخَدْشِ وَ عِنْدِی الْجَفْرَ الْأَحْمَرَ. قَالَ: قُلْتُ: وَ أَیُّ شَیْ ءٍ فِی الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ؟ قَالَ: اَلسِّلَاحُ وَ ذَلِکَ إِنَّمَا یُفْتَحُ لِلدَّمِ یَفْتَحُهُ صَاحِبُ السَّیْفِ لِلْقَتْلِ. فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بن أَبِی یَعْفُورٍ: أَصْلَحَکَ اللَّهُ أَ یَعْرِفُ هَذَا بنو الْحَسَنِ؟ فَقَالَ: إِی وَ اللَّهِ کَمَا یَعْرِفُونَ اللَّیْلَ أَنَّهُ لَیْلٌ وَ النَّهَارَ أَنَّهُ نَهَارٌ وَ لَکِنَّهُمْ یَحْمِلُهُمُ الْحَسَدُ وَ طَلَبُ الدُّنْیَا عَلَی الْجُحُودِ وَ الْإِنْکَارِ وَ لَوْ طَلَبُوا الْحَقَّ بِالْحَقِّ لَکَانَ خَیْراً لَهُمْ؛(1).

حسین بن ابی العلا گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: همانا جفر سفید نزد من است. عرض کردم: در آن چیست؟ فرمود: زبور داود، تورات موسی، انجیل عیسی، صحف ابراهیم و حلال و حرام و مصحف فاطمه و معتقد نیستم که در مصحف چیزی از قرآن باشد؛ در آن است آنچه مردم به ما احتیاج دارند و ما به کسی احتیاج نداریم، حتی مجازات یک تازیانه و نصف تازیانه و یک چهارم تازیانه و جریمه خراش در آن هست. و جفر سرخ هم نزد من است. عرض کردم: در جفر سرخ چیست؟ فرمود: اسلحه است و آن تنها برای خونخواهی گشوده می شود و صاحب شمشیر (امام قائم(عج)) آن را برای کشتن باز می کند. ابن ابی یعفور به حضرتش عرض کرد: اصلحک الله. پسران حسن او را می شناسند؟ فرمود:

1- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج1، ص240، ح3.

آری، به خدا می شناسند؛ چنانکه روز و شب را می شناسند و تشخیص می دهند که این روز است و این شب، ولی حسد و دنیاطلبی ایشان را بر سرپیچی و انکار وامی دارد و اگر ایشان حق را از راه حق جویند، برایشان بهتر است.

3-6-16. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدٍ عَنِ ابن سِنَانٍ عَنْ رُفَيْدٍ مَوْلَى أَبِی هُبَيْرَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ لِی: يَا رُفَيْدُ! كَيْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ قَدْ ضَرَبُوا فَسَاطِيطَهُمْ فِی مَسْجِدِ الْكُوفَهِ ثُمَّ أَخْرَجَ الْمِثَالَ الْجَدِيدَ عَلَى الْعَرَبِ الشَّدِيدِ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا هُوَ؟ قَالَ: الذَّبْحُ. قَالَ: قُلْتُ: بِأَیِّ شَیْ ءٍ يَسِيرُ فِيهِمْ بِمَا سَارَ عَلِیُّ بن أَبِی طَالِبٍ فِی أَهْلِ السَّوَادِ؟ قَالَ: لَا يَا رُفَيْدُ! إِنَّ عَلِيّاً علیه السلام سَارَ بِمَا فِی الْجَفْرِ الْأَبْيَضِ وَ هُوَ الْكَفُّ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَظْهَرُ عَلَى شِيعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ بِمَا فِی الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ وَ هُوَ الذَّبْحُ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَظْهَرُ عَلَى شِيعَتِهِ؛(1)

رفید گوید که امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای رفید! چگونه هستی وقتی اصحاب قائم(عج) را مشاهده کنی که خیمه های خود را در مسجد کوفه برپا می دارند، سپس قائم (عج) برنامه ای جدید را که برای اعراب شدید است، ارائه می دهد. رفید گفت: پرسیدم: فدایت شوم، آن برنامه چیست؟ حضرت فرمود: کشتن، گفتم به چه روشی عمل خواهد کرد در مورد آنان، آیا همچون سیره علی در مورد مردم سواد عمل خواهد کرد؟ فرمود: خیر ای رفید! همانا علی بن ابی طالب با جفر ابیض که همان گذشت و کف از دشمن است، عمل می کرد، زیرا او می دانست که در آینده نزدیکی شیعیانش مغلوب دشمنان می شوند؛ اما قائم(عج) مطابق با جفر

1- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل صلی الله علیه و آله، ص155، ب14، 13.

احمر که همان کشتن است، عمل می کند، زیرا او می داند که شیعیانش شکست نخواهند خورد.

بررسی روایت

در سند رفید وجود دارد که شرح وی در حدیث پیشین گذشت. همچنین ابن سنان نیز مشترک(1) بین محمد و عبدالله است که محمد بن سنان در رجال نجاشی تضعیف شده است.(2)

17-6-3. عَنِ سَلامِ بن المُستَنیرِ عَن أَبی جَعفَرٍ علیه السلام فی قَولِه: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً- فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً»(3) قالَ: هُوَ الحُسَینُ بن عَلی علیه السلام قُتِلَ مَظلوماً وَ نحنُ أَولیاؤُهُ، وَ القائِمُ مِنّا إذا قامَ منّا طَلَبَ بِثارِ الحُسینِ، فَیَقتُلَ حتّی یُقالُ: قَد أسرَفَ فی القَتلِ، وَ قالَ:. . . المَقتولُ الحُسینُ علیه السلام و وَلیُّه القائِمُ، و الإسرافُ فی القَتلِ- أَن یَقتُلَ غَیرَ قاتِلِه؛(4)

از سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه بالا روایت است که فرمودند: همانا مقتول مظلوم حسین است و ما اولیاء وی هستیم و قائم(عج) که از ماست هنگامی که قیام کند خونخواهی حسین علیه السلام را خواهد نمود، پس چنان می کشد که گفته می شود در قتل و کشتار اسراف کرده است. . . همچنین فرمود: مقتول حسین است و ولی(خونخواه) وی قائم (عج) است و مراد از اسراف در قتل آن است که کسی غیر از قاتل او را می کشد.

1- مشترَک: حدیثی که یکی از رجال سند آن بین ثقه و غیر ثقه مشترک باشد. (کاظم، شانه چی، درایه الحدیث، ص76).
2- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص328.
3- اسراء(17)، 33.
4- عیاشی سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیرعیاشی، ج2، ص290، ح67.

بررسی روایت

راوی این حدیث سلام بن مستنیر می باشد که وی فردی است که در کتاب های رجالی توصیف و توثیق وی نیامده است، بنابراین به این حدیث نمی توان اعتماد کرد.

3-6-18. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بن إِدْرِیسَ عَنْ عَلِیِّ بن مُحَمَّدِ بن قُتَیْبَهَ عَنِ الْفَضْلِ بن شَاذَانَ عَنْ عَمْرِو بن عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بن عُذَافِرٍ عَنِ عُقْبَهَ بن یُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن شَرِیکٍ فِی حَدِیثٍ لَهُ اخْتَصَرْنَاهُ قَالَ: مَرَّ الْحُسَیْنُ علیه السلام عَلَی حَلْقَهٍ مِنْ بنی أُمَیَّهَ وَ هُمْ جُلُوسٌ فِی مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: أَمَا وَ اللَّهِ لَا تَذْهَبُ الدُّنْیَا حَتَّی یَبْعَثَ اللَّهُ مِنِّی رَجُلًا یَقْتُلُ مِنْکُمْ أَلْفاً وَ مَعَ الْأَلْفِ أَلْفاً وَ مَعَ الْأَلْفِ أَلْفاً. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَوْلَادُ کَذَا وَ کَذَا لَا یَبْلُغُونَ هَذَا فَقَالَ: وَیْحَکَ إِنَ فِی ذَلِکَ الزَّمَانِ یَکُونُ لِلرَّجُلِ مِنْ صُلْبِهِ کَذَا وَ کَذَا رَجُلًا وَ إِنَّ مَوْلَی الْقَوْمِ مِنْ أَنْفُسِهِم؛ (1).

عبدالله بن شریک گوید: امام حسین علیه السلام از کنار گروهی از بنی امیه که در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودند، گذشت، سپس فرمود: به خدا سوگند دنیا به پایان نمی رسد تا اینکه خداوند مردی که از من است را بر می انگیزد و از شما هزار و همرا ه هزار، هزار نفر و همچنین همراه هزار نفر، هزار نفر را می کشد، سپس گفتم: فدایت شوم همانا اینان فرزندان چنین و چنان به این تعداد نمی رسند، پس امام علیه السلام فرمود: وای بر تو، در آن زمان مرد از صلب وی چنین و چنان مرد است و همانا هم پیمان و هم عقیده هر قوم جزء آنان محسوب می شود.

1- طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، ص190، ح153.

بررسی روایت

در سند روایت عقبه بن یونس و عبیدالله بن شریک هر دو مجهول هستند و نامی از ایشان در کتاب های رجالی نیست.

3-6-19. عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بن مُحَمَّدٍ عَنِ ابن مَحْبُوبٍ عَنِ الْأَحْوَلِ عَنْ سَلَّامِ بن الْمُسْتَنِيرِ قَالَ: سَمِعْتُ ابا جَعْفَرٍ علیه السلام يُحَدِّثُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ بِحَقِيقَةٍ وَ إِلَّا ضَرَبَ عُنُقَهُ أَوْ يُؤَدِّيَ الْجِزْيَةَ كَمَا يُؤَدِّيهَا الْيَوْمَ أَهْلُ الذِّمَّةِ وَ يَشُدُّ عَلَى وَسَطِهِ الْهِمْيَانَ وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الْأَمْصَارِ إِلَى السَّوَاد؛(1)

سلام بن مستنیر گوید: شنیدم از امام باقر علیه السلام که می فرمود: هنگامی که حضرت قائم(عج) ظهور کند، ایمان را بر هر شخص ناصبی عرضه کنند. پس اگر از روی حقیقت ایمان آورد که هیچ، وگر نه گردنش را می زنند یا باید جزیه بپردازد چنانچه امروزه اهل ذمه (کافرانی که بر اساس شرایطی در پناه اسلام زندگی می کنند) آن را می پردازند، و همیانی به کمرشان می بندند و آنها را از شهرها بیرون کرده به روستاها می فرستند.

بررسی روایت

این روایت از سلام بن مستنیر نقل شده است و همانطورکه پیش از این اشاره شد وی فردی مجهول است؛ بنابراین، این روایت ضعیف است و نمی توان به آن اعتماد کرد.

3-6-20. حدّثنا الحسينُ بن أَحمدِ المالِكی، قالَ: حدّثنا محمَّدٌ بن عيسی، عَن يونسَ بن عَبدُ الرَّحمنِ، عَن سورهِ بن كَليب، عَن أَبی عَبدِ الله علیه السلام قالَ: ... فإِذا قامَ قائِمُنا سَقَطتِ التَّقيهُ وجَرَّدَ السَّيفُ،

1- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج8، ص227، ح288.

وَلَم یَأخُذ مِن النّاسِ ولَم یُعطِهم إلاّ بِالسَّیف؛(1)

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم(عج) قیام کند، تقیه باطل می شود و قائم(عج) شمشیرش را برهنه می کند و از مردم جز شمشیر نمی گیرد و به آنها جز شمشیر نمی دهد.

بررسی روایت

در سند روایت حسین بن احمد مالکی وجود دارد که وی فردی مجهول است و از مذهب وی اطلاعی در دست نیست.

پاسخی دیگر در نقد دیدگاه افراطی

اشاره

در پاسخ به وهابی ها و پیروان مکتب سقیفه که این روایات ضعیف را مستمسک قرار می دهند تا مردم را نسبت به حضرت مهدی(عج) بدبین نمایند، باید گفت چرا خود سری به پرونده خلفای سه گانه نمی زنند؟

حضرت مهدی (عج) برای اجرای عدالت، دنیا طلبان و زورمدارانی که تسلیم حق نمی شوند را از سر راه اسلام و مسلمانان برخواهد داشت؛ اما خلفای سه گانه برای رسیدن به چه هدفی مردم را قتل عام می کردند؟

در تاریخ 25 ساله حکومت خلفای سه گانه، کشتارهایی در کشورهای همسایه انجام شده است که در طول تاریخ بشریت سابقه نداشته است. اکنون به چند نمونه از این کشتارها اشاره می کنیم:

الف)جنگ ذات العیون(سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر)

1. خالد بن ولید، همان کسی که اهل سنت از او با عنوان «سیف الله» یاد می کنند و دست راست خلیفه اول به شمار می آمد، در نبرد فتح الانبار، به

1- ابن جحام، محمد بن عباس بزاز، تأويل ما نزل من القرآن الكريم فى النبى وآله، ص288، ح301.

تیر اندازان خود دستور داد که چشمان مردم را هدف بگیرند. آنان نیز در آن روز هزار نفر را کور کردند؛ تا آنجاکه این جنگ به «ذات العیون» معروف گشت.

قَدِمَ خَالِدٌ عَلَى الْمُقَدِّمَهِ، فَأَطَافَ بِالْخَنْدَقِ وَأَنْشَبَ الْقِتَالَ، وَكَانَ قَلِيلَ الصَّبْرِ عَنْهُ إِذَا رَآهُ أَوْ سَمِعَ بِهِ، وَتَقَدَّمَ إِلَى رُمَاتِهِ فَأَوْصَاهُمْ، وَقَالَ: إِنِّى أَرَى أَقْوَامًا لاَ عِلْمَ لَهُمْ بِالْحَرْبِ، فَارْمُوا عُيُونَهُمْ وَلا تَوَخُّوا غَيْرَهَا، فَرَمَوْا رَشْقًا وَاحِدًا ثُمَّ تَابَعُوا فَفُقِئَ أَلْفُ عَيْنٍ يَوْمَئِذٍ، فَسُمِّيَتْ تِلْكَ الْوَقْعَهُ ذَاتَ الْعُيُونِ، وَتَصَايَحَ الْقَوْمُ: ذَهَبَتْ عُيُونُ أَهْلِ الأَنْبَارِ؛(1)

خالد، پیشاپیش لشکر آمد. اطراف خندق می چرخید و آتش جنگ را شعله ور می کرد. او هر وقت جنگی را می دید و یا می شنید، بسیار کم طاقت می شد، پیش تیراندازان رفت و به آن ها این چنین سفارش کرد: من می بینم که این مردم جنگیدن نمی دانند؛ پس چشمان آن ها را هدف تیر قرار دهید و جای دیگر هدر ندهید؛ سپس خودش یک تیر رها کرد و تیراندازان به دنبال او هزار چشم را در این روز هدف قرار دادند؛ از این رو، این روز به «ذات العیون» نام گرفت، مردم فریاد می زدند که چشمان مردم انبار کور شد.

2. ابن اثیر در الکامل فی التاریخ می نویسد:

ذِكْرُ فَتْحِ الأَنْبَارِ: ثُمَّ سَارَ خَالِدٌ على تَعْبِيَتِهِ إلى الأنبار، وأنما سمى الأنبار لأن أهراء الطعام كانت بها أنابير، وعلى مقدمتِه الأقرع بن حابس. فلما بَلَغَها أطاف بها، وأنْشَبَ القتالَ، وكان قليلُ الصبرِ عنه وتَقَدَّم إلى رُمَاتِهِ أن يَقْصُدُوا عُيونَهُم فَرَمَوْا رَشْقًا وَاحِدًا،

1- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسل والملوک(تاریخ الطبری)، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1407ق، ج2، ص323.

ثم تابعوا فأصابُوا ألفَ عينٍ، فَسُمِّيَتْ تِلْكَ الْوَقْعَهُ ذَاتَ الْعُيُونِ؛(1)

وقتی که شهر انبار فتح شد، خالد مأمور سر و سامان دادن به آن شهر شد (این شهر به آن دلیل انبار نامیده می شد که محل ذخیره مواد غذایی بود). پیشاپیش لشکریان وی شخصی به نام اقرع بن حابس بود که به محض رسیدن به شهر، اطراف آن را محاصره کرد و آتش جنگ را شعله ور ساخت. او مردی کم صبر بود، تیر اندازان را جلوی لشکر گذاشت و دستور داد تا چشم های مردم را هدف بگیرند و خود او نیز اولین تیر را رها کرد و لشکریان به دنبال او، چشم های مردم را هدف قرار دادند که به هزار چشم برخورد کرد؛ از این رو، این نبرد «ذات العیون» نام گرفت.

3. شهاب الدین نویری در نهایه الأرب فی فنون الأدب می نویسد:

ذکر فتح الأنبار:قال: ثم سار خالد إلى الأنبار، وإنما سميت الأنبار، لأن أهراء الطعام كانت بها أنابير، وكان على من بها من الجند شيرزاد صاحب ساباط، فلما التقوا أمر خالد رامته برشق السهام، وأن يقصدوا عيونهم، فرشقوا رشقاً واحداً، ثم تابعوا، فأصابوا ألف عين، فسميت هذه الواقعه ذات العيون؛(2)

داستان فتح الأنبار: سپس خالد به سوی الأنبار حرکت کرد، این شهر از آن رو انبار نامیده شده که محل نگهداری مواد غذایی بوده است، نگهبانان این شهر از لشکر شیرزاد صاحب ساباط بوده است.

1- جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، تحقیق عبد الله القاضی، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1415ق، ج2، ص245.
2- نویری، شهاب الدین أحمد بن عبد الوهاب، نهایه الأرب فی فنون الأدب، تحقیق مفید قمحیه وجماعه، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1424ق، ج19، ص70.

هنگامی که با خالد روبه رو شدند، خالد دستور داد که آن ها به سوی آنان تیراندازی کنند و چشمان آن ها را هدف بگیرند، نخست خودش تیری پرتاب کرد و لشکریان نیز از او پیروی کردند؛ پس تیرهای آنان به هزار چشم برخوردکرد، به همین دلیل، این نبرد را «ذات العیون» نامیده اند.

4. ابن کثیر در البدایه و النهایه می گوید:

فتح خالد للأنبار، وتسمی هذه الغزوات ذات العیون رکب خالد فی جیوشه فسار حتی انتهی إلی الأنبار وعلیها رجل من أعقل الفرس وأسودهم فی أنفسهم، یقال له شیرزاذ، فأحاط بها خالد وعلیها خندق وحوله أعراب من قومهم علی دینهم، واجتمع معهم أهل أرضهم، فمانعوا خالدا أن یصل إلی الخندق فضرب معهم رأسا، ولما تواجه الفریقان أمر خالد أصحابه فرشقوهم بالنبال حتی فقأوا منهم ألف عین، فتصایح الناس، ذهبت عیون أهل الأنبار، وسمیت هذه الغزوه ذات العیون؛(1)

خالد، شهر انبار را فتح کرد و این جنگ ها «ذات العیون» نامیده شد. خالد سوار بر مرکب خود به انتهای شهر رفت و مردی از عاقل های فارس به نام «شیرزاد» همراه او بود. خالد شهر را محاصره کرد؛ ولی مردم در اطراف شهر خندق ایجاد کرده بودند. عده ای از مردان عرب زبان، اطراف خندق جمع شده بودند که به همراه صاحبان زمین ها مانع از نفوذ لشکر به داخل شهر شدند. خالد دستور داد سر یک نفر از آنان را جدا کنند. سپس فرمان داد که با تیر مردم را هدف قرار دهند تا این که چشم هزاران نفر از آنان

1- ابن کثیر الدمشقی، إسماعیل بن عمر ابوالفداء القرشی، البدایه والنهایه، بیروت، مکتبه المعارف، بی تا، ج6، ص 349.

کور شود. فریاد و ناله مردم سراسر آن جا را فرا گرفت که چشم های مردمان کور شد. بنابراین، این جنگ را «ذات العیون» نامیدند.

تذکر

اکنون جا دارد که از برادران اهل سنت بپرسیم: خداوند در کجای قرآن گفته است که اگر کسی اسلام را قبول نکرد، چشمانش را کور کنید؟! آیا چنین کارهایی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله سابقه داشت یا از بدعت های خلیفه دوم بوده است؟

ب)کشتار هفتاد هزار نفر برای یک قسم (سال دوازده ه.ق، زمان خلیفه اول ابوبکر)

ابن اثیر جزری این مطلب را نقل کرده که خالد قسم خورد اگر به مشرکین دست پیدا کند، جوی خون راه بیندازد، به این ترتیب فقط برای یک قسم هفتاد هزار نفر را کشت:

واقتتلوا قتالا شدیدا والمشرکون یزیدهم کلبا وثبوتا توقعهم قدوم بهمن جاذویه فصابروا المسلمین فقال خالد: اللهم إن هزمتهم فعلی أن لا أستبقی منهم من أقدر علیه حتی أجری من دمائهم نهرهم فانهزمت فارس فنادی منادي خالد الأسراء الأسراء إلا من امتنع فاقتلوه فأقبل بهم المسلمون أسراء ووکل بهم من یضرب أعناقهم یوما ولیله. فقال له القعقاع وغیره لو قتلت أهل الأرض لم تجر دماؤهم فأرسل علیها الماء تبر یمینک ففعل وسمی نهر الدم... وبلغ عدد القتلی سبعین ألفا؛(1)

1- جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج2، ص242.

جنگ شدیدی درگرفت، مشرکین ایستادگی و پایداری می کردند و منتظر آمدن بهمن جاذویه بودند، مسلمانان نیز مقاومت کردند؛ پس خالد گفت: خدایا اگر آن ها را شکست دادم، سوگند یاد می کنم هیچ یک از کسانی را که به آن ها دست یافتم باقی نگذارم؛ مگر اینکه رود خون به راه بیندازم. اهالی فارس شکست خوردند، شخصی از مأموران خالد فریاد می زد: اسراء را بگیرید و هرکس مقاومت کرد، بکشید؛ پس مسلمانان آن ها را اسیر کردند و افرادی را مأمور کردند که شبانه روز گردن آن ها را بزنند. قعقاع و دیگران به خالد گفتند: اگر تمام مردم روی زمین را نیز بکشی، جوی خون راه نخواهد افتاد، آب را بر خون ها جاری کنید، تا از دست سوگندی که یاد کرده اید، آزاد شوید؛ خالد همین کار را کرد و نام آن رود را «رود خون» گذاشت. در این روز تعداد کشته شدگان به هفتاد هزار نفر می رسید.

پ) کشتار سی هزار نفر در یک روز (سال 12 هجری قمری، زمان خلیفه اول ابوبکر)

ذکر وقعه الثنی: لما وصل کتاب هرمز إلی أردشیر بخبر خالد أمده بقارن بن قریانس فخرج قارن من المدائن ممد الهرمز فلما انتهی إلی المذار لقیته المنهزمون فاجتمعوا ورجعوا ومعهم قباذ وأنوشجان ونزلوا الثنی وهو النهر وسار إلیهم خالد فلقیهم واقتتلوا فبرز قارن فقتله معقل بن الأعشی بن النباش وقتل عاصم أنوشجان وقتل عدی بن حاتم قباذ وکان شرف قارن قد انتهی ولم یقاتل المسلمون بعده أحدا انتهی شرفه فی الأعاجم وقتل من الفرس مقتله عظیمه یبلغون ثلاثین ألفا سوی من غرق ومنعت المیاه المسلمین من

طلبهم؛[1]

جنگ ثنی: وقتی نامه هرمز به اردشیر رسید و خبر خالد را برای او آورد، به قارن بن قریانس دستور داد که از مدائن به کمک هرمز برود. وقتی که به مذار رسید، شکست خوردگان به او رسیدند و همگی با هم جمع شدند و دوباره بازگشتند و در میان آنان قباد و انوشجان نیز بودند و در ثنی منزل گزیدند که نام نهری بود. خالد به سمت آنان رفت و جنگ کردند. قارن به جنگ آمد اما معقل بن اعشی بن نباش او را کشت؛ عاصم نیز انوشجان را کشت و عدی بن حاتم قباد را. و از ایرانیان گروه بسیاری کشته شدند که به سی هزار نفر می رسیدند! جدا از کسانی که در رود غرق شدند و آب مانع آن شد که مسلمانان بقیه ایرانیان را بگیرند!

ت) کشتار یک صد هزار نفر را در یک روز (سال سیزده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر)

ابن اثیر درباره جنگ های خلیفه دوم با ایرانیان می نویسد:

فما کانت بین المسلمین والفرس وقعه أبقی رمه منها بقیت عظام القتلی دهرا طویلا وکانوا یحزرون القتلی مائه ألف؛[2]

هیچ جنگی بین مسلمانان و ایرانیان نبود که پس از آن جنازه ها مانند این جنگ بر جای بماند؛ استخوان کشته ها مدتی طولانی باقی ماند و کشته ها را یکصد هزار نفر می دانستند!

د)کشتار چهل هزار نفر، در یک روز (سال 14، زمان خلیفه دوم عمر)

1. طبری در تاریخ خود می نویسد:

فأما المقترنون فإنهم جشعوا فتهافتوا فی العتیق فوخزهم المسلمون

1- جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج2، ص240.

2- جزری، عزالدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج2، ص290.

برماحهم فما أفلت منهم مخبر وهم ثلاثون ألفا وأخذ ضرار بن الخطاب درفش كابيان... وقتلوا فی المعرکه عشره آلاف سوی من قتلوا فی الأيام قبله؛[1]

اما لشکر احتیاط، آنها فرار کرده و به صورت نامنظم در بیابان به راه افتادند؛ مسلمانان آنان را تیرباران کردند؛ به صورتی که حتی یک نفر از آنان زنده نماند وآنان سی هزار نفر بودند! پس از این ضرار بن خطاب پرچم کاویان را برداشت... و در جنگ ده هزار نفر کشته شد؛ جدا از کسانی که در روزهای بعد کشته شدند!

2. ابن خلدون در مقدمه خود می نویسد:

فانهزم قلب المشرکین وقام الجالنوس علی الردم ونادی الفرس إلی العبور وتهافت المقترنون بالسلاسل فی العتیق وکانوا ثلاثین فهلکوا وأخذ ضرار بن الخطاب رایه الفرس العظیمه وهی درفش کابیان فعوض منها ثلاثین ألفا وکانت قیمتها ألف ألف ومائه ألف ألف وقتل ذلک الیوم من الأعاجم عشره آلاف فی المعرکه وقتل من المشرکین فی ذلک الیوم سته آلاف دفنوا بالخندق سوی ألفین وخمسمائه قتلوا لیله الهریر وجمع من الأسلاب والأموال ما لم یجمع قبله ولا بعده مثله؛[2]

قلب مشرکان شکست خورد، جالنوس بر بالای دیوار خرابه ای ایستاد و فریاد زد که فارس ها عبور کنند. لشکر احتیاط به صورت منظم و زنجیروار در بیابان به راه افتادند، آنان در آن روز سی هزار

1- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسل والملوک(تاریخ الطبری)، ج2، ص 242.
2- ابن خلدون الحضرمی، عبدالرحمن بن محمد، ، مقدمه ابن خلدون، چاپ پنجم، بیروت، دارالقلم، 1984م، ج2، ص535.

نفر بودند؛ پس همگی هلاک شدند. ضرار بن خطاب پرچم فارس ها را که پرچم بزرگ کابیان بود، برداشت... در این روز ده هزار نفر از فارس ها در میدان جنگ کشته شدند. شش هزار نفر از مشرکانی که این روز کشته شده بودند را داخل گودالی دفن کردند؛ غیر از دوهزار و پانصد نفری که در شب هریر کشته شده بودند. مال و اموال غارت شده در این جنگ به اندازه ای جمع شده بود که نه پیش از آن سابقه داشت و نه پس از آن جمع شد.

ذ) جنگ برای آب و غذا و غنیمت (سال چهارده ه.ق، زمان خلیفه دوم عمر)

شمس الدین ذهبی در سیر أعلام النبلاء می نویسد:

لما کان یوم القادسیه ذهب المغیره بن شعبه فی عشره إلي صاحب فارس فقال: إنا قوم مجوس وإنا نکره قتلکم لأنکم تنجسون علینا أرضنا. فقال: إنا کنا نعبد الحجاره حتی بعث الله إلینا رسولا فاتبعناه ولم نجیء لطعام بل أمرنا بقتال عدونا فجئنا لنقتل مقاتلتکم ونسبی ذراریکم وأما ما ذکرت من الطعام فما نجد ما نشبع منه فجئنا فوجدنا فی أرضکم طعاما کثیرا وماء فلا نبرح حتی یکون لنا ولکم فقال العلج: صدق. قال وأنت تفقأ عینک غدا ففقئت عینه بسهم؛(1)

زمانی که روز جنگ قادسیه شد مغیره بن شعبه (فرمانده مسلمانان) به سوی فرمانده سپاه فارس رفت، فرمانده سپاه فارس به او گفت: ما قومی مجوس هستیم و دوست نداریم با شما بجنگیم، شما سرزمین ما را (با آمدنتان) نجس کرده اید. مغیره به اوگفت: ما قومی بودیم که سنگ می پرستیدیم تا اینکه خداوند برای ما پیامبرش را فرستاد و ما از ایشان پیروی کردیم و آیین آن پیامبر را پذیرفتیم، و برای غذا هم به سرزمین شما نیامدیم؛ بلکه به ما دستور

1- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، ج3، ص32.

داده شده بود که با دشمنمان بجنگیم؛ پس به هدف جنگ با شما و اسیر کردن فرزندانتان به این دیار آمدیم؛ اما آنچه در مورد غذا گفتم: ما (در سرزمین خودمان) چیزی نیافتیم که سیرمان کند، وقتی به سرزمین شما آمدیم در این سرزمین آب و غذای فراوانی پیدا کردیم؛ بنابراین از این جا نمی رویم تا اینکه این مواد غذایی بین ما و شما تقسیم شود. علج گفت: راست می گوید.

و) فتح همدان و کشته های بی شمار (سال 27ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان)

طبری در تاریخ خود می نویسد:

وحدثنی ربیعه بن عثمان أن فتح همذان کان فی جمادی الأولی علی رأس سته أشهر من مقتل عمر بن الخطاب وکان أمیرها المغیره بن شعبه قال: ویقال کان فتح الری قبل وفاه عمر بسنتین ویقال قتل عمر وجیوشه علیها (رجع الحدیث إلی حدیث سیف) قال فبینما نعیم فی مدینه همذان فی توطئتها فی اثنی عشر ألفا من الجند تکاتب الدیلم وأهل الری وأهل أذربیجان ثم خرج موتا فی الدیلم حتی ینزل بواج روذ وأقبل الزینبی ابو الفرخان فی أهل الری حتی انضم إلیه وأقبل إسفندیاذ أخو رستم فی أهل أذربیجان حتی انضم إلیه وتحصن أمراء مسالح دستبی وبعثوا إلی نعیم بالخبر فاستخلف یزید بن قیس وخرج إلیهم فی الناس حتی نزل علیهم بواج الروذ فاقتتلوا بها قتالا شدیدا وکانت وقعه عظیمه تعدل نهاوند ولم تکن دونها وقتل من القوم مقتله عظیمه لا یحصون ولا تقصر ملحمتهم من الملاحم الکبار؛(1)

1- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسل والملوک(تاریخ الطبری)، ج2، ص536.

ربیعه بن عثمان برایم نقل کرد که جنگ همدان در جمادی الأولی و شش ماه گذشته از کشته شدن عمر، اتفاق افتاد. فرمانده این جنگ مغیره بن شعبه بود. برخی گفته اند که فتح ری، دو سال پیش از کشته شدن عمر بوده و زمانی که عمر کشته شده، نیروهایش در آن جا ساکن بوده اند. سیف گفته است وقتی ما در همدان بودیم، مقدمه لشکر ایران دوازده هزار نفر بودند که به اهل دیلم و ری و آذربایجان نامه نوشتند، سپس همگی آماده برای جنگ به دیلم آمدند تا به واجرود رسیدند. زینبی با اهل ری و اسفندیار برادر رستم نیز با اهل آذربایجان به کمک او آمدند. امرای لشکر عمر در قلعه گرد آمده، به نعیم خبر فرستادند. او یزید بن قیس را جانشین خود کرد و خود به سمت ایرانیان به راه افتاد تا به واجرود رسید و در آن جا جنگ شدیدی کردند که مانند جنگ نهاوند بود. از ایرانیان گروهی بسیاری که قابل شمارش نبود، کشته شد و جنگ با آنان از جنگهای بزرگ چیزی کم نداشت!

ه) پول بدهید، از شهرتان خارج می شویم (سال 27ه. ق، زمان خلیفه سوم عثمان)

عبد الرحمن قرشی می نویسد:

وهرب جیش جرجیر فبث عبد الله بن سعد السرایا وفرقها فأصابوا غنائم کثیره فلما رأی ذلک رؤساء أهل أفریقیه طلبوا إلی عبد الله بن سعد أن یأخذ منهم مالا علی أن یخرج من بلادهم فقبل منهم ذلک ورجع إلی مصر ولم یول علیهم أحدا ولم یتخذ بها قیروانا؛(1)

لشکریان جرجیر فرار کردند. عبدالله بن سعد لشکریان او را شکست

1- قرشی المصری، ابو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله عبدالحکم بن أعین، فتوح مصر وأخبارها، تحقیق محمد الحجیری، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، 1416ق، ج1، ص312.

داد و آنها را متفرق نمود. آنان به غنائم زیادی دست پیدا نمودند، رؤسای اهل آفریقا وقتی با چنین صحنه ای روبه رو شدند، از عبدالله بن سعد درخواست کردند که در مقابل دریافت مالی از آنها از سرزمین آنها خارج شود، عبدالله این پیشنهاد را پذیرفت و (پس از گرفتن پول) به مصر بازگشت و هیچ کسی را به عنوان خلیفه برای آنها مشخص نکرد و از ایشان سوارکار (برای جنگ) نگرفت.

ی) جنگ گرگان، همه را کشتند، جز یک نفر (سال سی ه.ق، زمان خلیفه سوم عثمان)

در این جنگ هم جنایت بزرگی اتفاق افتاد. غیر مسلمانان، از فرمانده به ظاهر مسلمان درخواست کردند که ما درهای شهر را بر روی شما می گشاییم، به شرطی که حتی یک نفر از ما کشته نشود؛ اما لشکریان خلیفه همه را جز یک نفر کشتند و گفتند ما گفته بودیم که یک نفر از شما را نمی کشیم.

محمد بن جریر طبری در تاریخ خود می نویسد:

فأتی جرجان فصالحوه علی مائتی ألف ثم أتی طمیسه وهی کلها من طبرستان متاخمه جرجان وهی مدینه علی ساحل البحر فقاتله أهلها فصلی صلاه الخوف أعلمه حذیفه کیفیتها وهم یقتتلون وضرب سعید یومئذ رجلا بالسیف علی حبل عاتقه فخرج السیف من تحت مرفقه وحاصرهم فسألوا الأمان فأعطاهم علی أن لا یقتل منهم رجلا واحدا ففتحوا الحصن فقتلوا أجمعین إلا رجلا واحدا ففتحوا الحصن وحوی ما فی الحصن؛[1]

1- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسل والملوک(تاریخ الطبری)، ج2، ص323.

به گرگان وارد شدند و با گرفتن دویست هزار دینار با آنان مصالحه کردند. سپس به اطراف طمیسه که شهری در کنار ساحل دریا و بعد از گرگان واقع و جزو مازندران بود، رفتند. با مردم آن جا جنگ کردند. نماز خوف که حذیفه که کیفیت خواندن آن را می دانست، خوانده شد و با آنان نیز به مقابله برخاستند و سعید با شمشیر بر سر مردم کوبید که از زیر بغل او درآمد و آنان را محاصره کردند. آنان درخواست امان کردند، به آنان این امان داده شد تا کسی از آنان را نکشند و لذا قلعه را باز کردند؛ ولی آنان همه را کشتند به جز یک مرد. سپس در قلعه را گشودند و آن چه که در قلعه بود غارت کردند.

4. یک شبهه و پاسخ به آن

برخی ادعا کرده اند امام زمانِ ساخته امامیه با امام زمان راستین متفاوت است به طوریکه مهدی راستین، یاران پیامبر را گرامی می دارد، ایشان دعای خیر می کند و امهات المؤمنین را نیز دوست دارد و از آنها به نیکی یاد می کند؛ اما امام زمان ساخته روحانیت امامیه نه اینکه بر یاران رسول بغض می ورزند بلکه پیکرهای آنها را از قبرهایشان بیرون می آورد، آتش می زند. او حتی امهات المؤمنین را قصاص می کند و عایشه را حد می زند. این شبهه افکن مقصود خود از یاران رسول را شرح می دهد و می گوید: دو یار و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی ابوبکر و عمر را از قبرهایشان بیرون می آورد و از همه ستم هایی که در دنیا، پیش و پس از آن ها رخ داده است، از ابوبکر و عمر انتقام می گیرد؛ از انتقام قتل هابیل و قابیل گرفته تا گناه برادران یوسف که او را به چاه انداختند و ظلم نمرود که ابراهیم علیه السلام را به آتش انداخت و حتی انتقام گناه آتش پرستان را نیز از آن دو می گیرد.

پاسخ

ادعای این شبهه افکنان بر دو بخش است:

1. امام زمان شیعه از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله انتقام می گیرد و پیکرهای آنها را آتش می زند.

2. بر عایشه ام المؤمنین تازیانه می زند.

1. ابتدا به بررسی بخش اول یعنی انتقام گرفتن وآتش زدن پیکر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله می پردازیم. مستندات این ادعا چند روایت ضعیف و غیرقابل اعتماد است. همچنین روایات زیاد و متواتری که دلالت دارد حضرت مهدی به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می کند و خلق و خوی او همانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله از رحمت و عطوفت نسبت به بندگان خدا سرشار است، با این روایت صغیف تعارض و مخالفت کامل دارد که در این جا به بررسی و نقد این روایات می پردازیم تا حقیقت امر مشخص شود.

1-1. رُوِیَ فِی بَعْضِ مُؤَلَّفَاتِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحُسَیْنِ بن حَمْدَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بن إِسْمَاعِیلَ وَ عَلِیِّ بن عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِیِّ عَنْ أَبِی شُعَیْبٍ وَ مُحَمَّدِ بن نُصَیْرٍ عَنْ عَمْرِو(عُمر)بن الْفُرَاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بن الْمُفَضَّلِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بن عُمَرَ (عن ابی عبدالله):. . . كُلَّ رَيْنٍ وَ خُبْثٍ وَ فَاحِشَةٍ وَ إِثْمٍ وَ ظُلْمٍ وَ جَوْرٍ وَ غَشْمٍ مُنْذُ عَهْدِ آدَمَ علیه السلام إِلَی وَقْتِ قِيَامِ قَائِمِنَا علیه السلام كُلُّ ذَلِكَ يُعَدِّدُهُ علیه السلام عَلَيْهِمَا وَ يُلْزِمُهُمَا إِيَّاهُ فَيَعْتَرِفَانِ بِهِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِمَا فَيُقْتَصُّ مِنْهُمَا فِی ذَلِكَ الْوَقْتِ بِمَظَالِمِ مَنْ حَضَرَ ثُمَّ يَصْلِبُهُمَا عَلَى الشَّجَرَةِ وَ يَأْمُرُ نَاراً تَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ فَتُحْرِقُهُمَا... لَيَقْتَصَّنَّ مِنْهُمَا لِجَمِيعِهِمْ حَتَّى إِنَّهُمَا لَيُقْتَلَانِ فِی كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ

قَتْلَه؛(1)

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت مهدی پس از بیرون آوردن جنازه های ابوبکر و عمر از قبر و به دار آویختن آنها دستور می دهد آنها را با آتشی که از زمین بیرون می آید بسوزانند؛ سپس باد سیاهی می وزد و خاکستر آنها به دریا ریخته می شود و این کار در هرروز و هرشب هزار مرتبه تکرار می شود و نیز تمام گناهان خلایق از ابتدای عالم تا روز قیام مهدی به حساب ابوبکر و عمر می باشد و آنها باید عذاب همگی را تحمل کنند.

بررسی روایت

در سند روایت است که علامه مجلسی این روایت را از کتاب یکی از اصحاب نقل می کند که نام وی معلوم نیست. همچنین در سند روایت مفضل بن عمر وجود دارد که وی هم مدح شده و هم مورد طعن قرار گرفته است؛ شیخ مفید درباره وی گفته است: او از شیوخ اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهای صالح می باشد(2)، ولی نجاشی درباره وی گفته است که او فردی فاسدالمذهب و مضطرب الروایه می باشد؛(3) اما بر اساس قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم است. اما در مورد دیگر راوی این روایت محمد بن نصیر شیخ طوسی در مورد وی آورده است: محمد بن نصیر مدعی رسالت و نبوت شد و به تناسخ و مدعی ربوبیت امام هادی علیه السلام قائل بود، و نکاح

1- محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج 53، ص14، ب28.
2- مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج2، ص216.
3- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص416.

با محارم و همجنس بازی مردها را حلال می دانست.(1) عمر بن فرات نیز فردی غالی است(2)، حسین بن حمدان نیز فردی بسیار ضعیف و فاسدالمذهب می باشد(3)، همچنین علی بن عبدالله حسنی فردی مجهول است، بنابراین در بی اعتباری این روایت و ضعف سندی آن هیچ شکی نیست و این روایت به هیچ وجه قابل قبول و اعتماد نیست.

1-2. وَ بِإِسْنَادِهِ إِلَى بَشِيرٍالنَّبَّالِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: هَلْ تَدْرِی أَوَّلَ مَا يَبْدَأُ بِهِ الْقَائِمُ علیه السلام ؟قُلْتُ: لَا. قَالَ: يُخْرِجُ هَذَيْنِ رَطْبَيْنِ غَضَّيْنِ فَيُحْرِقُهُمَا وَ يُذْرِيهِمَا فِی الرِّيحِ وَ يَكْسِرُ الْمَسْجِدَ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: عَرِيشٌ كَعَرِيشِ مُوسَى علیه السلام وَ ذَكَرَ أَنَّ مُقَدَّمَ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَ طِيناً وَ جَانِبُهُ جَرِيدَ النَّخْلِ.(4)

بررسی روایت

بشیر نبال که راوی این حدیث است توثیق نشده و علامه حلی درباره وی گفته است: من در روایت او متوقف هستم.(5)

1-3. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن أَحْمَدَ الشَّيْبَانِیُ(السنانی)رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِیُّ عَنْ سَهْلِ بن زِيَادٍ الْآدَمِیِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بن عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بن عَلِیِّ بن مُوسَى علیه السلام إِنِّی لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الَّذِی يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً فَقَال:... الْقَائِمَ الَّذِی يُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ

1- طوسی، محمد بن حسن، غیبت طوسی، ص398.
2- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص362.
3- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص217.
4- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج52، ص386.
5- حسن بن یوسف، حلی، خلاصه الاقوال(رجال)، ص25.

جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ يَمْلَؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطاً هُوَ الَّذِى تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلَادَتُهُ وَ يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُه...خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَل... فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِينَةَ أَخْرَجَ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى فَأَحْرَقَهُمَا؛(1)

عبدالعظیم حسنی به امام رضا علیه السلام می گوید: من امیدوارم تو همان قائم از اهل بیت محمد باشی که زمین را پس از اینکه پر از ظلم و جور شده است، از عدالت پر می کند. حضرت در جواب او فرمود: آن قائمی که زمین را از عدالت پر می کند، ولادت او مخفی است و سپس غایب می شود و ... هنگامی که ظاهر می شود... و وارد مدینه می گردد "لات" و "عزی" را می سوزاند. (روشن است که مراد از لات و عزی همان ابوبکر و عمر هستند)

نکته

دلیل بر اینکه همانا مراد از لات و عزی، ابوبکر و عمر هستند روایتی از بحار است که به بیان آن می پردازیم:

«عَن عَبدِ العَظیمِ مثله بیان یعنی بِاللات و العُزّی صَنَمَی قُرَیش ابا بَکر وَ عُمَر».(2)

بررسی روایت

در سند روایت محمد بن احمد سنانی وجود دارد که وی فردی مجهول است. همچنین محمد بن ابی عبدالله -که به نظر مرحوم آیت الله خویی همان محمد بن جعفر اسدی است-(3) شخصی است که به گفته نجاشی از ضعفا نقل

1- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج2، ص377-378، ح2.
2- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج52، ص284.
3- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج14، ص271.

کرده و به جبر و تشبیه قائل است.(1)

1-4. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن إِبْرَاهِيمَ بن إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن مَابُنْدَاذَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن هِلَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بن أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بن عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بن مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ علیه السلام عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَمَّا أُسْرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ أَوْحَی إِلَیَّ رَبِّی جَلَّ جَلَالُه... هَذَا الْقَائِمُ الَّذِی یُحَلِّلُ حَلَالِی وَ یُحَرِّمُ حَرَامِی وَ بِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِی... فَیُخْرِجُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّی طَرِیَّیْنِ فَیُحْرِقُهُمَا؛(2)

مفضل از امام صادق صلی الله علیه و آله از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است: هنگامی که به معراج برده شدم، خداوند به من مسائلی را وحی کرد... و از جمله اینکه: این قائم همان است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می کند و به دست او از دشمنان خود انتقام می گیرم... سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه "لات" و "عزی" را درحالی که تر و تازه هستند، خارج نموده و آنان را می سوزاند.

بررسی روایت

در سند روایت احمد بن هلال وجود دارد که شخصی غالی و متهم در دین شمرده می شود(3)، همچنین علامه حلی(4) و نجاشی درباره وی گفته اند: مذمت هایی درباره او از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است.(5)

1- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص373.
2- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج1، ص252-253، ح2.
3- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص83.
4- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص202.
5- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص83.

1-5. وَ بِإِسْنَادِهِ(الغیبه سید علی بن عبدالحمید) عَنْ إِسْحَاقَ بن عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَال:... ثُمَّ یُخْرِجُهُمَا غَضَّیْنِ رَطْبَیْنِ فَیَلْعَنُهُمَا وَ یَتَبَرَّأُ مِنْهُمَا وَ یَصْلِبُهُمَا ثُمَّ یُنْزِلُهُمَا وَ یُحْرِقُهُمَا ثُمَّ یُذْرِیهِمَا فِی الرِّیحِ؛(1)

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند: ... سپس قائم(عج) آن دو نفر را درحالی که تر و تازه هستند، از قبر خارج می کند و مورد لعنت قرار می دهد و از آنان اظهار برائت می نماید و سپس آنان را به صلیب و دار می کشد و سپس پایین می آورد، می سوزاند و خاکستر آنان را در هوا پخش می کند.

بررسی روایت

این روایت را مرحوم مجلسی در بحار از کتاب غیبت سید علی بن عبدالحمید بدون ذکر سند از اسحاق بن عمار نقل می کند که اطلاعی از سند آن در دست نیست. در نتیجه این روایت مرسل است و نمی توان به آن اعتماد کرد.

2. بخش دوم این شبهه درباره حد زدن بر عایشه به دست حضرت مهدی(عج) است. مستند این شبهه نیز یک روایت ضعیف است که به بیان و بررسی آن می پردازیم:

1-2. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن عَلِیٍّ مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بن أَبِی الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بن أَبِی عَبْدِ اللَّهِ(البرقی) عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بن سُلَیْمَانَ عَنْ دَاوُدَ بن النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ الرَّحِیمِ الْقَصِیرِ قَالَ: قَالَ لِی ابو جَعْفَرٍ علیه السلام: أَمَا لَوْ قَامَ قَائِمُنَا لَقَدْ رُدَّتْ إِلَیْهِ الْحُمَیْرَاءُ حَتَّی یَجْلِدَهَا الْحَدَّ وَ حَتَّی یَنْتَقِمَ لِابْنَهِ مُحَمَّدٍ فَاطِمَهَ علیه السلام مِنْهَا. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ لِمَ یَجْلِدُهَا الْحَدَّ

1- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج52، ص386، ح201.

؟قَالَ لِفِرْيَتِهَا عَلَى أُمِّ إِبْرَاهِيمَ. قُلْتُ: فَكَيْفَ أَخَّرَهُ اللَّهُ لِلْقَائِمِ. فَقَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی بَعَثَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله رَحْمَةً وَ بَعَثَ الْقَائِمَ علیه السلام نَقِمَه؛(1)

عبدالرحیم قصیر می گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: وقتی قائم ما قیام می کند، همانا حمیراء(یعنی عایشه) به او تحویل داده می شود تا حد بر او جاری شود و نیز انتقام فاطمه علیه السلام ، دختر محمد صلی الله علیه و آله، از او گرفته شود. سپس می گوید: پرسیدم فدای شما گردم چرا حد بر عایشه جاری می شود؟ حضرت فرمود: برای اتهامی است که به ام ابراهیم [کنیزی به نام ماریه قبطیه که همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود] وارد کرد [و او را به زنا با مردی قبطی متهم نمود]. پرسیدم: چرا خداوند اجرای حد عایشه را تا زمان قائم(عج) تأخیر انداخت؟ حضرت در پاسخ فرمود: برای اینکه خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را برای رحمت جهانیان مبعوث کرد و قائم(عج) را برای نقمت یعنی انتقام و عذاب.

بررسی روایت

در سند روایت هست که ماجیلویه این روایت را از عمویش نقل کرده است. خود ماجیلویه فردی موثّق است؛ اما عموی وی ناشناخته است، محمد بن سلیمان (بصری یا دیلمی) فردی متهم به غلو می باشد(2) و عبدالرحیم قصیر نیز توثیق نشده است. این روایت افزون بر ضعف سندی از نظر متنی نیز مخالف روایاتی است که حضرت مهدی(عج) را در خلق، ویژگی و سیره عملی همچون پیامبر

1- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، چاپ اول، قم، داوری، 1385ش، ج2، ص679-580، ح10.
2- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص343.

اسلام صلی الله علیه و آله و پیامبران دیگری مانند ابراهیم علیه السلام، یوسف علیه السلام، ایوب علیه السلام، موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام معرفی می نماید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بنابر نصّ قرآن مجید "رحمه للعالمین" بود؛ چگونه آخرین خلیفه او به جای رحمت، نقمت برای جهانیان می باشد؟ افزون بر این، پیامبر رحمت در اجرای حدود الهی میان خویشاوندان خود و مسلمانان دیگر تفاوتی نمی گذاشت؛ و اگر عایشه شایسته حد می بود به طور قطع پیامبر صلی الله علیه و آله از اجرای آن کوتاهی نمی کرد.

بنابراین باید گفت شیعه هرگز به آنچه این شبهه بیان می دارد، معتقد نیست، بلکه حضرت مهدی(عج) را در رفتار و کردار هم خوی پیامبراکرم صلی الله علیه و آله می داند.

نتیجه گیری

بنابر آنچه گذشت و پس از بررسی روایات مشخص شد روایاتی که درباره جنگ و کشتار وجود دارد، چند دسته هستند؛ تعدادی از این روایات به زمان پیش از ظهور حضرت مهدی(عج) و تعدادی از آنها به زمان پس از اتمام حکومت حضرت مربوط است و هیچ ربطی به امام زمان(عج) ندارد و نباید آنها را به وی نسبت داد.

اما پس از بررسی دقیق مشخص شد که آن دسته از روایاتی که به ظهور حضرت مربوط می باشد و چهره قیام او را خشن و خونین و همراه با جنگ و کشتار بسیار زیاد جلوه می دهد، دچار مشکل سندی و متنی جدّی هستند. این روایات از سوی افراد بسیار ضعیفی همچون محمد بن علی کوفی و ابو جارود و ... نقل شده است و بنابراین نمی توان برای این روایات اعتباری قائل بود و بر اساس آن چهره و عملکرد امام زمان(عج) را به هنگام قیام خونین و خشن دانست، بلکه

چنان که در فصل های بعدی به آن اشاره خواهد شد، سیره حضرت مهدی(عج) همان سیره جدّ بزرگوارشان، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام است. آن چنان که امام مظهر «رحمه للعالمین» می باشد و با مردم با محبت و مهربانی رفتار می کند و تنها با دشمنان حقیقی خداوند که همچنان خواستار ظلم و ستم هستند و به هیچ وجه هدایت الهی را نمی پذیرند وارد جنگ می شود و آنها را از صحنه روزگار محو خواهد کرد.

فصل دوم: انقیاد تام خلایق بدون هیچگونه خونریزی و کشتار(دیدگاه تفریطی)

اشاره

در مقابل دیدگاه افراطی که در فصل پیشین آمد، یک دیدگاه دیگر به نام دیدگاه تفریطی وجود دارد که بنابرآن امام زمان (عج) به هنگام ظهور از راه ولایت و تصرف تکوینی همه خلایق را مطیع و مسخّر می کند و امور جهان را با اعجاز و به صورت غیر عادی انجام می دهد، بنابراین کشتار و اعدام خیلی اندک خواهد بود و حتی به اندازه خون حجامت هم خونی ریخته نخواهد شد.

برای روشن شدن این مطلب و دریافت پاسخ درست به احادیثی که در این باره وارد شده، می پردازیم. این احادیث به دو دسته تقسیم می شوند؛ یک دسته، آن احادیثی است که این دیدگاه را بیان و تقویت می کنند که به طور عمده این روایات دارای مشکل سندی جدی است و دسته دیگر احادیثی است که این دیدگاه را نادرست می داند و به بیان دیدگاه درست می پردازند.

1. بیان و نقد روایاتی که این دیدگاه را بازگو و تقویت می کند

ابتدا روایاتی را بیان می کنیم که این دیدگاه را تقویت می کنند و در ادامه به بررسی و نقد آنها می پردازیم:

1-1. قَالَ الْوَلِیدُ: عَنْ أَبِی رَافِعٍ إِسْمَاعِیلَ بن رَافِعٍ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْخُدْرِیِّ، عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: تَأْوِی إِلَیْهِ أُمَّتُهُ کَمَا تَأْوِی النَّحْلَهُ یَعْسُوبَهَا، یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا، حَتَّی یَکُونَ

النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ، لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا؛(1)

امت وی به سوی او پناه می برند چنانچه زنبور عسل به ملکه اش پناه می برد، زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که پر از ظلم و جور شده است تا اینکه مردم به حالت اولشان (امنیت) بازگردند. (به هنگام قیام او) هیچ در خواب فرو رفته ای را بیدار نمی کند و هیچ خون و خونریزی نمی کند.

بررسی روایت

این روایت ضعیف و غیر قابل اعتماد است؛ زیرا یحیی بن معین از رجالیون اهل سنت درباره اسماعیل بن رافع واژه ضعیف را به کار برده است.(2) همچنین در سند، عبارت مبهم «عمّن» وجود دارد که باعث ارسال و ضعف سند شده است.

2-1. حَدَّثَنَا ابو يُوسُفَ، عَنْ فِطْرِ بنِ خَلِيفَةَ، عَنِ الْحَسَنِ بن عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعُكْلِيِّ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: يُبَايعُ الْمَهْدِيُّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، لَا يُوقِظُ نَائِمًا، وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا؛(3)

ابوهریره گوید: با مهدی(عج) بین رکن و مقام بیعت می شود، وی نه در خواب فرورفته ای را بیدار میکند و نه قطره ای خون می ریزد.(در قیام وی قطره ای خونریزی نمی شود).

بررسی روایت

اولاً این روایت موقوف و غیر مسند به پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد؛ ثانیاً راوی آن ابوهریره است که وی فردی بسیار ضعیف است و شرح حال وی پیش از این بیان شد.

1- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج1، ص358-359، ح1040.
2- جرجانی، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد ابو أحمد، الکامل فی ضعفاء الرجال، تحقیق یحیی مختار غزاوی، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر، 1409ق، ج1، ص280، ش119.
3- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، ج1، ص342-343، ح991.

1-3. حَدَّثَنَا ابن عَفَّانَ، حَدَّثَنَا قَاسِمٌ، حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بن زُهَيْرٍ، حَدَّثَنَا مُوسَى بن إِسْمَاعِيلَ، حَدَّثَنَا ابو هِلَالٍ، عَنْ قَتَادَةَ، قَالَ: يُجَاءُ إِلَی الْمَهْدِیِّ وَهُوَ فِی بَيْتِهِ وَالنَّاسُ فِی فِتْنَةٍ تُهَرَاقُ فِيهَا الدِّمَاءُ، فَيُقَالُ لَهُ: قُمْ عَلَيْنَا فَيَأْبَی حَتَّی يُخَوَّفَ بِالْقَتْلِ، فَإِذَا خُوِّفَ بِالْقَتْلِ قَامَ عَلَيْهِمْ، فَلَا يُهَرَاقُ فِی سَبَبِهِ مِحْجَمَهُ دَمٍ؛(1)

قتاده گوید: مردم به سوی مهدی(عج) می آیند درحالی که او در منزلش است و مردم در فتنه ای که در آن خونریزی شدیدی می شود، دچار هستند سپس به او گفته می شود که به سوی ما برخیز و قیام کن، سپس او ابا کرده و سر باز می زند تا اینکه از قتل خویش می هراسد، پس هنگامی که از قتل هراسید، به سوی مردم قیام می کند، سپس به هنگام قیام وی به سبب آن هیچ خونی ریخته نمی شود.

بررسی روایت

این روایت افزون بر اضطراب متن دچار ضعف سندی است؛ زیرا این روایت موقوف و غیر مسند به پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و اعتباری ندارد.

2. روایات متعارض و بیان دیدگاه صحیح

در این بخش به بیان روایاتی می پردازیم که این دیدگاه را نادرست می داند و سرانجام به بیان دیدگاه درست می پردازد:

2-1. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدِ بن عُقْدَهَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِیُّ بن الْحَسَنِ التَّيْمُلِیُّ مِنْ كِتَابِهِ فِی صَفَرٍ سَنَهَ أَرْبَعٍ وَ سَبْعِينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بن عَامِرِ بن رَبَاحٍ الثَّقَفِیُّ عَنْ مُوسَی بن بَكْرٍ عَنْ

1- دانی، عثمان بن سعید، السنن الوارده فی الفتن، د. ضاء الله بن محمد إدریس المبارکفوری، چاپ اول، الریاض، دار العاصمه، 1416ق، ج، 5، ص1042، ح557.

بَشِیرٍ النَّبَّالِ وَ أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بن أَحْمَدَ الْبَنْدَنِیجِیُّ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بن مُوسَی الْعَلَوِیِّ عَنْ أَیُّوبَ بن نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بن یَحْیَی عَنْ بَشِیرِ بن أَبِی أَرَاکَهَ النَّبَّالِ وَ لَفْظُ الْحَدِیثِ عَلَی رِوَایَهِ ابن عُقْدَهَ قَالَ: لَمَّا قَدِمْتُ الْمَدِینَهَ انْتَهَیْتُ إِلَی مَنْزِلِ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام ... قُلْتُ: إِنَّهُمْ یَقُولُونَ إِنَّهُ إِذَا کَانَ ذَلِکَ اسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ فَلَا یُهَرِیقُ مِحْجَمَهَ دَمٍ فَقَالَ کَلَّا وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ حَتَّی نَمْسَحَ وَ أَنْتُمُ الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ وَ أَوْمَأَ بِیَدِهِ إِلَی جَبْهَتِهِ؛(1)

بشیر بن ابی اراکه گوید: چون به مدینه رسیدم به خانه ابی جعفر علیه السلام گذرم افتاد. عرض کردم: آنان (مرجئه) می گویند: چون این کار روی دهد (ظهور رخ دهد)، همه کارها برای او درست شود و به اندازه خون یک حجامت هم خون ریخته نخواهد شد. فرمود: هرگز چنین نیست. سوگند به آن کسی که جانم به دست اوست، کار به آن جا خواهد کشید که ما و شما عرق و خون بسته را پاک کنیم و با دست خود به پیشانی خود اشاره کرد. (کنایه از برطرف کردن عرق پیشانی است).

نکته

علامه مجلسی در توضیح عبارت «مسح عرق و علق» گفته است که این عبارت کنایه از سختی ها و دشواری های جنگ و درگیری است که موجب پدید آمدن عرق و ایجاد زخم های خونین می شود.(2)

2-2. مُوسَی بن بَکْرٍ الْوَاسِطِیِّ عَنْ بَشِیرٍ النَّبَّالِ قَالَ: قَدِمْتُ الْمَدِینَهَ وَ ذَکَرَ مِثْلَ الْحَدِیثِ الْمُتَقَدِّمِ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ لَمَّا قَدِمْتُ الْمَدِینَهَ قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام إِنَّهُمْ یَقُولُونَ إِنَّ الْمَهْدِیَّ لَوْ قَامَ لَاسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْواً وَ

1- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص283، ب15، ح1.
2- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج2، ص357.

لَا يُهَرِيقُ مِحْجَمَةَ دَمٍ فَقَالَ: كَلَّا وَ الَّذِی نَفْسِی بِيَدِهِ لَوِ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْواً لَاسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حِينَ أُدْمِيَتْ رَبَاعِيَتُهُ وَ شُجَّ فِی وَجْهِهِ؛ كَلَّا وَ الَّذِی نَفْسِی بِيَدِهِ حَتَّی نَمْسَحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمُ الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ؛(1)

موسی بن بکر واسطی از بشیر نبال گوید: به مدینه رسیدم و همانند حدیث پیشین را ذکر کرد جز اینکه گوید: چون به مدینه رسیدم، به ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: آنان می گویند که چون مهدی قیام کند، همه کارها از برای او به خودی خود درست شود و به اندازه حجامتی خون نمی ریزد. فرمود: هرگز چنین نیست. سوگند به آن کس که جان من به دست اوست، اگر کارها به خودی خود برای کسی درست می شد، هر آینه برای رسول خدا درست می شد آنگاه که دندان های جلوی آن حضرت شکست و صورت مبارکش زخم برداشت. نه، هرگز، سوگند به آن کس که جان من به دست اوست، کارها به آن جا می انجامد که ما و شما عرق و خون بسته را پاک کنیم، سپس پیشانی خود را پاک کرد.

2-3. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بن أَحْمَدَ الْبَنْدَنِيجِيُّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بن مُوسَی الْعَلَوِیِّ الْعَبَّاسِیِ عَنِ الْحَسَنِ بن مُعَاوِيَةَ عَنِ الْحَسَنِ بن مَحْبُوبٍ عَنْ عِيسَی بن سُلَيْمَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بن عُمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ قَدْ ذَكَرَ الْقَائِمَ علیه السلام فَقُلْتُ إِنِّی لَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ أَمْرُهُ فِی سُهُولَةٍ فَقَالَ: لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّی تَمْسَحُوا الْعَلَقَ وَ الْعَرَقَ؛(2)

مفضّل بن عمر گوید: ابا عبد اللّه علیه السلام از امام قائم(عج) یاد می کرد و من عرض کردم: من امیدوارم که کار او به آسانی انجام پذیرد

1- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص283، ب15، ح1.
2- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص295، ب 15، ح3.

شنیدم که فرمود: این کار صورت نمی پذیرد تا آنکه عرق و خون بسته را پاک کنید.

نتیجه گیری

با بررسی این روایات می بینیم آن طور نیست که همه کارها در زمان قیام قائم(عج)، به خودی خود و با اعجاز و تصرّفات تکوینی انجام شود، هر چند در ولایت و تصرف تکوینی حضرت مهدی(عج) و امامان معصوم دیگر، هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. بلکه کار، دشوارتر از آن چیزی است که افرادی چون مرجئه به آن اعتقاد دارند. بنابر روایات متعدد، نمی توانیم ادعا کنیم که در هنگام ظهور، هیچ قتل و کشتاری رخ نمی دهد؛ زیرا در آن دوران بحث از انتقام، اجرای حدود الهی و اقامه حکومت عدل جهانی است و مسلماً، این امر بزرگ بدون برطرف کردن خارها و سنگ های سر راه آن حضرت، میّسر و محقق نمی شود.

از طرفی، تاریخ گواه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم: سعی کردند، امور جهان را به طور عادی و در مسیر طبیعی خود انجام دهند، بنابر همین اصل است که دندان های پیشین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ شکسته شد و زخم هایی در جنگ احد و ... بر ایشان وارد گشت. امیرالمومنین علیه السلام نیز در جنگ احد نود زخم برداشت.(1) البته هم رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم اهل بیت او، به ویژه بقیه اللّه الاعظم(عج) بر تصرّف تکوینی قدرت دارند و

1- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج20، ص54.

همواره معجزات و امدادهای غیبی و الهی، همراه آن حضرات و همچنین مؤمنان مخلص و ایثارگر مستضعفان بوده و خواهد بود. به هر حال، لزومی ندارد که ادعا کنیم امام زمان(عج) تمام کارها را از راه امور غیرعادی و به صورت اعجازگونه انجام می دهد و هیچ خونی را نخواهد ریخت.

فصل سوم: همسانی سیره حکومتی مهدی موعود(عج) با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (دیدگاه میانه)

اشاره

1. وحدت رویه حضرت مهدی(عج) با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام

احادیث صحیح و معتبری است که صریحاً روش حکومتی حضرت ولی عصر(عج) را همان روش حکومتی رسول خدا صلی الله علیه و آله وامیرمؤمنان علیه السلام معرفی می کند. چند نمونه از این روایات به شرح زیر است:

1-1. حَدَّثَنَا شَيْخُنَا مُحَمَّدُ بن عَلِیٍّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن مُوسَی بن الْمُتَوَكِّلِ رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِیُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَی بن عِمْرَانَ النَّخَعِیُّ عَنْ عَمِّهِ حُسَيْنِ بن يَزِيدَ النَّوْفَلِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بن عَلِیِّ بن سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ سَعِيدِ بن جُبَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن الْعَبَّاسِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمُ أَهْلِ بَيْتِی وَ مَهْدِیُّ أُمَّتِی أَشْبَهُ النَّاسِ بِی فِی شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَفْعَالِه؛(1).

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: نهمین فرزند وی امام حسین علیه السلام قائم اهل بیت من است و مهدی(عج) امت من شبیه ترین مردم نسبت به من در شمائل و گفتار و کردار است.

1-2. مُحَمَّدُ بن الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بن الْحُسَيْنِ بن أَبِی الْخَطَّابِ

1- خزاز رازی، علی بن محمد، کفایه الاثر، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری قم، بیدار، 1401ق، ص10-11.

عَنْ جَعْفَرِ بن بَشِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بن عَبْدِ اللَّهِ بن هِلَالٍ عَنِ الْعَلَاءِ بن رَزِينٍ الْقَلَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بن مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ ابا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ إِذَا قَامَ بِأَیِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِی النَّاسِ فَقَالَ: بِسِيرَهِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَتَّی يُظْهِرَ الْإِسْلَامَ؛(1)

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که می گوید: از ابو جعفر باقر علیه السلام درباره قائم(عج) پرسیدم و گفتم: هنگامی که قائم(عج) قیام کند، با چه روشی در میان مردم عمل خواهد کرد؟ حضرت فرمودند: با همان شیوه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله در پیش گرفت در میان مردم عمل خواهد کرد، تا اسلام فراگیر و غالب شود.

3-1. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن مُحَمَّدِ بن سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِیُّ بن الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رِفَاعَةَ بن مُوسَی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بن عَطَاءٍ قَالَ: سَأَلْتُ ابا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ علیه السلام فَقُلْتُ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام بِأَیِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِی النَّاسِ؟ فَقَالَ: يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً.(2)

عبدالله بن عطاء گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: حضرت حجّت(عج) پس از ظهور، چه سیره و روشی در حکومت خواهند داشت؟ امام علیه السلام پاسخ می دهند: درست مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله، تمام آنچه را که به نام اسلام بر دنیا حاکم است، از بین خواهد برد و اسلام را از نو عرضه خواهد کرد.

1- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق حسن الموسوی خرسان، چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ 1407 ق، ج6، ص154.
2- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران، صدوق، 1397ق، ص232، ب 13، ح17.

نکته

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فرموده قرآن(1) با نرمی و عدم خشونت، ماقبل خود را بی اعتبار کرد. پیامبر با همه مردم این چنین بود حتّی با کافران هم این گونه رفتار می کرد و این رفتار وی به مسلمانها اختصاص نداشت. امام زمان(عج) نیز درباره کافران همان سیره را به کار خواهد بست؛ به طور مسلّم اگر امام با غیر مسلمانان با لطف و مهربانی رفتار کند، با مسلمانان مهربان تر خواهد بود.

4-1. عِدَّهٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بن مُحَمَّدٍ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بن یَحْیَی الْخَزَّازِ عَنْ حَمَّادِ بن عُثْمَانَ قَالَ:... أَنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَیْتِ علیه السلام إِذَا قَامَ لَبِسَ ثِیَابَ عَلِیٍّ علیه السلام وَ سَارَ بِسِیرَهِ عَلِیٍّ علیه السلام؛(2)

هنگامی که حضرت مهدی(عج) ظهور کند، لباسی همچون جامه های علی علیه السلام بر تن می کند و دقیقاً به سیره امیرالمؤمنین علیه السلام عمل خواهد کرد.

نکته

مراد از «عده من اصحابنا» در سندس روایت علی بن ابراهیم و علی بن محمد بن عبد الله بن اذینه و احمد بن عبدالله بن امینه و علی بن حسن می باشند که همگی مورد اعتماد هستند(3). سند این روایت درست است و هیچ شک و شبهه ای در آن وجود ندارد؛ چرا که راویانش یکی از دیگری بهتر است و متن آن نیز با سیره معصومین علیه السلام موافق است.

1- آل عمران(3)،159.
2- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج1، ص411ه، ح4.
3- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص272.

مدلول این روایات آن است که چون حضرت مهدی(عج) ظهور کند، همه مردم، از خرد و کلان و پیر و جوان به او عشق می ورزند و از صمیم قلب او را دوست دارند.

5-1. عَلِیُّ بن إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابن أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ فَضْلٍ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِی عُبَیْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ: فَقَالَ(ابو جعفر علیه السلام) یَا ابَا عُبَیْدَةَ إِنَّهُ لَا یَمُوتُ مِنَّا مَیِّتٌ حَتَّی یُخَلِّفَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ یَعْمَلُ بِمِثْلِ عَمَلِهِ وَ یَسِیرُ بِسِیرَتِهِ وَ یَدْعُو إِلَی مَا دَعَا إِلَیْه؛(1)

ای اباعبیده کسی از ما چشم از جهان فرونمی بندد مگر اینکه پس از خود کسی را قرار می دهد که مانند او عمل می کند و به روش او رفتار می نماید و به آنچه او می خوانده، فرا می خواند.

نکته

بر اساس این روایت سیره هر امام لاحقی همچون سیره امام پیشین است، پس همه امامان معصوم: از سنت و سیرتی همگون برخوردارند و در نتیجه امام علی علیه السلام و امام مهدی(عج) سیرتی یکسان خواهند داشت.

2. چگونگی رفتار امیر المومنین علی علیه السلام با دشمنان

اکنون که معلوم شد سیره امام مهدی(عج) همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام است، باید ببینیم که سیره این بزرگواران در رویارویی با دشمنان چگونه بوده است تا آن روش را برای حضرت مهدی(عج) نیز قائل باشیم.

2-1. حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

1- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج1، ص397، ح1.

أَ تَأْمُرُونِّی أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِیمَنْ وُلِّیتُ عَلَیْهِ؛(1)

آیا مرا فرمان می دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن در باره آن که والی او هستیم.

به طور یقین حضرت مهدی(عج) نیز از همین روش پیروی خواهد کرد، و امکان ندارد که بخواهد از راه ستم، حکومت بر مردم را به دست گیرد.

2-2. وَ سَأَلَهُ(سَأَلَ عَلی علیه السلام) عَمَّارٌ حِینَ دَخَلَ الْبَصْرَهَ فَقَالَ: یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ بِأَیِّ شَیْ ءٍ تَسِیرُ فِی هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: بِالْمَنِّ وَ الْعَفْوِ کَمَا سَارَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فِی أَهْلِ مَکَّهَ حِینَ افْتَتَحَهَا بِالْمَنِّ وَ الْعَفْوِ؛(2)

چون امام علی علیه السلام به بصره وارد شدند، عمار عرض کرد: ای امیرمؤمنان با اینها چگونه رفتار خواهی کرد؟ حضرت فرمود: با گذشت و رحمت، هم چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چون مکه را فتح کرد، با گذشت و رحمت با آنها رفتار نمود.

2-3. یک نقل تاریخی

دغدغه وسیره امام علی علیه السلام درباره روشنگری، نمایان کردن حقیقت و چگونگی رویارویی با دشمنان را از نقل های تاریخی نیز آشکارا می توان دریافت. برای نمونه به یک نقل تاریخی اشاره می کنیم:

آن حضرت در پگاه روز یازدهم جمادی الاولی درحالی که در میمنه سپاه مالک اشتر و در میسره آن عمار یاسر حضور داشت و پرچم به دست فرزندش محمد حنفیه بود، به سمت سپاه جمل حرکت نمود. آنگاه حضرت بر جایگاهی

1- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، چاپ اول، قم، هجرت، 1414ق، ص183، خ126.
2- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، تحقیق آصف فیضی، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البیت:، 1385ق، ج1، ص394.

ایستادند و با صدای بلند خطاب به سپاه خود فرمود: شتاب نکنید تا بر آنها حجت اقامه کنم. پس ابن عباس را خواند و قرآنی به او داد و فرمود: این قرآن را به سوی طلحه، زبیر و عایشه ببر و آنها را به آنچه در آن است، فرا خوان و به طلحه و زبیر بگو آیا شما با اختیار با من بیعت نکردید؟ پس چه چیز سبب شد بیعت مرا بشکنید درحالی که این قرآن میان من و شما حکم می کند. او می گوید: به خدا سوگند هنوز از جایم حرکت نکرده بودم که تیرهایشان همچون ملخ های پراکنده به سویم باریدن گرفت، به علی علیه السلام عرض کردم: ای امیر مؤمنان تا کی با ما چنین کنند؟ ! اجازه دهید از خود دفاع کنیم.

حضرت فرمود: بگذارید بار دیگر بر آنها حجت را تمام کنم. سپس فرمود: چه کسی این قرآن را می گیرد و آنها را به آن فرا می خواند و بداند که کشته می شود و من ضمانت بهشت او را از سوی خداوند برعهده می گیرم. هیچ کس از جای خود برنخواست جز جوانی کم سن از عبدالقیس که قبای سفیدی بر تن داشت و نامش مسلم بود. او گفت: ای امیرمؤمنان! من این کار را انجام می دهم و جان خود را به خاطر خدا بر این کار می گزارم.

حضرت از سر دلسوزی از او روی بازگرداند و فرمود: چه کسی این قرآن را می گیرد و بر آنها عرضه می کند و بداند که کشته می شود و بهشت برای اوست. مسلم دوباره سخن خود را تکرار کرد و گفت: من چنین می کنم. امام علیه السلام برای سومین بار سخن خود را تکرار کرد و غیر از آن جوان کسی به پا نخواست. علی علیه السلام قرآن را به او داد و فرمود: به سوی آنان برو و قرآن را بر آنها عرضه نما و به آن چه در قرآن است دعوتشان کن. او حرکت کرد و مقابل سپاه جمل ایستاد و قرآن را باز کرد و گفت: این کتاب خداست و امیرمؤمنان شما را به آن چه در آن است، فرا می خواند. عایشه گفت: خداوند صورتش را زشت کند با

نیزه بزنیدش و آنها نیز بر نیزه زدن به او بر یکدگیر سبقت گرفتند و از هر سو نیزه اش زدند.

امام علیه السلام در این حال آماده نبرد شدند و پرچم را به فرزندشان محمد بن حنیفه دادند و در میان سپاه فریاد زدند: هیچ فراری را نکشید و مجروحی را از پا در نیاورید، پرده کسی را ندرید، زنی را نترسانید و کشته ای را مثله نکنید. آن حضرت در حال سفارش به لشکر بودند که مردی از اصحابشان کشته شد. آن حضرت با مشاهده این واقعه فرمودند: خدایا تو شاهد باش.(1)

نکته

البته برخی از محققان بر این باورند که امام مهدی(عج) در رویارویی با خروج کنندگان بر آن حضرت روشی متفاوت با روش امام علی علیه السلام برخواهد گزید؛ یعنی حضرت مهدی(عج) به هنگام جنگ می تواند اموال آنها را به غنیمت بگیرد، خانواده آنان را به اسارت ببرد و اسیران، فراریان و مجروحانشان را از پای درآورد؛ ولی رفتار حضرت علی علیه السلام تقیه و مصلحتِ یاران پس از خود بود که مبادا گرفتار دشمن شوندو دشمن با آنها بد رفتاری کند؛ به همین دلیل بود که در جنگ ها فراریان و مجروحان دشمن را تعقیب نمی کرد و آنها را نمی کشت، ولی بنده با این قول موافق نیستم زیرا احادیثی که این نظر را بیان و تقویت می کنند از نظر سندی مشکل دارند و نمی توان به آنها اعتماد کرد. برای نمونه به یکی از این روایات اشاره می کنیم:

أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بن الْحُسَیْنِ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بن أَبِی هَاشِمٍ عَنْ أَبِی خَدِیجَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ

1- مفید، محمد بن محمد، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، تحقیق علی میرشریفی، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید، 1413ق، ص336-342.

قَالَ إِنَّ عَلِیّاً علیه السلام قَالَ: کَانَ لِی أَنْ أَقْتُلَ الْمُوَلِّیَ وَ أُجْهِزَ عَلَی الْجَرِیحِ وَ لَکِنِّی تَرَکْتُ ُ ذَلِکَ لِلْعَاقِبَهِ مِنْ أَصْحَابِی إِنْ جُرِحُوا لَمْ یُقْتَلُوا وَ الْقَائِمُ لَهُ أَنْ یَقْتُلَ الْمُوَلِّیَ وَ یُجْهِزَ عَلَی الْجَرِیحِ؛(1)

مرا چنین حقی بود که فراریان از جبهه جنگ را بکشم و زخمی ها را کارشان یکسره کنم، ولی این کار را به ملاحظه آینده یاران نکردم، باشد که اگر آنان نیز زخمی شدند، کشته نشوند و از برای قائم(عج) است که فراریان را بکشد و کار زخمی را یکسره کند.

بررسی روایت

این روایت از سوی محمد بن علی الکوفی نقل شده است که وی فردی بد نام و دروغگوست و علمای رجال بر بی اعتباری روایات وی حکم کرده اند، شرح حال وی پیش از این به طور مفصل بررسی شد.(2)

3. چگونگی مقابله حضرت مهدی (عج) با دشمنان حقیقی

یقیناً، پیش از ظهور و مقارن با آن ستمگران خون ریزی بر دنیا حکومت می کنند که از هیچ جنایتی فرو نمی گذارند. حال، امامی که قیام می کند، در برابر این همه کج روی ها و بیدادگری ها باید چگونه برخورد کند تا جهان را پر از عدل و داد سازد؟ بی تردید، دشمنانی که دست شان به خون بشریّت آلوده است، حق مردم را غصب کرده اند و یا پست و مقامشان به خطر افتاده است، در برابر حرکت اصلاح گرانه و نهضت امام ایستادگی می کنند. بنابراین، امامی که قیام می کند و مأموریّت دارد حکومت جهانی اسلام را تشکیل دهد، باید برای برطرف کردن موانع خود، نقشه و برنامه داشته باشد. اکنون مروری بر این

1- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص237، ب13، ح15.
2- رک: ص16.

برنامه ها خواهیم داشت.

امام عصر(عج) برای انتقام و خون خواهی از دشمنان اسلام، به ثمر رساندن انقلاب جهانی، اجرای حدود الهی و برقراری حکومت عدل جهانی ناگزیر از جنگ خواهد بود و در مقابل آن، دشمنان تا دندان مسلّح و کج اندیشانِ دنیانگر، با در دست داشتن امکانات گسترده اقتصادی، برخورداری از فن آوری پیشرفته و سازماندهی ارتش های قدرت مند پرچم مخالفت بر می دارند و مانع مسیر اصلاح گرانه امام می شوند. از سوی دیگر پیش از قیام، جنگاوران دریا دل و دست یارانی توان مند و کارآمد با هدایت خاص و عام آن حضرت تربیّت می شوند که تعداد آنان، در برخی روایات، سیصد و سیزده نفر(1) و در برخی، ده هزار نفر و در تعدادی از آن ها، صدهزار نفر و ... بیان شده است.

اینک به نقل تعدادی از روایات می پردازیم که بیانگر رویارویی حضرت مهدی(عج) با دشمنان حقیقی و غلبه بر آنان است:

3-1. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بن إِدْرِيسَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بن عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابن أَبِی عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بن عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بن مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام:... قَالَ: وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّى قَالَ: النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ علیه السلام مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، إِذَا قَامَ غَلَبَ دَوْلَتُهُ الْبَاطِلِ.(2)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: او قائم اهل بیت: است، هنگامی که قیام کرده و بر دولت باطل پیروز می شود.

3-2. محمدٌ بن الحَسنِ الشّیبانی فی «کَشف البَیان» قالَ: روىَ فِی أَخبارنا عَن أَبی جَعفرٍ و أَبی عَبد اللهِ علیهما السلام أنَّ هذه الآیةَ (وَ نُریدُ أَنْ

1- رک: نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، صدوق، ص313.
2- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرقمی، ج2، ص425.

نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ - وَ نُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَ نُرِیَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ)(1)مخصوصهٌ بِصاحِبِ الأمر الّذی یَظهرُ فی آخِرِ الزَّمانِ و یُبیدُ الجَبابِرهَ و الفَراعِنهَ و یَملکُ الأرضَ شَرقاً و غَرباً فَیملَأُها عَدلاً کَما مُلئت جَوراً؛(2)

از صادقین علیهما السلام روایت است که فرموده اند این آیه درباره صاحب الامر حضرت مهدی(عج) می باشد که وی در آخرالزمان ظهور کرده، ستمگران و فراعنه را نابود کرده، شرق و غرب را فتح کرده، زمین را همان طور که پر از ظلم و ستم شده، پر از عدل و داد می کند.

3-3. أبی عَبدِ الله علیه السلام قالَ:... وَ یُولّونَ فَیقتُلَهم حتّی یدخُلَهم أَبیاتِ الکوفهِ وَ یُنادی مُنادیه أَلا لا تَتّبِعوا مَولیاً وَ لا تَجهَزوا عَلی جَریحٍ وَ یَسیرُ بِهِم کَما سارَ علیٌ علیه السلام یومَ البَصرهِ؛(3)

امام صادق علیه السلام در روایتی با اشاره به درگیری سپاه امام مهدی(عج) با سپاه سفیانی می فرماید: ... و سپاه سفیانی می گریزند و امام مهدی(عج) آنها را می کشد تا اینکه می گریزند و به خانه های کوفه پناه می برند، منادی آن حضرت فریاد برمی آورد: هیچ فراری را تعقیب نکنید و مجروحی را از پا درنیاورید و با آنان همچون سیره امام علی علیه السلام در روز بصره رفتار می نماید.

1- قصص(28)، 5-6.
2- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار:، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، 1411ق، ج 5، ص280.
3- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیه السلام، ج52، ص388.

نتیجه گیری نهایی

چنان که آمد روایاتی که به جنگ و کشتار بسیار زیاد اشاره می کند به سه دسته تقسیم می شوند که دو دسته از آنها یکی به زمان پیش از ظهور و دیگری به زمان پس از ظهور و حکومت حضرت مهدی(عج) مربوط است که نباید این دو دسته را به حکومت امام(عج) نسبت داد؛ و اما آن روایاتی که به زمان ظهور حضرت مربوط است و چهره قیام حضرت را بسیار خشن نشان می دهد، چنانچه بیان شد، از نظر سندی و متنی دچار مشکل جدّی بودند که در این میان نقش پر رنگ غالیان و افراد ضعیفی همچون حسن بن علی بن ابی حمزه و پدرش و ... در نقل این روایات مشاهده گردید.

در برابر روایاتی که قیام امام زمان(عج) را بسیار خشن نشان می دهد، دسته ای روایات نشان می دهند که در هنگام ظهور امام هیچ جنگ و کشتاری رخ نمی دهد. پس از بررسی آنها مشخص شد این روایات نیز قابل اعتماد نیستند و افزون بر آن امامان معصوم: نیز با این دیدگاه به شدت مخالفت کرده اند.

بررسی دقیق این روایات نشان می دهد که همه کارها در زمان قیام قائم(عج)، به خودی خود و با اعجاز و تصرّفات تکوینی انجام نمی شود، زیرا در آن دوران، بحث از انتقام، اجرای حدود الهی و اقامه حکومت عدل جهانی وجود دارد و مسلماً، این امر بزرگ بدون برطرف کردن خارها و سنگ های سر راه آن حضرت میّسر و محقق نمی شود.

در پایان به این نتیجه می رسیم که با توجه به روایات درست، سیره امام زمان(عج) در رویارویی با دشمنان همان سیره جدّ بزرگوارشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام خواهد بود و اصولاً حضرت مهدی(عج) برای برقراری عدل،

که خواسته طبیعی و فطری انسان هاست، ظهور خواهد کرد، بنابراین هرگز رفتار او به گونه ای نیست که مردم آرزو کنند، ای کاش او را نبینند یا به دلیل بی رحمی هایی که انجام می دهد، او را از آل محمد صلی الله علیه و آله ندانند. در حقیقت حضرت مهدی(عج) ابتدا به روشنگری شریعت حق و آموزه های الهی برای دشمنان می پردازد و آنها را به سوی حق دعوت کند، سپس با کسانی که در واقعیت و حقیقت دشمن خدا و اهلبیت: هستند و حتی پس از دعوت به حق نیز لجاجت کرده، به ظلم و کارهای نابکارانه خود ادامه می دهند (سفیانی و...) وارد جنگ می شود و آنها را از بین می برند.

ملحقات و ضمائم

فهرست روایات

صفحه

راوی

روایت

ردیف

90

حماد بن عثمان

أَنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ علیه السلام إِذَا قَامَ لَبِسَ ثِيَابَ عَلِیٍّ علیه السلام

1

27

مفضل بن عمر

الاَدنی غِلاءُ السِّعر، والاَكبَرُ المَهدیُّ بِالسِّيفِ

2

48

معاويه بن عمار

إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمُ الْقَائِمَ فَلْيَتَمَنَّهُ فِی عَافِيَهٍ

3

41

عبدالله بن سنان

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ علیه السلام لَمْ یَکُنْ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْعَرَبِ

4

17

ابوبصیر

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ یَکُنْ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْعَرَبِ وَ قُرَیْشٍ إِلَّا السَّیْفُ

5

16

ابوبصیر

إِذَا خَرَجَ یَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِیدٍ وَ کِتَابٍ جَدِیدٍ

6

33

عبدالرحمن بن حجاج

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَتَی رَحْبَهَ الْکُوفَهِ

7

60

سلام بن مستنیر

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِیمَانَ عَلَی کُلِّ نَاصب

8

32

ابن ابی حمزه

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ

9

43

قاسم بن عبيد

إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ فَقَتَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ تِسْعَمِائَةٍ

10

77

عبدالرحيم قصير

أَمَا لَوْ قَامَ قَائِمُنَا لَقَدْ رُدَّتْ إِلَيْهِ الْحُمَيْرَاءُ

11

ص: 123

صفحه

راوی

روایت

ردیف

48

ابوحمزه ثمالی

إِمَّا مَوْتٌ فِی طَاعَهِ اللَّهِ أَوْ إِدْرَاکُ ظُهُورِ

12

14

رفاعه بن موسی

إنّ أَولَ مَن یَکرُّ إِلی الدُّنیا الحسینُ بن علیٍّ علیه السلام

13

57

حسین بن ابی علاء

إِنَّ عِنْدِی الْجَفْرَ الْأَبْیَضَ

14

26

مفضل بن عمر

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتاً

15

96

محمد بن حسن شيبانی

أنَّ هذه الآيهَ (وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی

16

28

ابوجارود

أَنَّهُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام سَارَ إِلَی الْكُوفَهِ

17

53

حسن بن هارون

أَ يَسِيرُ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِخِلَافِ سِيرَهِ عَلِیٍّ علیه السلام

18

34

مرسلا عن علی علیه السلام

بِأَبی ابن خَيرهِ الإِماءِ لا يُعطيهِم إِلا السَّيفَ

19

29

حارث اعور همدانی

بِأَبِی ابن خِیَرَهِ الْإِمَاءِ یَعْنِی الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِهِ علیه السلام

20

92

عمار

بِالْمَنِّ وَ الْعَفْوِ کَمَا سَارَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله

21

89

محمد بن مسلم

بِسِیرَهِ مَا سَارَ بِهِ- رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

22

10

اعلم ازدی

بَیْن یَدَیِ الْقَائِمِ مَوْتٌ أَحْمَرُ وَ مَوْتٌ أَبْیَضُ

23

44

سعدان بن مسلم

بَیْنَا الرَّجُلُ عَلَی رَأْسِ الْقَائِمِ یَأْمُرُهُ وَ یَنْهَاهُ

24

88

عبدالله بن عباس

التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمُ أهْلِ بَيْتِی وَ مَهْدِیُّ أمَّتِی

25

81

ابوسعید خدری

تَأْوِی إِلَیْهِ أُمَّتُهُ کَمَا تَأْوِی النَّحْلَهُ یَعْسُوبَهَا

26

32

ابوالفرج ابان بن محمد

ثُمَّ یَبْعَثُ اللَّهُ لَهُ رَجُلاً مِنِّی وَ أَشَارَ بِیَدِهِ إِلَی صَدْرِهِ فَیَقْتُلُهُ

27

19

ابوبصیر

ثُمَّ یَتَوَجَّهُ إِلَی الْکُوفَهِ فَیَنْزِلُهَا

28

76

اسحاق بن عمار

ثُمَّ یُخْرِجُهُمَا غَضَّیْنِ رَطْبَیْنِ

29

51

حذیفه بن یمان

ثُمَّ يَفْتَرِقُونَ وَيَخْتَبِئُونَ تَحْتَ كُلِّ شَجَرٍ وَحَجَرٍ

صفحه

راوی

روایت

ردیف

51

ابان بن تغلب

دَمَانِ فِی الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ لَا یَقْضِی فِیهِمَا أَحَدٌ

31

47

معمر بن خلاد

ذُکِرَ الْقَائِمُ عِنْدَ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا

32

35

مرسلا عن الصادق علیه السلام

ذَلِکَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ یَخْرُجُ فَیَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَیْنِ علیه السلام

33

10

ابوطفیل عامر بن واثله

عُمَرُ وَ قَالَ أعُوذُ بِاللّٰهِ مِمَّا تَقُولُ

34

38

محمد بن قاسم

فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَفُوا كُلَّ نَاصِبٍ [نَصَبَ] عَلَيْهِ

35

61

سلام بن مستنير

فإِذا قامَ قائِمُنا سَقَطتِ التَّقيهُ

36

20

ابوبصير

فى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَنٌ مِنْ أَرْبَعَهِ أَنْبِيَاء

37

14

جابر

فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ رُبَما يَوَدُّ الَّذِينَ

38

18

ابوبصير

الّقَائِمَ الّذِى يُطَهِّرُ اللّهُ عَزَّ وَ جَلّ بِهِ الّأرْضَ

44

14

جابر

قَالَ الْحُسَيْنُ بن عَلِىٍّ عليه السلام لِأَصْحَابِ

45

صفحه

راوی

روایت

ردیف

7

محمد بن ابی نصر

قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ قَتْلٌ بَيُوحٌ

46

7

سلیمان بن خالد

قُدَّامَ الْقَائِمِ مَوْتَتَانِ مَوْتٌ أَحْمَرُ وَ مَوْتٌ أَبْيَضُ

47

56

رفید

قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جُعِلْتُ فِدَاکَ

48

8

ابوبصیر

قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ مَتَى خُرُوجُ الْقَائِمِ علیه السلام

49

46

زراره بن اعین

قُلْتُ لَهُ صَالِحٌ مِنَ الصَّالِحِینَ سَمِّهِ لِی

50

45

ابوخدیجه

کَانَ لِی أَنْ أَقْتُلَ الْمُوَلِّیَ

51

73

مفضل بن عمر

کُلَّ رَیْنٍ وَ خُبْثٍ وَ فَاحِشَهٍ وَ إِثْمٍ

52

9

ابوبصیر

لَا بُدَّ أَنْ یَکُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَهٌ یَجُوعُ

53

24

ابوهریره

لَا تَقُومُ السَّاعَهُ حَتَّی تَعُودَ أرْضُ الْعَرَبِ مُرُوجًا

54

22

ابوهریره

لَا تَقُومُ السَّاعَهُ حَتَّی یَخْرُجَ عَلَیْهِمْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی

55

23

ابوهریره

لَا تَقُومُ السَّاعَهُ حَتَّی یُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْیَهُودَ

56

10

کیسان رواسی

لَا یَخْرُجُ الْمَهْدِیُّ حَتَّی یُقْتَلَ ثُلُثٌ

57

11

ابوبصیر

لَا یَقُومُ الْقَائِمُ علیه السلام إِلَّا عَلَی خَوْفٍ سَدِیدٍ [شَدِیدٍ]

58

85

مفضل بن عمر

لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى تَمْسَحُوا الْعَلَقَ وَ الْعَرَقَ

59

8

محمد بن مسلم

لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثلث [ثُلُثَا] النَّاسِ

60

ص: 126

صفحه

راوی

روایت

ردیف

51

ابن زریر

لَا یَلْقَاهُ عَدُوٌّ إِلَّا هَزَمَهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ

61

26

مفضل بن عمر

لو قامَ قائِمُنا بَدأَ بِکَذّابی الشّیعه

62

31

مرسلا عن الباقر ع

لَو قَد قامَ قائِمُنا بَدَأَ بِالَّذینَ یَنتَحِلونَ حُبُّنا

63

45

محمد بن مسلم

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا يَصْنَعُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ

64

25

مفضل بن عمر

مَا عَلَامَةُ الْقَائِمِ

65

59

عبدالله بن شریک

مَرَّ الْحُسَيْنُ عليه السلام عَلَى حَلْقَةٍ مِنْ بنی أُمَيَّةَ

66

8

زراره بن اعین

النِّدَاءُ حَقٌّ قَالَ إِی وَ اللَّهِ

67

74

بشیر نبال

هَلْ تَدْرِی أَوَّلَ مَا يَبْدَأُ بِهِ الْقَائِمُ عليه السلام

68

59

سلام بن مستنیر

هُوَ الحُسَینُ بن عَلی علیه السلام قُتِلَ مَظلوماَ

69

35

جابربن یزید

هُوَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ

70

95

محمد بن مسلم

وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّی قَالَ النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ

71

34

مرسلا عن الصادق علیه السلام

وَ کَذَلِکَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ لَمْ یَظْهَرْ أَبَداً حَتَّی

72

41

جابر

وَ یَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّی لَا یَبْقَی إِلَّا دِینُ مُحَمَّد

73

40

ابوبصیر

وَ يَنْهَزِمُ قَوْمٌ كَثِيرٌ مِنْ بنى أمَيَّةَ

74

96

فضل بن شادان

وَ يُولّونَ فَيقتُلَهم حتّى يدخُلَهم أَبياتِ الكوفهِ

75

23

ابوهريره

وَيْلٌ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرٍّ قَدِ اقْتَرَبَ

76

91

ابوعبيده حذّاء

يَا ابا عُبَيْدَةَ إِنَّهُ لَا يَمُوتُ مِنَّا مَيِّتٌ حَتَّى

77

36

عبد السلام بن صالح

يَا ابن رَسُولِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِى حَدِيثٍ

78

55

بشر بن غالب اسدى

يَا بِشْرُ مَا بَقَاءُ قُرَيْشٍ إِذَا قَدَّمَ الْقَائِمُ

79

صفحه

راوی

روایت

ردیف

58

رفید

يَا رُفَيْدُ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ

80

31

مقاتل

یا وَلَدِی یَا عَلِیُّ وَ اللَّهِ لَا یَسْکُنُ دَمِی

81

82

ابوهریره

یُبَایعُ الْمَهْدِیُّ بَیْنَ الرُّکْنِ وَالْمَقَامِ

82

13

اباقبیل

يَبْعَثُ السُّفْيَانِیُّ جَيْشًا إِلَی الْمَدِينَهِ

83

82

قتاده

يُجَاءُ إِلَی الْمَهْدِیِّ وَهُوَ فِی بَيْتِهِ

84

21

ابوبصير

يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَی عَاتِقِهِ ثَمَانِيَهَ أَشْهُرٍ

85

12

عبدالله بن عباس

يَخْرُجُ السُّفْيَانِیُّ فَيُقَاتِلُ حَتَّی يَبْقُرَ بُطُونَ النِّسَاءِ

86

42

كعب الاحبار

يَخرجُ المَهدیُّ إلی بِلادِ الرّومِ

87

13

ارطاه

يَدْخُلُ السُّفْيَانِیُّ الْکُوفَةَ فَیَسْبِیهَا

88

50

ابن زریر

یُرْسِلُ اللَّهُ عَلَی أَهْلِ الشَّامِ مَنْ یُفَرِّقُ جَمَاعَتَهُمْ

89

11

عبدالله بن سنان

یَشْمَلُ النَّاسَ مَوْتٌ وَ قَتْلٌ

90

23

ابوهریره

یُقْبَضُ الْعِلْمُ وَیَظْهَرُ الْفِتَنُ وَیَکْثُرُ الْهَرْجُ

91

13

ارطاه

یَقْتُلُ السُّفْیَانِیُّ کُلَّ مَنْ عَصَاهُ

92

38

عبدالله بن سنان

يَقْتُلُ الْقَائِمُ عليه السلام حَتَّى يَبْلَغَ السُّوقَ

93

39

کابلی

يَقْتُلُ الْقَائِمُ عليه السلام مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَهِ

94

15

ابوبصیر

يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ

95

54

یحیی بن علاء

يُنْتِجُ اللَّهُ تَعَالَى فِى هَذِهِ الْأُمَّهِ رَجُلاً مِنِّى

96

89

عبدالله بن عطاء

يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

97

12

ابوبصیر

يقُولُ لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا أطْوَلُ مِنَ الْأخْرَى

98

1. ابان بن عثمان: وی در اصل اهل بصره و در کوفه ساکن بوده و مذهب وی ناووسی است.(1)

2. ابو هریره: درباره اسم وی اختلاف وجود دارد که برترین آن عبدالرّحمن بن صخر است. یکی از مسائلی که بسیاری ازعلمای رجال اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند، این است که ابوهریره مدلِّس بوده و سخنی را که از دیگران می شنیده، به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می داده است. ذهبی از بزرگترین رجالیون اهل سنت در شرح حال ابوهریره می نویسد: «قالَ یزیدُ بن هارونَ: سَمِعتُ شُعبةَ یقولُ:کانَ أبوهُریره یدلِّسُ(2)؛ ابوهریره تدلیس می کرد».

همچنین ابن ابی الحدید به نقل از استادش ابوجعفر اسکافی می نویسد: «عَن علی أنّه قالَ: ألا إنّ أکذَبَ النّاسِ- أو قالَ: أکذبَ الأحیاءِ- عَلی رسولِ الله أبوهریرةُ الدّوسی؛ از امیرمؤمنانَ علیه السلام روایت شده است که فرمود:آگاه باشید که دروغگوترین مردم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله ابو هریره می باشد(3)».

4. ابوالقاسم شعرانی: وی فردی مجهول است.

5. احمد بن هلال عبرتایی: وی شخصی غالی و متهم در دین شمرده شده است(4)، همچنین علامه حلی(5) ونجاشی درباره وی گفته اند: «مذمت هایی درباره او

1- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص352.
2- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، ج2، ص608.
3- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج4، ص68.
4- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج4، ص83.
5- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص202.

از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است». (1)

6. اسماعیل بن رافع ابو رافع مدنی: یحیی بن معین از رجالیون اهل سنت درباره وی واژه ضعیف را به کار برده است. (2)

7. بشیر نبال: علامه حلّی درباره وی گفته است: «من در روایت او متوقف هستم». (3)

8. جابر بن یزید: نجاشی گفته است که وی فردی مختلط بوده است. (4)

9. حسن بن عبدالرحمن(حمانی): وی فردی مجهول است.

10. حسن بن علی بن ابی حمزه: وی شخصی بسیار ضعیف، دروغگو و غالی بوده (5) و علامه حلی در خلاصه، وی را واقفی دانسته است. (6)

11. حسن بن هارون: وی فردی مجهول است.

12. حسین بن احمد مالکی: وی فردی مجهول است.

13. حسین بن حمدان: وی فردی بسیار ضعیف و فاسدالمذهب است. (7)

14. زیاد بن منذر: کنیه وی ابو جارود است. امام باقر علیه السلام به این فرد نسبت سرحوب را داده است، سرحوب نام شیطانی کور است که در دریا زندگی

1- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص83.
2- جرجانی، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد ابو أحمد، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج1، ص280، ش119.
3- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص25.
4- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص 129.
5- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص443.
6- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص213.
7- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص217.

می کند.(1) همچنین مذهب او زیدیه است. (2)

15. سلام بن مستنیر: وی فردی مجهول است.

16. در سند سوید بن عبد العزیز وجود دارد که نسائی درباره وی گفته است او ثقه نیست و ضعیف است.(3)

17. عبد الله بن لهیعه بن عقبه الحضرمی: وی فردی ضعیف است، چنان که ابن معین در توصیف وی گفته است: ضعیفٌ لا یحتجُ به. (4)

18. عبدالله بن عبدالرحمن الاصمّ: وی فردی ضعیف، غالی و از دروغ سازان بصره بوده است. (5)

19. عبدالملک بن بشیر: وی فردی مجهول است.

20. عبیدالله بن شریک: وی فردی مجهول است.

21. عقبه بن یونس: وی فردی مجهول است.

22. علی بن ابی حمزه بطائنی: این شخص یکی از سران و بزرگان واقفیه است(6). شیخ طوسی نیز به واقفی بودن وی اشاره کرده و(7) ابن غضائری او را لعن

1- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص229.
2- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص204.
3- عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابو الفضل، تهذیب التهذیب، ج4، ص242.
4- ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج 4، ص167.
5- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال(رجال)، ص238.
6- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص250
7- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص283.

نموده است(1).

23. علی بن اسباط کوفی: وی ابتدا فردی فطحی بوده(2) اما در اینکه آیا او از مذهب فطحی به سوی حق بازگشته یا خیر اختلاف وجود دارد.

24. علی بن حسن تیملی: بنابر گفته آیت الله خویی وی همان علی بن حسن بن علی بن فضال بوده(3) که شخصی فطحی مذهب می باشد.(4)

25. علی بن عباس جرازینی رازی: وی شخصی متهم به غلو و ضعیف است.(5)

26. علی بن عبدالله حسنی: وی فردی مجهول است.

27. عمر بن فرات:وی فردی غالی است.(6)

28. عمرو بن شمر ابو عبدالله جعفی: نجاشی گفته است که وی فردی بسیار ضعیف است. (7)

29. عیثم بن سلیمان: وی فردی مجهول است.

30. قاسم بن محمد بن حسن بن حازم: وی فردی مجهول است.

31. قاسم بن ولید همدانی: وی مجهول است.

32. محمد بن ابی عبدالله: به نظر مرحوم آیت الله خویی وی همان

1- واسطی بغدادی، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، ص83.
2- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص562.
3- موسوی خویی، ابوالقاسم، ج11، ص345.
4- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص258.
5- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص255.
6- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص362.
7- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص287.

محمد بن جعفر اسدی است(1) که به گفته نجاشی وی شخصی است که روایت هایش را از ضعفا نقل می کند و به جبر و تشبیه قائل است.(2)

33. محمد بن حسن بن جمهور: بنابر نظر آیت الله خویی وی همان محمد بن جمهور است(3) که فاسد المذهب و ضعیف است.(4)

34. محمد بن خالد: مرحوم آیت الله خویی نقل کرده است که به نظر نجاشی وی فردی مهمل است. (5)

35. محمد بن سلیمان (بصری یا دیلمی): وی فردی متهم به غلو است.(6)

36. محمد بن سنان: این فرد هم مدح شده و هم ضعیف به شمار می آید(7) و بنابر قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم می باشد.(8)

37. محمد بن عبدالله بن مهران: این شخص فردی متهم به غلو و ضعیف است.(9)

38. محمد بن علی کوفی: وی فردی بسیار بدنام و دروغگوست و علمای رجال بر بی اعتباری روایات وی حکم کرده اند. این شخص در زمان امام حسن عسکری علیه السلام می زیسته و از معاصران جناب فضل بن شاذان بوده است.

1- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج 14، ص271.
2- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص373.
3- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج 15، ص178.
4- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص337.
5- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج 16، ص62.
6- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص343.
7- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص328.

8- شانه چی، کاظم، درایه الحدیث، ص117-118.
9- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص391.

فضل بن شاذان در وصف محمد بن علی کوفی می گوید:«رجلٌ کذابٌ: او مردی بسیار دروغگوست». همچنین فضل درباره وی گفته:«کِدتُ أقنتُ علیه: نزدیک بود در قنوت نماز لعن و نفرینش کنم».(1)

39. محمد بن فضیل أزدی: فردی ضعیف(2)و متهم به غلو است.(3)

40. محمد بن قاسم بن عبید:وی فردی مجهول است.

41. محمدبن حسن شمون: وی فردی غالی(4)، واقفی مذهب و فاسد المذهب است.(5)

42. مفضل بن عمر ابو عبدالله: وی هم مدح شده و هم مورد طعن قرار گرفته است. شیخ مفید درباره وی می گوید: او از شیوخ اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهای صالح است(6) ولی نجاشی درباره وی می گوید: او فردی فاسد المذهب و مضطرب الروایه می باشد.(7) بنابر قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم است.(8)

43. یونس بن ظبیان: وی فردی ضعیف و غالی است؛(9) همچنین نجاشی درباره وی می گوید که هرآنچه که وی نوشته، مختلط است. (10)

44. یونس بن کلیب: وی فردی مجهول است.

1- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص546.
2- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص343.
3- موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الروهه، ج 17، ص145، ش11546.
4- طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، ص402.
5- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص335.
6- مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج2، ص216.
7- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص416.
8- شانه چی، کاظم، درایه الحدیث، ص117-118.
9- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، ص363.

10- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص448.

ردیف

نام راوی

غالی

ناووسی

فطحی

مجهول

زیدی

جارودی

مختلط

واقفی

ضعیف و غیره

1

ابوهریره

*

2

ابوالقاسم شعرانی

*

3

احمد بن هلال

*

4

اسماعیل بن رافع

*

5

بشیر نبّال

*

6

جابر بن یزید

*

7

حسن بن عبدالرحمن

*

8

حسن بن علی بن ابی حمزه

*

*

*

9

حسن بن هارون

*

10

حسین بن احمد مالکی

*

11

حسین بن حمدان

*

12

زیاد بن منذر

*

13

سلام بن مستنیر

*

14

سوید بن عبدالعزیز

*

15

عبدالله بن لهیعه

*

16

عبدالله بن عبدالرحمن

*

ص: 135

ردیف

نام راوی

غالی

ناووسی

فطحی

مجهول

زیدی

جارودی

مختلط

واقفی

ضعیف و غیره

17

عبدالملک بن بشیر

*

18

عبیدالله بن شریک

*

19

عقبه بن یونس

*

20

علی بن ابی حمزه

*

21

علی بن اسباط

*

22

علی بن حسن تیملی

*

23

علی بن عباس

*

24

علی بن عبدالله حسنی

*

25

عمر بن فرات

*

26

عمرو بن شمر

*

27

عیثم بن سلیمان

*

28

قاسم بن محمد بن حسن

*

29

قاسم بن ولید

*

30

محمد بن ابی عبدالله

*

31

محمد بن حسن بن جمهور

*

32

محمد بن سلیمان

*

33

محمد بن سنان

*

34

محمد بن عبدالله بن مهران

*

35

محمد بن علی کوفی

*

ص: 136

ردیف

نام راوی

غالی

ناووسی

فطحی

مجهول

زیدی

جارودی

مختلط

واقفی

ضعیف و غیره

36

محمد بن فضیل

*

37

محمد بن قاسم

*

38

مفضل بن عمر

*

39

محمد بن حسن شمون

*

*

40

يونس بن ظبيان

*

*

41

يونس بن كليب

*

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

1. ابن بابویه، محمد بن علی،علل الشرائع،2جلد، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، قم، مومنین، چ اول،1380ش.

2. _______،کمال الدین و تمام النعمه،2جلد، ترجمه منصور پهلوان، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دارالحدیث، چ اول،1380ش.

3. ابن قولویه، جعفر بن محمد،کامل الزیارات، 1جلد، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، تهران، پیام حق، چ اول، 1377ش.

4. آیتی، نصرت الله، بررسی تطبیقی سیره امام علی علیه السلام و امام مهدی(عج) در رویارویی با اهل بغی، مجموعه مقالات همایش بین المللی دکترین مهدویت، شماره4، 1388.

5. جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، آفتاب مهر، 2جلد، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، چاپ یازدهم،1390ش.

7. زبری قاینی، محمد حسن، فرهنگ اصطلاحات علم الحدیث،1جلد، مشهد، آستان قدس رضوی، چ اول، 1389ش.

8. طبسی، نجم الدین؛ واعظی، سید حسن، درنگی در روایات قتل های آغازین دولت مهدی(عج)، مجله انتظار موعود، شماره 6، 1381ش، صفحه355.

9. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضه من الکافی، 2جلد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه،چ اول، 1364ش.

10. مفید،محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد،ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی،2جلد، تهران، اسلامیه، چ دوم، بی تا.

11. منتظری، حسینعلی، موعود ادیان، 1جلد، تهران، خردآوا، چ دوم، 1384ش.

12. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه،1جلد،ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، 1362ش.

13. ______، الغیبه،1جلد، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، صدوق، چ دوم، 1376ش.

ب. منابع عربی

14. ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه،10جلد، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، 1404ق.

15. ابن ابی شیبه، ابو بکر عبد الله بن محمد، المصنف فی الأحادیث والآثار، 7جلد، تحقیق کمال یوسف الحوت، الریاض، مکتبه الرشد، چ اول،1409ق.

16. ابن بابویه، محمد بن علی،علل الشرایع،2جلد، تحقیق سید محمد صادق بحرالعلوم، نجف، مکتبه الحیدریه، 1385ق.

17. ______، کمال الدین و تمام النعمه،1جلد، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1405ق.

18. ابن جحام،محمد بن عباس بزاز، تاویل ما نزل من القرآن الکریم فی النبی وآله،1جلد، تحقیق فارس تبریزیان، قم، الهادی، چ اول، 1420ق.

19. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی،دعائم الإسلام،2جلد، تحقیق آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البیت:، چ دوم، 1385ق.

20. ابن خلدون الحضرمی، عبد الرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دارالقلم، چ پنجم، 1984م.

21. ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب:،4 جلد، قم، علامه، چ اول، 1379ق.

22. ابن طاووس، على بن موسى،اقبال الاعمال، 1جلد، تعليق شيخ حسين اعلمى، بيروت، موسسه الاعلمى، چاپ اول، 1417ق.

23. ابن قولويه، جعفر بن محمد،كامل الزيارات، 1جلد، تحقيق جواد قيومى، قم، موسسه نشر اسلامى، چ اول، 1417ق.

24. ابن كثير الدمشقى، إسماعيل بن عمر ابوالفداء القرشى، البدايه والنهايه، 14جلد، بيروت، مكتبه المعارف، بى تا.

25. اردبيلى، محمد بن على، جامع الرواه،2جلد، قم، مكتبه محمدى.

26. ازدى نيشابورى، ابو محمد فضل بن شاذان، الايضاح، بيروت، موسسه الاعلمى، چ اول،1402ق.

27. استرآبادى، على، تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره،2جلد، قم، مدرسه امام مهدى، چ اول، 1407ق.

28. بحرانى، سيد هاشم بن سليمان، حليه الأبرار فى احوال محمد و آله الأطهار:، 5جلد، قم، مؤسسه المعارف الإسلاميه، چ اول، 1411ق.

29. تميمى، ابى يعلى موصلى احمد بن على، مسند ابى يعلى،13 جلد، تحقيق حسين سليم اسد، دمشق، دارالمامون للتراث، چ اول، 1404ق.

30. جرجانى، عبدالله بن عدى بن عبدالله بن محمد ابو احمد، الكامل فى ضعفاء الرجال، 7جلد، تحقيق يحيى مختار غزاوى، بيروت، دار الفكر، چ سوم، 1409ق-1988م.

31. جزرى، عزالدين بن الأثير أبى الحسن على بن محمد، الكامل فى التاريخ، 7جلد، تحقيق عبد الله القاضى، بيروت، دارالكتب العلميه، چ دوم، 1415ق.

32. حلى، حسن بن يوسف، خلاصه الاقوال(رجال)،1جلد، تصحيح سيد محمد صادق بحرالعلوم، قم، مكتبه الرضى، چاپ دوم، 1381ق.

33. حلی، عزالدین حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، 1جلد، نجف، الحیدریه، چاپ اول، 1370ق.

34. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد،1جلد، تحقیق موسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، چ اول، 1413ق.

35. خزازرازی، علی بن محمد، کفایه الاثر، 1جلد، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری قم، بیدار، 1401ق.

36. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری،1جلد، بیروت، موسسه البلاغ، چ اول، 1406ق.

37. دانی، عثمان بن سعید، السنن الوارده فی الفتن، 6جلد، ضیاء الله بن محمد إدریس المبارکفوری، الریاض، دار العاصمه، چ اول،1416ق.

38. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، 8جلد، تحقیق الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1995م.

39. ______، سیر اعلام النبلاء، 23 جلد، بیروت، موسسه الرساله، چ سوم، 1405ق.

40. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح،3جلد، تصحیح موسسه امام مهدی، قم، موسسه امام مهدی، چ اول، 1409ق.

41. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، 1جلد، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، چ اول، 1414ق.

42. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد،6جلد، بیروت، دارالفکر، بی تا.

43. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد صلی الله علیه و آله،1جلد، تصحیح محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی،

چ دوم،1404ق.

44. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، تاریخ الأمم والرسل والملوک(تاریخ الطبری)، 5جلد، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ اول،1407ق.

45. _______،دلائل الامامه، 1جلد، قم، مکتبه الرضی، چ سوم، 1363ش.

46. طوسی، محمد بن حسن،اختیار معرفه الرجال، 1جلد، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، 1348ش.

47. _______، تهذیب الأحکام،10جلد، تحقیق حسن الموسوی خرسان، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ چهارم، 1407ق.

48. _______، رجال طوسی،1جلد، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشرالاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، چاپ سوم، 1373ش.

49. _______، الغیبه،1 جلد، تحقیق عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چ اول، 1411ق.

50. _______، الفهرست،1جلد، تصحیح جواد قیومی، قم، موسسه نشر الفقاهه، چ اول، 1417ق.

51. عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابو الفضل، تهذیب التهذیب، 14جلد، بیروت، دارالفکر، چ اول، 1404ق.

52. عیاشی سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیرالعیاشی،2جلد، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.

53. قرشی المصری، ابو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله عبد الحکم بن أعین، فتوح مصر وأخبارها، 1جلد، تحقیق محمد الحجیری، بیروت، دار الفکر، چ اول، 1416ق 1996م.

54. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرقمی، 2 جلد، تصحیح سید طیب موسوی

جزائری، قم، مکتبه العلامه، 1387ق.

55. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی،1جلد، قم، داوری، بی تا.

56. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، 8 جلد، تحقیق غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، 1407ق.

57. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیه السلام، 111جلد، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، چ دوم، 1403ق.

58. مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، 1جلد، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، 1414ق.

59. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، 1جلد، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.

60. _______، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره،1جلد، تحقیق علی میرشریفی، قم، کنگره شیخ مفید، چ اول، 1413ق.

61. _______،الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد،2جلد، تصحیح مؤسسه آل البیت:، قم، دارالمفید، 1413ق.

62. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر،1جلد، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، قم، مسجد مقدس جمکران - نصایح، چ اول،1416ق.

63. موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، 23جلد، قم، مدینه العلم، چاپ سوم، 1403ق.

64. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، 1جلد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، چ ششم، 1365ش.

65. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، 1جلد، تحقیق فارس حسون، قم،

ص: 144

انوارالهدی، چ اول، 1422ق.

66. نویری، شهاب الدین أحمد بن عبد الوهاب، نهایه الأرب فی فنون الأدب، 33جلد، تحقیق مفید قمحیه وجماعه، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ اول، 1424ق-2004م.

67. واسطی بغدادی، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، 1جلد، تحقیق سید محمد رضا جلالی، قم، دارالحدیث، چ اول، 1422ق.

68. هیئت علمی موسسه معارف اسلامی، معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، 8 جلد، قم، موسسه معارف اسلامی، چ اول، 1428ق.

نرم افزارها:

1. جامع الاحادیث نور، نسخه 5/3، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی،1390ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109